



کاملترین درسنامه کاربردی واجب فراموش شده

خودآموز امر به معروف و نهی از منکر

تالیف: علی تقوی (مدرس حوزه و دانشگاه)

شناسنامه کتاب

سرشناسه: تقوی یگانه، علی، ۱۳۶۶ -

عنوان و نام پدیدآور: خودآموز امر به معروف و نهی از منکر: کاملترین درسنامه کاربردی واجب فراموش شده/مؤلف علی تقوی.

مشخصات نشر: تهران، پیام حنان، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۱۸۷ ص.

شابک: ۲-۷۴-۹۹۷۴-۶۲۲-۹۷۸-۳۰۰،۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه.

عنوان دیگر: کاملترین درسنامه کاربردی واجب فراموش شده.

موضوع: امر به معروف و نهی از منکر موضوع:

موضوع: * Enjoining what is good and prohibiting what is evil

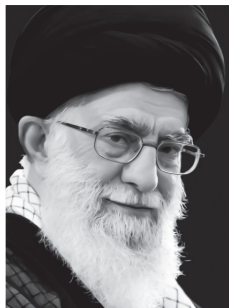
نوبت چاپ: اول

صفحه آرایی و طراح جلد: ناصری (۰۹۱۲۸۶۳۳۸۱۷)

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۹خ۷ت/۴/۲۲۶BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۷۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۸۹۵۷۲

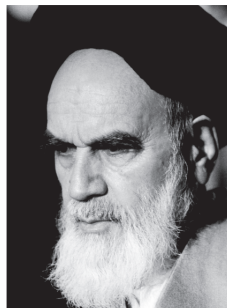


✎ مسأله‌ی امر به معروف و نهی از منکر، مثل مسأله‌ی نماز است. یادگرفتنی است. باید بروید یاد بگیرید. مسأله دارد که کجا و چگونه باید امر به معروف و نهی از منکر کرد؟

بیانات در دیدار فرماندهان گردان‌های

عاشورا

۱۳۷۱/۰۴/۲۲



✎ همان طوری که هر شخص هر فردی موظف است که خودش را اصلاح کند، موظف است که دیگران را هم اصلاح کند اصل امر به معروف و نهی از منکر برای همین است که جامعه را اصلاح کند.

(صحیفه نور، ج ۷، ص ۵۸۲)



امر به معروف و نهی از منکر، مهمترین و مظلومترین واجب فراموش شده اسلام است که متأسفانه در طول تاریخ، دستخوش ناملایمات و تحریفات گشته و مورد بی مهری و کم لطفی مبلغین و عموم مردم قرار گرفته است. پس از آنکه با تحقیقات فراوان و به دست آوردن مستندات آماری ملموس، موانع احیا و انجام این فریضه الهی را برشمردم، از میان انبوه موارد احصا شده، مهمترین عامل ترک فریضه و بی تفاوتی مردم نسبت به آن را ضعف در تبیین درست و سستی در آموزش های صحیح این واجب یافتیم. علیرغم حجم انبوه تالیفات و پژوهش ها و سخنرانی ها و دوره های آموزشی، متأسفانه هنوز نیاز به یک درسنامه عمومی مختصر و مفید که گویای مطالب کاربردی و پاسخگوی نیازهای روزانه یک مسلمان متعهد باشد و از طرفی شبهات رایج درباره فریضتین را به اجمال پاسخ دهد، شدیداً احساس می شد و در جلسات آموزشی و کلاس های تدریس این حقیر در سراسر کشور نیز، به صورت یک مطالبه عمومی از اینجانب درآمده بود. فصول درسنامه حاضر که آن را ((خودآموز کاربردی امر به معروف و نهی از منکر)) می نامیم، شامل طرح کلیات هر درس، پرسشهای درس، بیشتر بدانیم و خلاصه درس است و با سیری منطقی از مبانی و مقدمات از احکام و ظرافتها گذر کرده و به بیان شیوه ها و روش های مفید می پردازد.

پیشنهاد می شود این خودآموز را برای دوره های عمومی و تربیت مربی امر به معروف و نهی از منکر در بسیج، ادارات، مدارس علمیه، دانشگاهها و نیز مسابقات فرهنگی مرتبط مورد استفاده قرار گیرد.

همچنین مناسب است خوانندگان محترم بر اساس ترتیب منطقی کتاب پیش بروند و از مراجعه مقطعی به فصولی که پیش نیاز آن را ملاحظه نفرموده اند، خودداری نمایند.

پرواضح است که صنع بشر را نواقص فراوان است و از زواید خالی نیست. لذا پیشنهادات، نظرات و انتقادات خوانندگان محترم را به دیده منت پذیرا هستم و بدینوسیله از همراهی طلاب و پژوهشگرانی که در به ثمر رساندن این کتاب همکاری نمودند، تشکر می نمایم.

علی تقوی

فهرست مطالب

فصل ۱: مبانی اعتقادی فریضتین

۱۴ **درس اول: تعریف امر به معروف و نهی از منکر**

۱۵ معانی واژگان و اصطلاحات

۱۵ چند نکته

۱۷ معنای امر به معروف و نهی از منکر

۱۷ تفاوت امر به معروف و نهی از منکر با برخی مفاهیم مشابه

۱۷ الف - تعلیم و ارشاد جاهل

۱۷ ب - فعالیت فرهنگی و دعوت به خیر

۲۰ امر به معروف و نهی از منکر به عهده کیست؟

۲۰ مراحل سه گانه امر به معروف و نهی از منکر

۲۲ وجوب کفایی یا عینی؟

۲۵ چکیده درس اول

۲۶ پرسش های درس اول

۲۷ بیشتر بدانیم

۳۱ **درس دوم: اهمیت و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر**

۳۲ اسلام دین فردی یا اجتماعی؟

۳۳ بیماری خطرناک بی تفاوتی

۳۴ امر به معروف و نهی از منکر، هم حق است هم وظیفه

۳۵ نسبت رتبه و ثواب امر به معروف و نهی از منکر در مقایسه با سایر واجبات

۳۷ امر به معروف و نهی از منکر، شرط نصرت خدا

۳۸ فریضه ای که زمینه ساز تمدن عظیم اسلامی است

۳۹ تنها راه تعجیل ظهور امام زمان (عج)

۴۱ یگانه هدف نهضت عاشورا

۴۲ امر به معروف و نهی از منکر، شرط ایمان

۴۴ چکیده درس دوم

۴۵ پرسش های درس دوم

۴۶ بیشتر بدانیم

۴۸ درس سوم : فلسفه و چرایی امر به معروف و نهی از منکر

۴۹ برخی از برکات انجام امر به معروف و نهی از منکر

۵۵ برخی از عواقب ترک امر به معروف و نهی از منکر

۶۳ چکیده درس سوم

۶۵ پرسش های درس سوم

۶۶ بیشتر بدانیم

فصل ۲ : آشنایی با احکام ، شرایط و خوب فریضتین

۷۰ درس چهارم : شرایط چهارگانه و خوب امر به معروف و نهی از منکر

۷۲ شرط اول : علم به معروف و منکر

۷۴ شرط دوم : احتمال تاثیر اقسام و انواع احتمال تاثیر

۷۷ شرط سوم : عدم یقین به ترک گناه

۷۷ شرط چهارم : نداشتن مفسده اهم

۷۹ چکیده درس چهارم

۸۰ پرسش های درس چهارم

۸۱ بیشتر بدانیم

۸۳ **درس پنجم : مواردی که برخلاف تصور عوام ، جزء شرایط و جوب نیست**

۸۴ سن و سال ، مجرد یا جوان بودن

۸۶ اخلاص و قصد قربت

۸۸ مماثله و جنسیت

۸۹ عادل و عامل بودن به معروف و تارک بودن منکر
جاهل بودن معصیتکار یا دانسته گناه کردن او

۹۲ حفظ احترام و آبروی معصیت کار در هر شرایط

۹۳ احتمال لجابت و تمسخر

۹۵ احتمال دفع شدن و ناراحت شدن معصیت کار از دین و مومنین

۹۷ اذن یا رضایت همسر و پدر در امر به واجبات و نهی از محرمات

۹۸ حمایت قضایی و داشتن کارت و حکم انتظامی

۱۰۱ چکیده درس پنجم

۱۰۳ پرسش های درس پنجم

۱۰۴ بیشتر بدانیم

۱۰۸ **درس ششم : نکات تکمیلی احکام امر به معروف و نهی از منکر**

۱۰۹	حالات مختلف جواز و عدم جواز آسیب زدن به اموال شخص عاصی
۱۱۱	تفاوت نفی منکر و نهی از منکر
۱۱۱	موارد جواز به تاخیر انداختن تذکر
۱۱۲	از منظر فقه، تذکر با کدام شیوه مطلوب تر است؟
۱۱۳	شخص خاص برای منکر خاص، وظیفه خاص دارد
۱۱۴	موارد حرمت امر به معروف و نهی از منکر
۱۱۶	مهمترین معروف ها و منکر ها از نگاه فقه اسلام
۱۲۰	وجوب شرعی تبلیغ و ترویج امر به معروف و نهی از منکر
۱۲۲	چکیده درس ششم
۱۲۴	پرسش های درس ششم
۱۲۵	بیشتر بدانیم

فصل ۳: روش ها در امر به معروف و نهی از منکر

۱۲۸	درس هفتم: شیوه های کاربردی امر به معروف و نهی از منکر
۱۲۹	برخی روش هایی که ذیل مرحله اول (اظهار ناراحتی قلبی در رفتار) طرح می شوند
۱۲۹	۱. شیوه نامه و پیامک
۱۲۹	۲. شیوه اشاره ای
۱۲۹	۳. شیوه ترک و جدایی

۱۳۰	۴. شیوه حذف محرک
۱۳۰	۵. شیوه آسان سازی
۱۳۰	۶. شیوه هنری
۱۳۱	۷. شیوه نمادین
۱۳۱	۸. شیوه جمعیت غالب
۱۳۱	۹. شیوه سکوت
۱۳۱	۱۰. شیوه رسانه ای
۱۳۲	۱۱. شیوه تعجبی
۱۳۲	برخی روش هایی که ذیل مرحله دوم (لسانی) طرح می شوند
۱۳۲	۱. شیوه ساده
۱۳۲	۲. شیوه صریح
۱۳۳	۳. شیوه تأکیدی
۱۳۳	۴. شیوه اعتراضی
۱۳۴	۵. شیوه تأییدی
۱۳۵	۶. شیوه تعلیلی
۱۳۶	۷. شیوه اخطاری
۱۳۶	۸. شیوه انتقاعی
۱۳۷	۹. شیوه تحریکی
۱۳۸	۱۰. شیوه استحيایی
۱۳۹	۱۱. شیوه قرآنی
۱۴۰	۱۲. شیوه حدیثی
۱۴۱	۱۳. شیوه فتوایی
۱۴۲	۱۴. شیوه منظم

۱۴۳ ۱۵. شیوه ادبی

۱۴۳ ۱۶. شیوه داستانی

۱۴۴ ۱۷. شیوه خواندنی

۱۴۵ چکیده درس هفتم

۱۴۶ پرسش های درس هفتم

۱۴۷ بیشتر بدانیم

درس هشتم : فنون خطابه و تبلیغ

۱۵۴ مهارت های کلاس داری

۱۵۴ معنویت

۱۵۵ محبوبیت

۱۵۶ آمادگی روحی

۱۵۷ کیفیت آموزش

۱۵۸ اخلاق

۱۵۹ وقار مرئی

۱۶۰ تواضع

۱۶۱ رعایت شخصیت مترجمان

۱۶۱ نکات ویژه

۱۶۲ شیوه استفاده از تخته سیاه یا ایت برد

۱۶۴ بیان و شیوه انتقال مطالب

۱۶۵ حفظ تعادل

۱۶۵ نظم و رعایت زمان

۱۶۶ مکان تدریس

۱۶۷

خصوصیات فردی در سخن

فصل ۵: آشنایی با قوانین

۱۷۰

درس نهم: قوانین و مقررات

۱۷۱

اصل هشتم قانون اساسی

۱۷۲

قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر

۱۸۰

چکیده درس نهم

۱۸۱

پرسش های درس نهم

۱۸۲

بیشتر بدانیم

۱۸۶

فهرست منابع

فردا نوز
ارجم معروف و سخی از سنبل

فصل ۱ مبانی اعتقادی فریضتین

درس اول

تعریف امر به معروف و نهی از منکر

اهداف درس:

انتظار می رود پس از فراگیری این درس، نتایج ذیل برای خواننده
محترم حاصل گردد:

۱. آشنایی دقیق با تعاریف لغوی و اصطلاحی واژه های امر، نهی، معروف و منکر
۲. توان تعریف اصطلاحات و تبیین وجوه تمایز تعاریف امر به معروف و نهی از منکر با سایر مسئولیتهای اجتماعی مشابه؛ مانند ارشاد جاهل و دعوت به خیر
۳. شناخت مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر و تشخیص وظیفه مردم و حکومت
۴. قدرت شرح و حل مساله اختلافی کفایی یا عینی بودن فریضه امر به معروف و نهی از منکر

معانی واژگان و اصطلاحات

الف: امر

در لغت به معنای دستور دادن به انجام یک عمل یا طلب کردن اجرای کار و جمع آن "اوامر" است. البته امر در لغت، معنای دیگری نیز دارد که مراد ما نیست.^۱ امر، مترادف واژه دستور است و معمولاً با حالت استعلا (آمریت) انجام می شود. مترادف این واژه، فرمان دادن است. فاعل آن، "آمر" و مخاطبش، "مامور" است. به عملی که فرمان انجامش صادر گردد، "مامور" به "گفته می شود."^۲

ب: نهی

نهی، مترادف منع و متضاد امر است. یعنی دستور برای ترک فعل یا فرمان به عدم انجام یک کار. شخصی که از انجام کاری بازدارد و ممانعت نماید را "ناهی" و شخص مخاطب وی را "منهی" گویند. به عملی که از آن نهی می گردد، اصطلاحاً "منهی عنه" گفته می شود.^۳

ج: معروف و منکر

معروف، اسم مفعول است از ریشه (ع ر ف) و از مصدر شناختن. معروف یعنی آنچه که شناخته شده است.

در اصطلاح فقهای اسلام، هر عملی که شارع مقدس آن را به عنوان کار نیک، به رسمیت شناخته باشد و مورد تأیید دین باشد، معروف گفته می شود.^۴

منکر نیز اسم مفعول از ریشه (ن ک ر) از مصدر دورداشتن و نشناختن است. منکر یعنی آنچه که انکار شده و به رسمیت شناخته نشده است و باید از آن برکنار بود.

چند نکته :

* در زیارات وارده خطاب به اهل بیت رسول الله (ص) می خوانیم: المعروف ما امرتم

۱ . معنای دیگر امر، کار است و جمع آن، امور می باشد. قاموس قرآن ج ۱ صفحه ۱۱۰

۲ . مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر الرافعی، ص ۲۲

۳ . العین ج ۸ صفحه ۲۹۸ و قاموس، ج ۷، ص ۱۱۷

۴ . مفردات راغب، ج ۲، ص ۵۸۷

به والمنکر ما نهیتم عنه^۱. یعنی هر آنچه که معصومین (ع) مردم را به آن واداشته اند، معروف است و هرآنچه که آن ذوات مقدسه، از آن منع نموده اند، منکر است.^۲

* در اصطلاح، هرگونه وادار نمودن دیگران را به انجام کاری، امر می گویند. خواه این واداشتن با فعل امر، فعل پرسشی، فعل نهی یا حتی با رفتار و بدون استخدام لفظ باشد.^۳

* در فقه اسلام، معروفات به دو دسته واجب و مستحب تقسیم شده و منکرات به دو بخش محرمات و مکروهات. مطابق فتاوی فقها، امر به واجبات مانند نهی از محرمات، واجب است؛ و امر به مستحبات، مانند نهی از مکروهات، مندوب (مستحب) است.^۴

* امر به معروف یعنی همه‌ی مؤمنان در هر نقطه‌ای از عالم که هستند، موظفند جامعه را به سمت نیکی، به سمت معروف، به سمت همه‌ی کارهای نیک حرکت دهند؛ و نهی از منکر یعنی همه را از بدی‌ها، از پستی‌ها، از پلشتی‌ها دور بدارند.^۵

* از بهترین راه‌های شناخت معروفات و منکرات، مراجعه به شرع مقدس و سیره بزرگان دین است. بر این اساس هرعملی که شارع مقدس به آن امر نموده و مردم را به انجام آن تشویق کرده است مثل اقامه نماز و یتیم نوازی و...، معروف است و هرآنچه شرع اسلام از آن نهی کرده و بخاطر انجامش، کسانی را مذمت نموده باشد مانند دروغ و غیبت و...، منکر خواهد بود. پرواضح است که ملاک تشخیص معروف و منکر، سلیقه، علاقه یا پسند افراد نیست و تنها فقها و مراجع معظم تقلید هستند که با تکیه بر دانش قرآنی و روایی خویش، مصادیق فراوان معروف و منکر را استنباط و برای عموم مردم تبیین می نمایند.

۱ . زیارت آل یاسین

۲ . ترجمه مفردات، ج ۴، ص ۳۹۷

۳ . تحریرالوسیله امام خمینی (ره) باب امر به معروف و نهی از منکر

۴ . تحریرالوسیله امام خمینی (ره) باب امر به معروف و نهی از منکر

۵ . بیانات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در اولین روز سال ۱۳۹۴

معنای امر به معروف و نهی از منکر

بر اساس تعاریف گذشته، امر به معروف، هرگونه وادار کردن، دستور دادن و تشویق نمودن دیگران برای انجام اعمالی است که مورد رضایت خداوند متعال باشد. و نهی از منکر، یعنی جلوگیری کردن، بازداشتن و ممانعت سایرین از اجرای کاری که شارع مقدس آن را مبعوض و منفور داشته است.

تفاوت امر به معروف و نهی از منکر با برخی مفاهیم مشابه

الف- تعلیم و ارشاد جاهل

کسی که حکمی از احکام اسلام را نمی داند و به واسطه ندانستن آن حکم، مرتکب حرام می شود، بر سایرین واجب است وی را تعلیم و ارشاد کنند و حکم را به او بگویند؛ مانند کسی که نمی داند قمارحرام و حجاب واجب است. حتی به بیان برخی فقها، علاوه بر وجوب ارشاد جاهل به حکم، ارشاد شخص جاهل به موضوع نیز واجب است. یعنی اگر حکم را می داند ولی مساله را نمی داند (مانند کسی که به نجس بودن آب وضو آگاه نیست؛ در حالیکه به عدم صحت وضو با آب نجس، علم دارد) باز هم در برخی موارد، ارشاد واجب می شود. اینک ما در مقام شرح مسائل ارشاد جاهل نیستیم. اما یک تفاوت اساسی بین این دو فریضه (ارشاد جاهل و امر به معروف و نهی از منکر) این است که شخص مخاطب امر به معروف و نهی از منکر، دانسته و عامدانه در حال انجام گناه است. لذا این مطلب که شخص خطاکار، دانسته گناه می کند یا ندانسته، تفاوتی در عکس العمل یک مسلمان نخواهد داشت. اگر گناهکار، جاهل باشد، لازم است ارشاد و آگاه شود و چنانچه عالم و عامد باشد نیز همه مسلمین باید او را امر به معروف و نهی از منکر نمایند.

لذا با این بهانه که فرد عاصی خودش به گناهش علم و آگاهی دارد، نمی توان از زیر بار انجام فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر شانه خالی کرد.

ب- فعالیت فرهنگی و دعوت به خیر

قرآن کریم می فرماید:

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ
 أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^۱
 شما باید امتی بشوید که دعوت به خیر کنید و امر به معروف و نهی از منکر
 نمایید.

مراد از دعوت به خیر ، تمام فعالیت های فرهنگی و تربیتی است. این اقدامات که معمولاً برای ارتقای سطح سلامت فرهنگی جامعه و آگاهسازی عمیق مرم است، در جامعه امروز ما مصادیق بسیاری از جمله چاپ کتب و نشریات ، برگزاری جلسات و نشست های مذهبی، مراسم معنوی، تاسیس شبکه های قرآنی و امثال آن را شامل می شود. همه اینها مانند اقدامات پیشگیرانه ای است که برای جلوگیری از بیماری، توسط پزشکان توصیه می گردد. حال سوال اینجاست: اگر علیرغم تمام تلاشها برای فرهنگسازی سلامت و رعایت بهداشت، شخص یا اشخاصی بیمار شدند، آیا باز هم اقدامات پیشگیرانه مانند شستن دستها قبل از غذا و رعایت بهداشت فردی، برای رفع بیماری کافی است یا باید علاوه بر اینها، به فکر اقدامات درمانی و حتی گاهی اورژانسی و فوری نیز باشیم؟
 متأسفانه افرادی در گوشه و کنار پیدا می شوند که با ژست روشنفکری، مدعی اند بجای امر به معروف و نهی از منکر، باید کار فرهنگی انجام داد. این قشر دلسوز اما ساده اندیش، معمولاً به تفاوتهای مهم فرهنگسازی با امر به معروف و نهی از منکر، دقت ندارند:

تفاوت اول: کار فرهنگی ، زودبازده نیست و معمولاً در درازمدت نتیجه می دهد. در حالیکه اسلام با سامانه امر به معروف و نهی از منکر، در صدد زدودن فوری گناهان از جامعه و تنگ کردن عرصه بر گناهکاران است.

تفاوت دوم: همواره کسانی در جامعه هستند که خویش را در معرض فعالیت های فرهنگی قرار نمی دهند و سر در آبشخور شیطان بزرگ داشته، بنده زر ، زور و تزویر دشمنان شده اند. چنین انسان نهایبی، نه کتابهای چاپ شده ، نه مراسم معنوی، نه هیچیک از امور فرهنگی انجام شده را اجابت نکرده و چون صدر اسلام

۱ . سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۰۴

که کفار از ترس شنیدن صوت قرآن پیامبر(ص) پنبه در گوش می کردند؛ هرگز جویای حقیقت و صلاح نیستند و از سویی هرروز به حیلتی در حال آلوده کردن جامعه می باشند. با این وصف، هرچقدر هم فعالیت های زیرساختی فرهنگی صورت گیرد، بر اصلاح این جماعت عنود و خدانترس، اندک تاثیری نخواهد داشت. لذا خدای عزوجل، در کنار دعوت به خیر، برای در تنگنا قرار دادن معاندان و منافقان، فریضه امر به معروف و نهی از منکر همگانی را واجب فرمود تا اگر کسی پای درس اسلام در مسجد و مدرسه نیامد، همه مردم آن درس ها را در هنگام بروز معصیت، در کوی و برزن به وی متذکر شوند. از همین روست که در روایات متعدد می خوانیم :

مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ شَدَّ ظُهُورَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ أَنْوَفَ الْكَافِرِينَ
و الْفَاسِقِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ

هرکس امر به معروف کند، پشت مومنین را محکم نموده؛

و هرکس نهی از منکر نماید، بینی کافران، فاسقان و منافقان را به خاک می

مالد.^۲

تفاوت سوم: امر به معروف و نهی از منکر، برخلاف دعوت، تابع موضوع است. یعنی در این فریضه، به دلیل وقوع منکر یا ترک معروف، عکس العملی از طرف مکلف صورت می گیرد. حال آنکه دعوت به خیر، امری است مستمر و تابع ترک واجب یا ارتکاب حرام نیست. به بیان دیگر بسیاری از اقدامات انجام شده توسط متولیان امور فرهنگی، چون در ازای ترک معروف یا وقوع منکری نیست و جنبه آموزش عمومی و همگانی دارد، در حیطه امر به معروف و نهی از منکر به حساب نمی آید. متأسفانه بسیاری از مومنین که به فعالیت های آموزشی و تربیتی و فرهنگی اشتغال دارند، گمان می کنند در حال انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر هستند و با این توجیه که ساعتها و ماهها و سالها مشغول به تعلیم قرآن یا برپایی نهادهای مذهبی بوده اند، نسبت به گناهان اطراف خویش، وظیفه ای برای خود قائل نیستند! لذا باید دقت شود که دعوت سایرین به امور نیک به مصداق کونوا دُعَاءَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ^۳ یک وظیفه است و امر به معروف و نهی از منکر - که

۲ . تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۳۳۲ ، ح ۷۶۴۳

۳ . کافی کلینی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ جلد ۲ صفحه ۷۸

اصل آن هم تذکر لسانی همگانی است^۱ - یک وظیفه مهم دیگر.

امر به معروف و نهی از منکر به عهده کیست؟
 ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر، اطلاق دارد؛ لذا بر هر مسلمان مکلف از زن و مرد و پیر و جوان واجب است احکام و روشهای انجام این فریضه را بیاموزند و آن را همچون نماز و روزه بجای آورند.

مراحل سه گانه امر به معروف و نهی از منکر
 در فقه اسلام، این فریضه دارای سه مرحله به شرح زیر است:

مرحله اول: اظهار ناراحتی قلبی در رفتار

در این که در مرحله قلبی چه وظیفه ای برعهده مکلفان است، آرای گوناگونی وجود دارد که تفاسیر مختلف را می توان در سه نظر جمع بندی کرد:
 نگاه اول: برخی گفته اند مکلف در این مرحله باید به وجوب واجبات و حرمت محرمات اعتقاد داشته باشد.^۲

نگاه دوم: بعضی آن را به کراهت داشتن و راضی نبودن به گناه معنا کرده اند.^۳
 نگاه سوم: گروهی انکار قلبی را به اظهار کراهت قلبی از گناه و ابراز انزجار و ناراحتی از معصیت تفسیر کرده اند.^۴

دو نگاه نخست نمی تواند از مصادیق حقیقی امر به معروف و نهی از منکر به شمار آید؛ زیرا التزام به وجوب واجبات و حرمت محرمات و نیز کراهت داشتن از گناه، از امور قلبی است که لازمه ایمان است (و می توان گفت که چنین التزامی واجب عینی است که بر همه مؤمنان و در همه شرایط لازم است) برخلاف تفسیر سوم که کراهت قلبی به گونه ای ابراز می شود که می توان گفت طلب و درخواست محقق شده و از مراتب امر به معروف و نهی از منکر به شمار می رود؛ چنان که روایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) پایین ترین درجه نهی از منکر

۱ . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان نیروهای مقاومت بسیج سراسر کشور، در روز شهادت امام سجاد(ع) ۲۲ تیر ۱۳۷۱
 ۲ . محمد بن حسن طوسی، النهایه، ص ۲۹۹ - ۳۰۰
 ۳ . محمد باقر سبزواری، کفایة الاحکام، ج ۱، ص ۴۰۵
 ۴ . علامه حلی، منتهی المطلب، ج ۲، ص ۹۹۳

را ابراز خشم و ناخرسندی در روبه رو شدن با منکر معرفی کرده، می تواند مؤید همین مطلب باشد:

أدنی الإنكار أن تلقى أهل المعاصي بوجه مكفهره^۵
پایین ترین درجه نهی از منکر آن است که انسان با گنهکاران با چهره گرفته و خشم آلود برخورد کند.

مرحله دوم: تذکر زبانی

در صورتی که در مرحله اول به مقصود نرسیم، (به اقامه معروف و ترک منکر موفق نشویم) باید از زبان و سخن بهره بگیریم و با تذکر لسانی، در صدد جلوگیری از معصیت برآییم. مراحل اول و دوم امر به معروف و نهی از منکر، طبق شرع مقدس اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، وظیفه ی همه مکلفین است و مشروط به داشتن مجوز یا حکم یا کارت خاصی نمی باشد.

مقام معظم رهبری در این خصوص می فرمایند:

در جامعه‌ی اسلامی، تکلیف عامه‌ی مردم، امر به معروف و نهی از منکر با لسان است؛ با زبان. اگر کار به برخورد بکشد، آن دیگر تکلیف مسئولین است. آن‌ها باید وارد شوند. اما امر به معروف و نهی از منکر زبانی، مهم‌تر است. عاملی که جامعه را اصلاح می کند، همین نهی از منکر زبانی است.

مرحله سوم: اقدام فیزیکی و توسل به زور

چنانچه با مرحله رفتاری و لسانی، گناه رفع نمی گردد، می توان به زور متوسل شد و به اقداماتی نظیر حایل شدن بین گنهکار و گناه، دست او را گرفتن، دستگیری، زندان و ... متوسل شد. این مرحله نیاز به اذن حاکم شرع دارد و در نظام جمهوری اسلامی، به عهده ضابطین قضایی، نیروهای نظامی و انتظامی و ماموران حکومت است.

۵ . وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۱۳

چند نکته درباب مراحل سه گانه

* هر یک از سه مرحله فوق، در درون خود مراتبی دارد که از آسان به سخت و از نرمی به شدت، اوج می گیرد. برای مثال می توان ابراز کراهت قلبی را با نگاه، اشاره، درهم کشیدن چهره، روی گردانی و دوری ادا کرد. هم چنین مرحله زبانی را با گفت وگویی ملایم و نرم و تندی و فریاد به جای آورد و همین طور مراتب دیگر. فقیهان شیعه قاعده فقهی "الایسر فالایسر" را از ادله ای نظیر مقدم شدن اصلاح بر جنگ در آیه ۹ سوره مبارکه حجرات استفاده نموده اند.^۱

* ذکر این نکته ضروری است که مطابق این قاعده، مادامی که منکر با مرحله و مرتبه نازلتر، کم هزینه تر و کم تنش تر قابل حل است؛ استفاده از مرحله بالاتر جایز نیست.^۲

* لازم نیست برای اطمینان از عدم حصول مقصود در مراحل پایین تر، حتماً آن مراحل را اتخاذ و امتحان کنیم. به عنوان مثال اگر بدانیم یا ظن قوی داشته باشیم که جلوگیری از یک منکر، با ابراز ناراحتی ممکن نیست، می توانیم به یکباره و ابتدائاً از تذکر لسانی استفاده کنیم.

وجوب کفایی یا عینی؟

مساله کفایی یا عینی بودن این فریضه، همواره مورد بحث بزرگان فقه بوده است. ما در این مقام به شرح مساله و بیان فتوایی از حضرت امام خمینی(ره) بسنده می کنیم.

برای حل تعارض بین قائلین به وجوب کفایی و قائلین به وجوب عینی این فریضه، کافی است تعریف هر دو دسته را از نوع وجوب مورد بررسی قرار دهیم.

- قائلین به وجوب کفایی^۳ بر آنند که اگر عده ای به تعداد کافی (من به الکفایه) برای امر به یک معروف یا نهی از یک منکر قیام نمودند؛ این قیام منتج به اقامه معروف و ازاله منکر می گردد و طبعاً تکلیف از سایر مکلفین ساقط خواهد شد.

۱ . فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۳، ص ۳۱۶ و جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳۷۸

۲ . نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲۱، ص ۳۷۸

۳ . مانند شیخ مفید(ره) و سید مرتضی(ره) / اوائل المقالات، ص ۵۶؛ الذخیره، ص ۵۵۴

- قائلین به وجوب عینی^۴ بر آنند که اگر معروفی ترک شد یا منکری رخ داد، بر همه مسلمین واجب است که فریضه امر به معروف و نهی از منکر را بجای آورند تا زمانی که موضوع مرتفع شود (معروف ترک شده اقامه شود یا منکر موجود، از بین برود)

با اندکی تأمل و دقت در می یابیم که این هر دو، بر سر یک مطلب اند و اختلافی در کار نیست.

هر دو نگاه اتفاق دارند که :

- اولاً تا منکر باقی است و معروف ترک شده، همه وظیفه تذکر دارند.
- ثانیاً پس از رفع منکر و احیای معروف، تکلیف از همه ساقط است.

محل اشتباه کجاست؟

پس چرا بسیاری از مردم به بهانه کفائی بودن امر به معروف و نهی از منکر، این فریضه مهم را ترک می کنند؟ اشتباه زمانی رخ می دهد که برخی به عبارت "من به الکفایه" (تعداد کافی آمران و ناهیان) دقت نکرده و گمان می کنند اگر یک نفر تذکر داد، تکلیف از بقیه ساقط است. حال آنکه حد کفایت در این فریضه، نابودی معصیت است و احیای معروف.

فقیه عالیقدر و مرجع معظم شیعیان حضرت آیت الله العظمی امام خمینی(ره) می نویسد:

اقوی آن است که وجوب امر به معروف و نهی از منکر کفایه است، بنا بر این اگر «من به الکفایه» (تعداد کافی) قیام به امر به معروف و نهی از منکر نماید، از دیگران ساقط می شود وگرنه، در صورتی که شرایط وجوب جمع باشد، همه ترک واجب نموده اند.^۵

و نیز می فرمایند:

۴ . مانند شیخ طوسی(ره) ، الاقتصاد، ص ۱۴۷، ۱۵۰-۱۵۱
 ۵ . تحریر الوسیله، ص ۵۲۶-۵۲۷، مسأله ۲

اگر اقامه واجبی، یا ریشه کن کردن منکری، متوقف بر این باشد که عده ای با هم در امر کردن یا نهی نمودن اجتماع نمایند، با اقدام بعضی از آنان، وجوب ساقط نمی شود و باید در این جهت به مقدار کافی اجتماع کنند.^۱

۱ . همان، ص ۵۲۷، مسأله ۳

چکیده

* امر به معروف یعنی کسی را به انجام واجب یا مستحبی که ترک نموده و ادا کنیم و نهی از منکر یعنی کسی را از ارتکاب حرام یا مکروهی که قصد انجامش را دارد، بازداشته و منع کنیم.

* اگر معصیت کار، نسبت به احکام شریعت جاهل باشد، بر همه مسلمین واجب است او را ارشاد نمایند تا بیاموزد؛ و اگر دانسته و عامدانه اقدام به گناه می کند، شرع مقدس فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر را واجب فرموده است تا کسی به بهانه علم گنهکار به معصیتش، نتواند به عرصه بی تفاوتی بگریزد.

* اسلام در کنار همه فعالیت های فرهنگی و مذهبی و دعوت به خیر، بر همه مسلمانان فریضه مستقل دیگری به نام امر به معروف و نهی از منکر را واجب فرموده و این دو را مانند پیشگیری و درمان برای بیماریهای فرهنگی اجتماع، ضروری می داند. فرهنگسازی و دعوت به خیر، جای امر به معروف و نهی از منکر را نمی گیرد.

* امر به معروف و نهی از منکر سه مرحله دارد که عبارتند از : ۱- اظهار ناراحتی از قلب به رفتار ۲- تذکر زبانی ۳- اقدام فیزیکی و توسل به زور. مراحل اول و دوم وظیفه همه مسلمین است و مرحله سوم ، امروز به عهده مسئولان نظام اسلامی است و مردم در مواردی که نیاز به استفاده از قدرت فیزیکی باشد، باید به مراجع انتظامی و قضایی اطلاع دهند.

* بنا بر قول مشهور فقها، امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است. لکن باید دقت شود تا زمانی که به تعداد کافی تذکر داده نشده و گناه همچنان ادامه دارد، بر همه مکلفین واجب است امر به معروف و نهی از منکر کنند و تذکر یک یا چند نفر پیش از قطع کامل گناه، تکلیف را از سایرین ساقط نمی کند.



پرسش‌های درس اول:

- ۱- اصطلاحات زیر را تعریف کنید:
امر ، نهی ، معروف ، منکر
- ۲- تفاوت امر به معروف و نهی از منکر را با مفاهیم زیر توضیح دهید:
الف: دعوت به خیر
ب: تعلیم و ارشاد جاهل
- ۳- چرا تذکر به گنہکارانی که بر معصیت بودن عمل خویش واقف هستند نیز واجب است؟
- ۴- مراحل امر به معروف و نهی از منکر را نام برده و مثال بزنید.
- ۵- حد ((من به الکفایه)) را در امر به معروف و نهی از منکر توضیح دهید.

بیشتر بدانید

درس اول : ارشاد جاهل

ارشاد جاهل به احکام شرعی، همچون وجوب نماز و مانند آن واجب است؛ اما در وجوب ارشاد جاهل به موضوع، اختلاف است. مانند کسی که نسبت به نجس بودن آب وضو آگاه نیست؛ در حالی که به عدم صحت وضو با آب نجس علم دارد.

اکثر فقها ارشاد به موضوع را واجب ندانسته‌اند؛ بلکه برخی، در صورت اذیت شدن جاهل بر اثر اعلام یا افتادن در عسر و حرج، حرام دانسته‌اند. البته امور مهمی مانند جان، آبرو، ناموس مؤمنان و نیز اموال قابل اعتنای آنان، به تصریح برخی، از حکم فوق مستثنا است و ارشاد جاهل در این موارد واجب است؛ مانند کسی که خون انسانی را هدر می‌داند و قصد کشتن او را دارد، درحالی که جان او در واقع محترم است. یا کسی که می‌خواهد با زنی ازدواج کند، در حالی که خواهر رضاعی او است و او مطلع نیست. یا کسی که مالی را از آن کافر حربی می‌داند (که اتلاف آن جایز است) و قصد اتلاف آن را دارد، درحالی که مال محترم است.^۱

برخی فقها، خوردنیها و نوشیدنیها را نیز از موارد استثنا شمرده‌اند که در صورت نجس بودن، اعلام آن را به جاهل واجب می‌دانند.^۲

۱ . کتاب المکاسب ۱/ ۷۷؛ مصباح الفقاهة ۱/ ۱۲۰ - ۱۲۱؛ التنقیح (الطهارة) ۲/ ۳۳۳
 ۲ . مستمسک العروة ۱/ ۵۲۳ - ۵۲۴

وجوب کفایی یا عینی

بیان اقوال^۱

- در این زمینه نیز احتمالاً طرح بحث کردیم؛ مقدماتی را ذکر کردیم و بعد گفتیم که - انظار مختلفی در این مسئله وجود دارد از جمله چند قولی که اشاره شد.

۱- بعضی مطابق آنچه که به مشهور نسبت داده شده است گفته اند وجوب امر به معروف و نهی از منکر وجوب کفایی به طور مطلق است.

۲- قول دوم که قول غیر مشهوری است ولی بزرگانی از جمله شیخ و ابن همزه و شاید ظاهر صاحب شرایع این باشد مایل به این شدند که به طور مطلق عینی هستند.

۳- نظر سوم نظر تفصیلی است که از ابن براج در مهدّب نقل شده است و آن تفصیل عبارت از این است که اگر کلام مکلف اول و امر و نهی اولین مکلف که قیام به این امر کرده است اثر کرده است، کفایی میشود. ولی اگر اثر نکند عینی میشود - این نیز محل بحث است و بعدها صحبت خواهیم کرد که این چیز جدیدی است یا اینکه اشکالی در آن وجود دارد. -

۴- نظر چهارم تفصیل در مراتب است که ظاهر مرحوم حلبی و صاحب جواهر است به این شکل که:

۱- در آن انکار قلبی قائل به وجوب عینی هستند، انکار قلبی امری است که همه باید انجام دهند با شرایطی که دارد.

۲- اما سایر مراتب کفایی است یعنی اقدام لسانی و یدی کفایی است.

۵- قول پنجم نیز تفصیل در مراتب است به این شکل که همان تفصیل قلبی است اما میگویند:

۱- انکار قلبی و اقدام لسانی عینی است یعنی میگویند اقدام لسانی و تذکر زبانی مثل انکار قلبی واجب عینی است.

۲- فقط اقدام به و سیله دست را واجب کفایی میگویند.

۶- قول ششم که چهارمین تفصیل است این است که:

۱- انکار به و سیله دست که کار حاکم است، واجب عینی است؛

۲- اما غیر از آن در لسان و اینها کفایی است.

۱ . درس خارج فقه آیت الله علیرضا اعرافی

این کمی معکوس قبلی است منتها قول ششم روی این نکته استوار است که می‌گوید چون انکار بالید کار حاکم است پس واجب عینی است اما مراتب دیگر مثل زبان و امثال این‌ها کفایی است؛ اینکه عینی و کفایی را تفصیل قائل شده است به خاطر این است که مکلف را عوض کرده است نه اینکه در مکلف واحد بگوید اینجا عینی است و آنجا کفایی است، می‌گوید انکار به ید کار حاکم است و حاکم متعین است.

ثمره بحث

قبل از اینکه به ادله بپردازیم، ثمره بحث عینی و کفایی بودن این حکم را بررسی میکنیم. تفاوت عینی و کفایی در جاهایی ظاهر می‌شود. ببینیم آیا آن تفاوت در اینجا هست یا خیر.

کیفیت سقوط تکلیف

الف. پس از اقدام مکلف به امر و نهی و تأثیر آن

از تفاوت‌های عینی و کفایی این است که اگر کسی این عمل را آورد و این خطاب را امتثال کرد، آیا از مکلف دیگر ساقط می‌شود یا نه؟ اگر عینی باشد ساقط نمی‌شود و اگر کفایی باشد ساقط می‌شود. در این تفاوت همه قبول دارند که چه عینی و چه کفایی بگوییم این فرق را قائل نیستیم و این ثمره ظاهر نمی‌شود؛ یعنی چه قائلین به عینیت و چه قائلین به کفائیت، این ثمره را قبول ندارند و می‌گویند ما هر دو مثل هم هستیم، به این معنا که اگر فردی امر به معروف و نهی از منکر کرد و آن شخص متنبه شد و عمل کرد، اینجا چه واجب عینی بگوییم و چه واجب کفایی، همه قبول دارند که تکلیفی نیست. اینجایی که فردی اقدام کرد و طرف مقابل هم عمل کرد، اگر هم کسی عینی بگوید، نمی‌گوید بعد از اینکه شما گفتید و او عمل کرد، باز هم شما بگو. اینجا ثمره‌ای ظاهر نمی‌شود. خودشان گفته‌اند که اینجا تفاوتی باهم نداریم.

اقسام واجب کفائی

البته در تکمیل این اشاره کنم که واجبات کفائیه در این نوع موارد دو قسم هستند،

۱- قسمی از واجبات کفائیه وجود دارند که بعد از اینکه مکلفی عمل کرد، عقلاً دومی و سومی جایی برای عمل ندارد. مثل دفن میت که اگر دفن میت شد،

معقول نیست که دو دفعه دفن کنیم؛ مگر اینکه او را بیرون بیاورید و بخواهید دفن کنید والا با این شرایط عقلاً دفن معقول نیست.

۲- بعضی از اقسام واجبات کفائیه است که ممکن است عقلاً معقول باشد؛ یعنی بعد از اینکه او عمل کرد، معقول است که او دو دفعه بگوید؛ ولی لغو است و لذا معنا ندارد، به خاطر اینکه لغویت دارد. بنابراین بعد از اینکه یکی عمل را انجام داد و به غرض و هدف نائل شد، معقول نیست که دیگران عمل را انجام دهند و عقلاً موضوعیت ندارد.

بنابراین گاهی در تکرار، عقلاً موضوعی وجود دارد؛ منتها لغو است و معلوم است که خطاب تمام شده است و بحث ما از نوع دوم است. در اینکه تفاوت عینی و کفایی که در بسیاری از موارد در این فرض تفاوت پیدا می‌کنند، اینجا همه گفته‌اند تفاوتی ندارند. همان طور که در موارد دیگری نیز این دو قول تفاوت ندارند که این واضح است و آن در جایی است که کسی اصلاً قیام به این عمل نکرده است. معلوم است که چه عینی بگوییم و چه کفایی بگوییم، همه باید اقدام کنند و اگر هم اقدام نکنند همه گناه کرده‌اند؛ این روشن است و در این بحثی نیست اما اولی مهم است که علی‌رغم اینکه کسانی -حتی قائلین به عینیت- می‌گویند اگر کسی عمل کرد و نتیجه داد بر دیگری واجب نیست. پس روشن است که ثمره در این دو جا ظاهر نمی‌شود، مهم هم اولی بود.

ب. پس از اقدام مکلف به امر و نهی و پیش از تأثیر آن

ثمره در صورتی ظاهر می‌شود که فردی که وجوب کفایی بر گردن او است اقدام به تکلیف نموده و قبل از تحقق آن عمل و نتیجه نهایی، اینجا ثمره ظاهر می‌شود که مکلفی کار را شروع کرده، ولی هنوز به نتیجه نرسیده است. اینجا جای ثمره بین دو قول است؛

۱- اگر کسی گفت واجب کفایی است چون قام من به الکفایه، خیال بقیه مکلفین راحت شد؛

۲- اما اگر کسی گفت واجب عینی است، همچنان همه مکلف هستند.

اینطور گفته شده است که ثمره در اینجا ظاهر می‌شود؛ این چیزی است که در جواهر آمده است و بعضی به آن اشاره کرده‌اند.



درس دوم

اهمیت و ضرورت امر به معروف و نهی از منکر

اهداف درس:

انتظار می رود پس از فراگیری این درس، نتایج ذیل برای خواننده محترم حاصل گردد:

۱. تسلط مناسب به آیات و روایاتی که اهمیت و ضرورت فریضتین را تبیین می کند
۲. توان ایجاد انگیزه و دغدغه در فراگیران
۳. قدرت تحلیل بیانات امامین انقلاب درباب اهمیت امر به معروف و نهی از منکر

اسلام، دین فردی یا اجتماعی؟

می دانیم که انسان موجودی اجتماعی است و بر پایه نیازهای فطری و طبیعی بشر، بدون تعامل افکار و تبادل ابزار با سایر انسان ها، حتی امکان رفع ساده ترین نیازهای خویش را نخواهد داشت.

بدیهی است که در زندگی اجتماعی، عدم اتفاق سلیق، دیدگاهها، باورها و رفتارها، انسان را به سمت و سوی کشف یا تدوین قوانین سوق می دهد. تا آنجا که خانواده به عنوان کوچک ترین و البته مهمترین کانون تربیت اجتماعی، از وجود قوانین و هنجارهای نوشته و نانوشته، مستغنی نیست. قطعاً در این میان، اسلام که دین خاتم و سرآمد همه ادیان است، برای اداره جامعه بزرگ اسلامی، به نیازهای مختلف بشر، از جمله نیاز به قانونمندی در تعاملات اجتماعی اهتمام جدی داشته است.

یکی از مهمترین تعاملات که حتی در قوانین و ادیان مصنوع بشر نیز از آن به عنوان نظارت همگانی و بخشی از حقوق شهروندی یاد می شود، استیفای حق ، تذکر به متجاوز، دفاع از حقوق خود، و جلوگیری از ظلم است. چنانکه امیرالمومنین (ع) امر به معروف و نهی از منکر را نشانه تحرک و زنده بودن جامعه می داند و می فرماید:

مَنْ تَرَكَ إِنْكَارَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ فَهُوَ مَيِّتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ؛
کسی که منکر را با قلب و دست و زبانش انکار نکند، مرده ای است میان
زندگان.^۱

با کمی دقت در این تمثیل زیبا، می توان حدس زد که وجه تشابه ، دفاع از حق است. آری به حقیقت همانگونه که یک جسد مرده و بی جان، قدرت دفاع از خود را در برابر مهاجم ندارد، انسان بی تفاوت نیز که امر به معروف و نهی از منکر نمی کند، نسبت به پایمال شدن حقوق خویش توسط دیگران، در حالت انفعال قرار گرفته و در مقام دفاع از ارزشها و حفظ قبح ضدارزشها بر نمی آید. متأسفانه امروزه، عموم مسلمین، میت بین الاموات شده اند؛ یعنی اینگونه نیست که اکثریتی در مقام امر و نهی باشند و یک نفر درحالت بی تفاوتی؛ بلکه عموم

۱ . تهذیب الأحكام(تحقیق خرسان) ج ۶، ص ۱۸۱ ، ح ۳۷۴

مسلمین، این واجب عظیم الهی را فراموش کرده و بیشتر به جنبه های فردی عبادات می پردازند.

بیماری خطرناک بی تفاوتی

امروزه یکی از خطرناکترین امراض روحی و معنوی که در جوامع مسلمین نیز گسترش یافته است، مسئولیت گریزی و بی تفاوتی نسبت به دیگران است که ریشه سکولاریزم و تفکر دین انفرادی و حداقلی را تقویت می کند. از این رو قرآن کریم همواره صالحان را به مصلح بودن امر می کند و در این مقام، از هیچ نهیب و عتابی فروگذار نمی نماید. به عنوان مثال در آیات شریفه سوره مبارکه هود(ع) است که می فرماید:

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ. وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلِهَا مُصْلِحُونَ^۲

پس چرا از نسلهای پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین باز دارند، جز اندکی از کسانی که از میان آنان نجاتشان دادیم و کسانی که ستم کردند به دنبال ناز و نعمتی که در آن بودند رفتند و آنان بزهکار بودند. پروردگار تو [هرگز] بر آن نبوده است که شهرهایی را که مردمش اصلاحگرند به ستم هلاک کند.

آری این سنت خداست که اگر صالحان، مصلح نباشند و اصطلاحاً فقط بخواهند کلاه خود را محکم نگاه دارند، شریک معصیت گناهکاران خواهند شد و به عدالت خدای متعال، عقاب می شوند. لذا تر و خشک با هم می سوزند. اگر ترها، به سبب مجالست و انس با خشک ها، تدریجاً خشک و منفعّل و آماده پذیرش آتش گردند، و لا تبدیل لسنّة الله.

در خطبه ۲۳۴ نهج البلاغه نیز امام علی (ع) که قرآن ناطق است، همین مهم را

۲ . سوره مبارکه هود (ع) آیات شریفه ۱۱۶ و ۱۱۷

یادآور شده و می فرماید:

((فان الله سُبْحَانَهُ لَمْ يَلْعَنِ الْقَرْنَ الْمَاضِيَ [الْقُرُونِ الْمَاضِيَةَ] بَيْنَ أَيْدِيكُمْ إِلَّا لَتَرْكِبَهُمُ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلَعَنَ اللَّهُ السُّفَهَاءَ لِرُكُوبِ الْمَعَاصِي وَ الْحُلَمَاءَ لِتَرْكِ التَّنَاهِي))^۱
 همانا خدای سبحان مردم دوران گذشته را، که پیش از شما بودند از رحمت خود دور نساخت، جز برای آنکه امر به معروف را وا گذاشتند و مردمان را از منکر باز نداشتند. پس خدا بی خیرانشان را به دلیل نافرمانی کردن و خردمندانشان را به دلیل مخالفت نکردن با گناه لعنت کرد.

ناپلئون هیل^۲، نویسنده بزرگ انگلیسی در رابطه با نقش بی تفاوتی انسان های صالح، می گوید:

دنیا به سمت فساد و تباهی خواهد رفت. نه بخاطر وجود انسانهای ناصالح؛ بلکه بخاطر سکوت انسان های صالح^۳.

امر به معروف و نهی از منکر؛ هم حق است هم وظیفه

امر به معروف و نهی از منکر، از مسلمات عقلی است که به محض تصور، تصدیق می شود. شخصی را در نظر بگیرید که در یک مکان عمومی و فضای بسته مثل تاکسی یا اتوبوس، اقدام به سیگار کشیدن می کند. یا فردی که با همراه داشتن یک سگ، به پارک می آید؛ یا فردی که وسیله نقلیه خود را در پیاده راه پارک کند و موجب انسداد مسیر عابران گردد. و نهایتاً راننده ای که با حرکت در مسیر ورود ممنوع و سرعت غیرمجاز، موجب ورود خسارات مختلف به خود و دیگران می شود. به راستی آیا می توان تذر به وی را فقط در حد یک وظیفه قانونی یا حتی شرعی در نظر گرفت؟ قطعاً خیر! موضع فراتر از این است که از باب وظیفه، انذار یا هشدار صورت گیرد. بلکه در چنین شرایطی یک انسان سالم منصف (حتی اگر بویی از دین، آیین و قانونی نبرده باشد)، به طور طبیعی به احیای حق خویش

۱. نهج البلاغه خطبه ۲۲۴ فراز ۷

۲. Napoleon Hill

۳. کتاب قوانین موفقیت ۱۹۲۸ میلادی

پرداخته و ناخودآگاه اقدام به تذکر خواهد نمود. لذا امر به معروف و نهی از منکر را به مانند ریختن برگه های آراء در صندوق های انتخابات، باید هم وظیفه بدانیم و هم به عنوان یک حق مسلم اجتماعی مورد مطالعه و اجرا قرار دهیم. یقیناً نهادینه شدن این باور و تبدیل آن به گفتمان غالب در جامعه، موجب انزوای خطا و سبب دست کشیدن گناهکار از معصیت خواهد شد.

حضرت آیت الله خامنه ای در این باب می فرمایند:

اگر زبانهای گوناگون و نَفْسهای مختلف، گناه را تذکر بدهند، گناهکار به طور غالب از گناه و تخلف دست خواهد کشید؛ چه این تخلف، تخلف شرعی و چه تخلف از قوانین باشد.^۴

ناگفته نماند که احکام اسلام، برای ساختن انسان، تربیت وی و رساندن او به مقام عبودیت و قرب حق وضع شده اند؛ اما از آنجا که امتحان و ابتلاء در سلوک بشر، بسترهای متنوعی دارد، شارع مقدس، انسان را بی نیاز از جامعه نمی داند و مهمترین و اساسی ترین مراتب تربیتی فرد را در مسئولیت های اجتماعی وی قرار داده است. بستر آزمون های بزرگی چون جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، حفظ حدود خدا، انفاق و... از این دست می باشند.

نسبت رتبه و ثواب امر به معروف و نهی از منکر در مقایسه با سایر واجبات

امر به معروف و نهی از منکر که مهم ترین واجبات و اشرف آنهاست^۵، در آیات و روایات، با تعبیری بسیار والا و بی نظیر توصیف شده است. چنانکه ثواب آن را فراتر از ثواب انجام تمام اعمال نیک، تاثیر آن را زیربنای اقامه سایر خوبی ها، عمل کننده به آن را خلیفه خدا^۶ و شهید این راه راه، هم رتبه با انبیاء می بینیم.

۴ . ۱۳۶۸/۱۰/۱۹ دیدار با جمع کثیری از اقشار مختلف مردم قم، سالروز قیام مردم قم

۵ . کافی ط اسلامیه ج ۵ باب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر ص ۵۵

۶ . عن الباقر (ع) : مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِهِ. هر کس امر ب معروف و نهی از منکر نماید، جانشین خدا در زمین و جانشین رسول اوست. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۱۲، ص ۱۷۹، ح ۱۳۸۱۷

در سوره مبارکه توبه، با اشاره به سیر پلکانی مراتب ایمان، امر به معروف و نهی از منکر را جزء آخرین و بالاترین درجات معرفی می فرماید:

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ
الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ
وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ^۱

[مؤمنان] همان توبه‌کنندگان، پرستندگان، سپاسگزاران، سائحان، رکوع‌کنندگان، سجده‌کنندگان، آمران به معروف و ناهیان از منکر و پاسداران حدود خداوند؛ و [این] مؤمنان را بشارت ده.

حضرت امام علی(ع) نیز در بیانی شگرف، ثواب تمام اعمال خوب را در مقایسه با ثواب امر به معروف و نهی از منکر، همچون مقایسه قطره ای آب دهان با یک اقیانوس عمیق بر می شمارد.

برخی علاوه بر ثواب، تاثیر این فریضه بر اصلاح جامعه را هدف احتمالی این مقایسه قلمداد کرده اند.

یعنی شما هرچقدر نماز بخوانی و روزه بگیری و سایر اعمال نیک گذشتگان و آیندگان و جنیان و انسیان اعم از مستحبات و واجبات را که در یک کفه ترازو بگذاری؛ ثوابشان و اثرشان در اصلاح جامعه، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر، هیچ است.^۲

بلاغت مثال قطره و دریا، آنجا بیشتر به چشم می آید که تمام قطرات دریا، وجود خود را مرهون وجود دریا می یابند. لذا می توانیم امر به معروف و نهی از منکر را که سبب برپایی سایر خوبی‌ها است، به ((آم الفرائض))^۳ تعبیر کنیم. به یک مثال ساده توجه کنید. وقتی می گویند مادر ورزش‌ها، دویدن است؛ بدین معناست که

۱ . سوره مبارکه توبه آیه شریفه ۱۱۲
۲ . وَ مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتُهُ فِي بَحْرِ لَجِّي (حکمت ۳۱ نهج البلاغه)

تمام اعمال خُوب و حتی جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر، هیچ نیست مگر به مثال مقایسه قطره ای آب دهان در دریای عمیق.

۳ . مادر واجبات

حفظ آمادگی جسمانی برای تمام رشته های تخصصی ورزشی، با دویدن است. و تقریباً هیچ ورزشکار موفق نمی تواند خود را از حفظ آمادگی عمومی جسمانی مستغنی بپندارد. نسبت امر به معروف و نهی از منکر نیز با سایر نیکی ها (و در راس آنها واجبات)، چنین است. در تشریح روایت معروف ((بها تقام الفرائض))^۴، می توان به حدیثی از امام حسین(ع) اشاره کرد که در تفسیر آیه ۷۱ سوره مبارکه توبه فرمودند:

فبدأ الله بالامر بالمعروف والنهي عن المنكر، فريضة منه لعلمه بأنها اذا آديت و اقيمت ، استقامت الفرائض كلها حينها و صعبها...^۵
 پرواضح است از آنجا که ترک محرمات در اسلام واجب است، عبارت ((استقامت الفرائض))، شامل از بین رفتن گناهان و بدی ها نیز می شود.

امر به معروف و نهی از منکر، شرط نصرت خدا

نصرت خدا، عبارتی کلیدی است که قرآن کریم ۱۱۶ مرتبه به مشتقات آن پرداخته است؛ لکن از مهمترین این آیات می توان به آیه ۷ سوره مبارکه محمد(ص) و آیات ۴۰ و ۴۱ سوره مبارکه حج اشاره نمود. جالب آنکه سه آیه فوق، در بیانات بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری، بیش از سایر آیات کلام الله، مورد تکرار، تاکید و توجه قرار گرفته است.^۶ فراوانی استفاده از این آیات و تمرکز بر آنها که محصول حکمت و ژرف نگری امامین انقلاب بوده، آن قدر زیاد است که توجه هر پژوهشگری را به خود جلب می نماید. با مطالعه نظام مند محتوای قرآنی - روایی مرتبط، درمی یابیم که هر عملی که نصرت خدا بر مومنان است، (مانند ایجاد رعب در دل دشمنان، استجابت دعای مومنان، و...) مشروط است به

۴ . وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۳۹۵

۵ . خداوند، با فريضة امر به معروف و نهی از منکر (اوصاف مومنین را در این آیه] شروع کرد. چون می دانست که اگر این دو واجب، هم انجام شوند و هم اقامه شوند، همه واجبات دیگر چه سخت باشند و چه آسان، اقامه خواهند شد. (وسائل الشیعه ج ۱۱ ص ۴۰۳)

۶ . آرشيو پایگاه اینترنتی دفتر آیت الله العظمی خامنه ای - بخش آیات قرآن کریم

اینکه ابتدا مومنان، خدا را (یعنی دین خدا و ولی خدا را) یاری کنند. و این یاری کردن با انجام امر به معروف و نهی از منکر، تحقق می یابد. ضرب المثل های مشهور ((با حلوا حلوا دهان شیرین نمی شود)) و ((از ما حرکت، از خدا برکت))، گویای همین مضمون والاست که تا امت به اصلاح یکدیگر اقدام نکنند، خداوند نیز امورات آنها را اصلاح نخواهد کرد، مصلح را نخواهد فرستاد و دعاهایشان نیز مستجاب نخواهد شد. کما اینکه در حدیث از نبی مکرم (ص) وارد شده است:

إِذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَمْ يَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لَمْ يَتَّبِعُوا الْأَخْيَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي ، سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ فَيَدْعُوا عِنْدَ ذَلِكَ خِيَارَهُمْ فَلَا يَسْتَجَابُ لَهُمْ.

هرگاه [مردم] امر به معروف و نهی از منکر نکنند، و از نیکان خاندان من پیروی ننمایند، خداوند بدان آنها را بر ایشان مسلط می گرداند، و در این هنگام حتی اگر نیکانشان دعا کنند، دعایشان مستجاب نمی شود.^۱

از این رو خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد؛ مگر آنکه خودشان با اقدام و عمل خویش، سرنوشت خویش را رقم زنند.^۲

فریضه ای که زمینه ساز تمدن عظیم اسلامی است

حضرت آیت الله خامنه ای در تشریح همگامی جنبه های فردی و اجتماعی احکام اسلام، به تفسیر آیات مذکور پرداخته و می فرماید:

خداوند متعال برای آن کسانی که وعدهی نصرت داده است، شیطی مقرر فرموده است: **وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ؛ الَّذِينَ إِنْ مَكَنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَءَاتَوْا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.**^۳ خداوند متعال چهار شاخص را در این آیهی شریفه برای آن مؤمنانی که قدرت در اختیار آنها

۱ . الأملی للصدوق ۲۸۵ / ۴۹۳

۲ . إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ (رعد/ ۱۱)

۳ . سوره مبارکه حج آیات ۴۰ و ۴۱

قرار میگیرد و از زیر سلطه‌ی قدرتمندان جائز خارج میشوند، معین کرده و وعده کرده است که «إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ»^۴. خدای متعال قادر است که یک چنین ملتی را نصرت کند و یقیناً هم نصرت خواهد کرد. از این چهار شرط، یکی نماز است، یکی زکات است، یکی امر به معروف است و دیگری نهی از منکر. هر کدام این چهار خصوصیت و چهار شاخص، یک جنبه‌ی فردی و شخصی دارند، لکن در کنار آن، یک جنبه‌ی اجتماعی و تأثیر در نظام‌سازی اجتماعی [هم] دارند.^۵

ایشان همچنین درباره چگونگی نیل امت به یک جامعه آرمانی و کاملاً اسلامی چنین فرموده اند:

ما هنوز تا یک جامعه‌ی کاملاً اسلامی که نیک‌بختی دنیا و آخرت مردم را به‌طور کامل تأمین کند و تباهی و کج‌روی و ظلم و انحطاط را ریشه‌کن سازد، فاصله‌ی زیادی داریم. این فاصله، باید با همت مردم و تلاش مسئولان طی شود و پیمودن آن، با همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر آسان گردد.^۶

تنها راه تعجیل ظهور امام زمان (عج)

نصرت‌های الهی در زندگی ما انسان‌ها مصادیق فراوانی دارد؛ به عنوان مثال، افزایش رزق، برکت در عمر، استجابات دعاها، توفیق عبادت، نیل به بهشت برین، اولاد صالح، حسن عاقبت و... همگی از الطافی است که از خداوند متعال خواستاریم و عطای او، نصرت اوست بر ما. حال با عنایت به آنچه در باب شروط چهارگانه نصرت خدا عرض شد، به یک سوال مهم بپردازیم: به راستی مهمترین و اساسی‌ترین نصرت خدا چیست؟

۴ . همان

۵ . بیانات در حرم مطهر رضوی ۱ فروردین ۱۳۸۴

۶ . پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی(ره) ۱۰ خرداد ۱۳۶۹

کدام نصرت است و کدام موهبت است که اگر خداوند آن را به ما عطا فرماید، بقیه حوائج رفع می گردند و جمیع نعمات مادی و معنوی به ما می رسد؟ آیا با قاطعیت نمی توان گفت ظهور مهدی موعود(عج) ، گرانبها ترین و پر ارزش ترین موهبت الهی است و اذن قیام او، بزرگترین نصرتی است که امت اسلام از خداوند طلب می کند؟

نام احمد نام جمله انبیاست چون که صد آید، نود هم پیش ماست

چرا که فرج و گشایش در امر آن حضرت، فرج و گشایش در همه امور مسلمین است.

حال یادآوری این نکته ضروری است که تمام مصادیق نصرت خدا، شرط دارند. دو شرط از چهار شرط ظهور حضرت مهدی(عج) ، احیا و اقامه و ترویج همگانی امر به معروف و نهی از منکر است. اما متأسفانه آحاد مسلمین برای تعجیل ظهور او ، همه کار می کنند؛ الا توجه به لزوم تحقق شروط وعده های الهی. باید این باور را در خود بیورانیم که **منتظران مصلح، خود باید مصلح باشند.**

امروز، امت اسلام با انجام همگانی امر به معروف و نهی از منکر، باید به خدای خویش ثابت کند که اهل کوفه نیست و امام خویش را در مبارزه با منکرات تنها نمی گذارد. باید ثابت کنیم که در راه مبارزه با انواع فساد و منکرات، پشت امام خویش خواهیم ایستاد و با دشنام شنیدن و تمسخر شدن و هزینه دادن، میدان را خالی نمی کنیم.

امروز، ملت ایران به عنوان پرچمدار تفکر شیعی در جهان، در آزمونی بزرگ قرار دارد. آنچه اهل کوفه با مسلم کردند، بر سر حسین(ع) نیز آوردند. و امروز نیز اگر مسلمین، ولی امر خویش و فقهای عصر را در مصاف با منکرات (با تذکرات لسانی و سایر روشهای امر به معروف و نهی از منکر) یاری نکنند، قطعاً خدای متعال، اذن ظهور حضرت موعود را نخواهد فرمود. ما آموخته ایم که برای رسیدن به خواسته های خویش، راحت ترین راه را انتخاب کنیم و آن دعا کردن است. در متون اسلامی فراوان بر این نکته تأکید شده است که :

دعای فردی که بدون تلاش و اقدام و عمل، از خدا چیزی بخواهد، مستجاب نخواهد شد. ^۱ دعا برای فرج لازم است، اما کافی نیست. اکنون ضروری است با

۱ . اعلام الدین فی صفات المومنین ص ۱۶۲

عزمی راسخ تر و اراده ای محکم تر، برای شادی دل صاحب الزمان (عج) و تعجیل در فرجش، در راه احیا و ترویج بزرگترین واجب فراموش شده اسلام، بکوشیم.

یگانه هدف نهضت عاشورا

جایگاه امر به معروف و نهی از منکر به قدری والاست که حضرت امام حسین (ع)، آن را تنها هدف قیام خود و وسیله اصلاح امت اسلام معرفی می نماید و در بخشی از وصیتنامه تاریخی خود به برادرش محمد حنفیه چنین می نویسد:

أَمَّا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْأَصْلَاحِ فِي أُمَّةِ جَدِّي، أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ
بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلَيِّ بْنِ
أَبِيطَالِبٍ.^۲

من فقط برای اصلاح امت جدم قیام کردم که وسیله آن اصلاح هم، چیزی نیست جز امر به معروف و نهی از منکر. و این سیره پیامبر (ص) و پدرم امیرالمومنین (ع) بوده است.

برخی به اشتباه گمان کرده اند که حضرت سه هدف جداگانه را دنبال فرموده است. یکی اصلاح امت، دیگری امر به معروف و نهی از منکر؛ و سومی زنده کردن سیره جد و پدر بزرگوارشان. لکن متن وصیتنامه گویای آن است که حضرت در حال توضیح این مطلب است که امر به معروف و نهی از منکر تنها راه اصلاح و نجات امت است و رسول الله (ص) و پدرم علی (ع) نیز بر همین سیره بوده اند. یعنی جایگاه و مقام و مرتبت والای فریضه را تبیین می فرماید. نه آنکه سه هدف جداگانه و مجزا داشته باشد. ایشان در ادامه وصیت خویش، مردم را به اقبال به سمت این هدف و یاری کردن دین خدا به وسیله امر به معروف و نهی از منکر دعوت می کند و می فرماید:

فَمَنْ قَبَلَنِي بِقَبُولِ الْحَقِّ فَاللَّهُ أَوْلَى بِالْحَقِّ وَمَنْ رَدَّ عَلَيَّ هَذَا
أَصْبِرَ حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْقَوْمِ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ.^۳

۲ . مقتل خوارزمی جلد ۱ صفحه ۱۸۸

۳ . همان

هرکس مرا در این وظیفه مهم یاری کرد، راه خدا را پذیرفته است و هرکس در این واجب مهم شرعی، مرا یاری نکرد، صبر می کنم تا روزی که خداوند بین من و آنها قضاوت کند. و خدا بهترین حاکمان است.

شاید این جملات پایانی وصیت حضرت، تجلی دیگری از مضمون شریف "هل من ناصر ینصرنی" باشد و هرکس می خواهد دعوت حسین بن علی (ع) را لیبیک گوید و حقیقتاً باور دارد که "کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا" باید در هر مکان و زمان که با گناه مواجه می شود، با انجام حداقل وظیفه تذکر لسانی، به یاری امام زمان خویش بشتابد و اگر چنین نکند، باید منتظر عذاب خدا بماند.

امر به معروف و نهی از منکر، شرط ایمان

در تعریف ایمان مطالب فراوانی گفته اند. لکن قدر متیقن همه آنها این است که اگر کسی تمام واجبات دینش را انجام ندهد، به او اطلاق مومن نمی شود. حضرت فاطمه زهرا (س) در پاسخ به شخصی که از شیعه بودن خویش پرسیده بود، فرمودند:

اگر به آنچه شما را فرمان داده ایم عمل می کنید و از آنچه نهی کرده ایم پرهیز نموده اید؛ از شیعیان ما هستید. و در غیر این صورت از شیعیان نیستید.^۱

و باز همان وجود ملکوتی بود که در باب وجوب فرمود:

فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشِّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ... وَالْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةً لِلْعَوَامِّ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعاً لِلسَّفَهَاءِ.^۲

خداوند امر به معروف را برای مصلحت و اصلاح همگانی واجب فرمود و نهی از

۱ . بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۵۵

۲ . الوافی ج ۵/ص ۱۰۶۵

منکر را برای بازداشتن سفیهان

امیرالمومنین (ع) نیز در روایتی معروف، جهاد را از پایه های ایمان و امر به معروف و نهی از منکر را از پایه های جهاد برمی شمارند:

الإِيمَانُ عَلَى أَرْبَعٍ دَعَائِمٍ: عَلَى الصَّبْرِ، وَالْيَقِينِ، وَالْعَدْلِ،
وَالْجِهَادِ... وَالْجِهَادُ مِنْهَا عَلَى أَرْبَعِ شُعَبٍ: عَلَى الأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ،
وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ.^۳

در برخی آیات قرآن کریم نیز به اشتراط امر به معروف و نهی از منکر برای اتصاف شخص به صفت مومن، تصریح شده است.^۴ لذا مادامی که انجام این فریضه را انکار کرده باشد، گرچه به نماز و روزه و سایر واجبات بپردازد، کافر است.

حضرت امام خمینی (ره) نیز به دلیل قائل بودن به طریقیات برای ضروریات دین، بر این مطلب تصریح فرموده و چنین نگاشته اند:
وجوبهما من ضروریات الدین، و منکره مع الالتفات بلازمه و الالتزام به من الکافرین^۵

حال چگونه می توان تصور کرد کسی ادعای مسلمانی و پیروی از رسول الله (ص) داشته باشد در حالیکه نسبت به گناهان اطراف خود بی تفاوت است و واجب به این عظمت را ترک نموده است!؟

۳ . نهج البلاغه حکمت ۳۱

۴ . آیاتی مانند ۷۱ و ۱۱۲ سوره توبه و همچنین آیه ۱۱۰ سوره آل عمران، از این دسته می باشند.

۵ . وجوب آن دو از ضروریات دین است و منکر آن با توجه به الزام و التزامش، از کافران محسوب می گردد. تحریر الوسیله

چکیده

* اسلام، تنها نماز و روزه و عبادات فردی نیست. بلکه کامل ترین دین از سوی خداوند است و انسان را در ساحت اجتماع و تعامل با سایر انسان ها ترسیم و بر همین اساس برای او برنامه ریزی کرده است. امر به معروف و نهی از منکر از اجتماعی ترین احکام و موثرترین شیوه تعامل در اصلاح جامعه است.

* امر به معروف و نهی از منکر، ضامن حفظ همه آزادی های مشروع و علاوه بر تکلیف شرعی، حق همه مسلمین است.

* اجر و پاداش تمام اعمال نیک حتی جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر، مانند رطوبت دهان است در مقایسه با دریایی عمیق.

* تا زمانی که امت اسلام برای رفع فساد از جامعه به تکلیف همگانی امر به معروف و نهی از منکر روی نیاورند و فقط از ابزار دعا برای اصلاح جامعه استفاده کنند، نه تنها دعاهایشان مستجاب نمی شود، بلکه ظهور حضرت مهدی (عج) نیز محقق نخواهد شد. زیرا ظهور حضرتش، بزرگترین مصداق نصرت خداوند است و نصرت های خدا، طبق آیات ۴۰ و ۴۱ سوره حج، مشروط است به اینکه امت با انجام امر به معروف و نهی از منکر، خدا را یاری کنند.

* تنها هدف قیام تاریخی امام حسین (ع)، امر به معروف و نهی از منکر بود. شیعیان آن حضرت نیز باید از خواب غفلت بیدار شده و با انجام این فریضه، به ندای "هل من ناصر" ایشان، لبیک گویند؛ در غیر اینصورت گریه ها و عزاداری ها، مقبول نخواهد شد.



پرسش‌های درس دوم:

- ۱- یک آیه و یک روایت درباره اهمیت امر به معروف و نهی از منکر بنویسید.
- ۲- همگانی شدن فریضه امر به معروف و نهی از منکر چگونه سبب ظهور منجی(عج) میگردد؟
- ۳- امیرالمومنین(ع) علت هلاک و عذاب امت‌های گذشته را چه چیزی بیان می‌فرمایند؟
- ۴- ثواب و اجر امر به معروف و نهی از منکر در مقایسه با سایر نیکی‌ها چگونه است؟

بیشتر بدانید

درس دوم : آیات و روایات

*آیات

آیه ۱۷ سوره مبارکه لقمان (سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْهِ) : يَا بُنَيَّ اِقِمِ الصَّلَاةَ وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَاَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاَصْبِرْ عَلٰى مَا اَصَابَكَ اِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ

ای پسرکم! نماز را اقامه کن و امر به معروف و نهی از منکر کن و در این راه بر سختی ها و اذیت هایی که به تو می رسد، صبر داشته باش.

آیه ۱۱۰ سوره مبارکه آل عمران : كُنْتُمْ خَيْرَ اُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

شما بهترین امتی هستید که به نفع مردم خارج شدید زیرا امر به معروف می کنید و نهی از منکر میکنید و به خداوند ایمان دارید.

آیه ۱۱۴ سوره مبارکه آل عمران : يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ اُولٰٓئِكَ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ

به خدا و به روز قیامت ایمان می آورند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و در امور خیر سرعت می ورزند و هم آنان از صالحان هستند.

روایات

امام باقر (ع) : **أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى شُعَيْبِ النَّبِيِّ (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ) أَنِّي مُعَذِّبُ مِنْ قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شِرَارِهِمْ وَسِتِّينَ أَلْفًا مِنْ خَيْرِهِمْ فَقَالَ (ع) يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ الْأَشْرَارُ فَمَا بَالِ الْأَخْيَارِ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ دَاهَنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي وَلَمْ يَعْضَبُوا لِعِصْيِي**

خدای تعالی به شعیب پیامبر وحی فرمود که: من صد هزار نفر از قوم تو را عذاب خواهم کرد: چهل هزار نفر بدکار را، شصت هزار نفر از نیکانشان را. شعیب عرض کرد: پروردگارا! بدکاران سزاوارند اما نیکان چرا؟ خدای عز و جل به او وحی فرمود که: آنان با گنهکاران راه آمدند و به خاطر خشم من به خشم نیامدند^۱.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله): **أَلَا أُخْبِرُكُمْ عَنْ أَقْوَامٍ لَيْسُوا بِأَنْبِيَاءَ وَلَا شُهَدَاءَ تَغْبِطُهُمُ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ... يَأْمُرُونَهُمْ بِمَا يُحِبُّ اللَّهُ وَ يَنْهَوْنَهُمْ عَمَّا يَكْرَهُهُ اللَّهُ**

گروهی هستند که نه پیامبرند و نه شهید ولی مردم به مقامی که خداوند به خاطر امر به معروف و نهی از منکر به آنان عطا فرموده غبطه می خورند^۲.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) : **إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيَنْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ فَقِيلَ لَهُ وَ مَا الْمُؤْمِنُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ قَالَ الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ**

قطعا خدای عزوجل متنفر است از مومن ضعیفی که دین ندارد! از حضرت پرسیدند: مومن ضعیف بی دین چه کسی است؟ فرمود: کسی که نهی از منکر نمی کند^۳.

۱ . کافی (ط - الاسلامیه) ج ۵ ، ص ۵۶ ، ح ۱

۲ . مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۱۲ ، ص ۱۸۲

۳ . کافی (ط - الاسلامیه) ج ۵ ، ص ۵۹ ، ح ۱۵ - محاسن ص ۱۹۶ ، ح ۲۱



درس سوم

فلسفه و چرایی امر به معروف و نهی از منکر

مبانی اعتقاد و سوره فریضه

اهداف درس:

انتظار می رود پس از فراگیری این درس، نتایج ذیل برای خواننده محترم حاصل گردد:

۱. توان اغنای علمی مخاطبان در راستای چرایی وجوب امر به معروف و نهی از منکر
۲. قدرت تبیین برکات انجام فریضتین و عواقب ترک آنها در دنیا و آخرت
۳. قدرت پاسخ به سوالات اعتقادی مرتبط با فلسفه امر به معروف و نهی از منکر

در متون اسلامی، برای ترک امر به معروف و نهی از منکر، عقوبت های سنگین و برای انجام آن، منافع، آثار و برکات عظیمی ذکر شده است که به اختصار به برخی از آنها اشاره می کنیم:

برخی از برکات انجام فریضتین

۱- عدم شراکت در گناه دیگران
روایات روسیده از ائمه(ع) دلالت بر این دارند که هرکس به عمل دیگران راضی باشد، در آن عمل سهیم و شریک است. خواه آن عمل ، خیر و نیک باشد، خواه شر و ناپسند. از آن جمله روایت امیرالمومنین(ع) است که فرمودند:

الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّاحِلِ فِيهِ مَعَهُمْ وَ عَلَى كُلِّ دَاخِلٍ فِي
بِاطِلٍ إِثْمَانٌ إِثْمُ الْعَمَلِ بِهِ وَ إِثْمُ الرِّضَا بِهِ.^۱
هرکس راضی به گناه قومی باشد، گویا داخل در گناهشان بوده
است. و هرکس داخل در گناه باشد، برای او دو معصیت نوشته
می شود: یکی معصیت انجام همان گناه و دیگری معصیت
رضایت به آن گناه.

به بیان ساده تر، سکوت نشانه رضایت است و کسی که با خشم الهی ، به دنبال کسب رضایت مردم باشد، خداوند او را به همان مردم واگذار خواهد نمود.

۲- جلوگیری از تسلط اشرار بر جامعه
با ترک امر به معروف و نهی از منکر، به تدریج زشتی گناه در ذهن مردم از بین می رود و معصیت ، قبح خود را از دست می دهد. اگر سکوت خوبان ادامه یابد، رفته رفته جای ارزش و ضد ارزش عوض می شود. با تغییر باورهای مردم، ذائقه آنها نیز برای انتخاب حاکمان تغییر می کند و بدین ترتیب است که با تغییر در باورها، مسخ فکری و استحاله فرهنگی ایجاد می شود. مقام معظم رهبری در این باب می فرمایند:

۱ . نهج البلاغه حکمت ۱۴۶

بدترین توطئه‌ها علیه مردم این است که طوری کار کنند و حرف بزنند که کارهای خوب کارهایی که دین به آن‌ها امر کرده است و رشد و صلاح کشور در آن‌هاست در نظر مردم به کارهای بد، و کارهای بد به کارهای خوب تبدیل شود. این خطر بسیار بزرگی است.^۱

حقیقتاً اگر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ای فراموش شود، ذائقه مردم تغییر خواهد کرد و باورها دگرگون خواهد شد. آنگاه در نظرسنجی های عمومی و همه پرسی های کشور، آراء و نظرات به سمت دنیاپرستان و حق ستیزان متمایل خواهد گشت.

۳- آسان شدن مرگ

غالب افرادی که از مرگ خود بیمناک اند، ریشه ترس خود را در گناهانی میدانند که توان رویارویی با آنها را در برزخ ندارند. برخی نیز دل بستگی بیش از حد به دنیا را علت اصلی نگرانی خویش می دانند. قدر مسلم آن است که هرچه توشه آخرتman پر بار تر و هرچه تجافی مان نسبت به دنیا و مافیها بیشتر باشد، مرگ برایمان شیرین تر خواهد شد.

امر به معروف و نهی از منکر، بهترین باقیات الصالحاتی است که انسان می تواند از خود بجای گذارد. برخی نیکوکاران ارجمند، مسجد و مدرسه و کتابخانه می سازند. برخی از جان و مال و آبروی خویش با اقتدا به سیدالشهدا(ع) می گذرند و با انجام امر به معروف و نهی از منکر، انسان ها و جامعه را می سازند و ارزش ها را تثبیت می کنند.

در متون دینی، دنیا به عنوان زندان مومن معرفی شده است.^۲ آیا حقیقتاً اکنون ما احساس زندانی بودن و سختی داریم؟ نکند به برخی واجبات مهم و دقیق مثل امر به معروف و نهی از منکر، کم توجه شده ایم که دنیا برایمان لذیذ گشته است! مومن، مسئولیت پذیر است و همه واجبات را انجام می دهد؛ لذا دائماً در حال رسیدگی به امورات اجتماعی سایر مسلمین و به ویژه نجات ایشان از منجلا

۱ . خطبه های نماز جمعه تهران ۲۵ آذر ۷۹

۲ . بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۹، باب ۷

فساد و منکرات است. این دغدغه‌ها، بخشی از آسایش او را سلب می‌کند. خویش را به زحمت و هزینه می‌اندازد تا مشکلی از مشکلات جامعه را اصلاح کند. گاهی با تذکر لسانی، گاهی با مطالبه از دیگران و گاه با روشهای پیچیده تر.

در عین حال ، با انجام هر امر به معروف و نهی از منکری، در اعمال نیک دیگران شریک گشته^۳ و ثواب فراوانی نیز به سرای آخرت می‌فرستد. آری! اینگونه است که امر به معروف و نهی از منکر، واجبی است بی‌همتا در آباد کردن آخرت و تنگنا شدن دنیا، و اینچنین است که در مقامات عالیه فریضتین برای سالک، مرگ می‌شود "احلی من العسل".

۴- ریاضت شرعی و مبارزه با نفس

در اسلام، از برخی عبادات همچون روزه ، نافله شب، جهاد و... به عنوان تکلیف و ریاضت شرعی یاد شده است. حال سوال اینجاست که کدامیک سخت تر است؟ نماز شب خواندن یا تذکر لسانی به گناهکاران؟ نفس آماره راحت طلب است و اگر بین روزه گرفتن یا تذکرات لسانی مختار باشیم یکی را انتخاب کنیم، قطعاً روزه را انتخاب می‌کند. این دلیل میرهنی است که از باب "إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ"^۴ ، برای خودسازی و تزکیه نفس، امر به معروف و نهی از منکر بهترین ریاضت شرعیه است. آیت الله محمدعلی جاودان از اساتید برجسته اخلاق در این باره چنین می‌فرماید:

این امر به معروف از آن کارهایی است که مداومت بر آن، یک مجاهدت و یک ریاضت شرعی است برای حل همه مشکلات و عیب‌های عملی و اخلاقی ما. امر به معروف، عیب‌ها و اشکالات خیلی اساسی را از وجود آدم بر طرف می‌کند... فرض کنید کسی جریان ریاضتی بزرگ برای دست یافتن به اسم اعظم را پیش گرفته باشد. اثر امر به معروف در ساختن شخصیت آدم این چنین است!... در امر به معروف و نهی از منکر، من یک بار یک چیزی می‌گوییم و فحشی می‌شنوم؛ دفعه بعد یک

۳ . عن النبي(ص): مَنْ أَمَرَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ نَهَى عَنِ مُنْكَرٍ أَوْ دَلَّ عَلَى خَيْرٍ أَوْ أَسَارَ بِهِ فَهُوَ شَرِيكٌ خِصَال ص ۱۳۸ و وسایل الشیعه ج ۱۶
 ۴ . آیه ۵۳ سوره مبارکه یوسف(ع)

فحش جدید دیگر می‌شنوم! و هر کدام یک جور به جگر آدم زخم می‌زند! این مسائل تاثیرش در ساختمان شخصیت آدمی فوق‌العاده است و ممکن است با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نباشد.^۱

۵- افزایش رزق و طولانی شدن عمر

امر به معروف و نهی از منکر، در زمره مهمترین صدقات هستند^۲ و در روایات اسلامی وارد شده است که صدقه رزق و روزی را زیاد می‌کند. از آن جمله کلام امیرالمومنین (ع) است که فرمود: اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ. یعنی رزق را به وسیله صدقه، فرود آورید.^۳

از خواص دیگر صدقه در اعتقادات اسلامی، افزایش طول عمر است. در کتاب شریف میزان الحکمه به نقل از حضرت علی (ع) می‌خوانیم: اِنَّ الصَّدَقَةَ تَدْفَعُ عَنِ الْاَغْرَاصِ وَالْاَمْرَاضِ وَهِيَ زِيَادَةٌ فِيْ اَعْمَارِكُمْ وَحَسَنَاتِكُمْ.^۴

صدقه از پیشامدهای ناگوار و بیماری‌ها جلوگیری می‌کند و بر عمر و حسنات شما می‌افزاید.

شاید برخی بر اثر وسوسه شیطان^۵ گمان کنند که امر به معروف و نهی از منکر ممکن است باعث کاهش رزق یا آسیب‌های جانی و مالی بشود. امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید:

اِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يَفْرَبَانِ مِنْ أَجْلِ وَ لَا يَنْقُضَانِ مِنْ رِزْقٍ لِّكُنَّ يُضَاعَفَانِ الثَّوَابَ وَ يُعْظَمَانِ الْأَجْرَ.
امر به معروف و نهی از منکر نه اجلی را نزدیک می‌کنند و نه از روزی کم می‌نمایند، بلکه ثواب را دو چندان و پاداش را

۱ . پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله جاودان.
۲ . قال رسول الله (ص): أَمْزَكُ بِالْمَعْرُوفِ صَدَقَةٌ وَ نَهْيُكَ عَنِ الْمُنْكَرِ صَدَقَةٌ بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۵۰.
۳ . نهج البلاغه حکمت ۱۲۷.
۴ . میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۰۳۸۰.
۵ . الشیطانُ يُعَدِّكُمْ الْفَقْرَ سوره مبارکه بقره آیه ۲۶۸

بزرگ می سازند.^۶

همان طور که می دانیم، یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، کم خطر بودن آن به نسبت خطر وقوع منکر است که به تفصیل بدان خواهیم پرداخت. لذا منظور این روایات، کنار نهادن عقل نیست و شرعاً جایز نیست در مواردی که نهی از معصیت کوچکی، خطرات اهمّ دارد، انسان خویش را به خطر اندازد. بنا بر این انجام صحیح فریضتین، نه تنها باعث کاهش رزق و کوتاهی عمر نمی شود؛ بلکه موجب نزول رزق و طولانی شدن عمر آدمی است.

۶- ارزش ها، ارزش می ماند

امر به معروف و نهی از منکر اگر به وسیله آحاد مردم انجام گیرد، موجب می شود که گناه در جامعه همیشه گناه تلقی شود. به فرموده رهبر معظم انقلاب، یکی از عواملی که در جامعه از بدیها جلوگیری می کند، نهی از منکر و منکر ساختن منکر است.^۷ نگذاریم «منکر» «معروف» و «معروف» «منکر» شود. اولین فایده‌ی امر به معروف و نهی از منکر همین است که نیکی و بدی، همچنان نیکی و بدی بماند.^۸

به راستی اگر در جامعه گناه رایج شود و به مرور از زشتی آن در اذهان کاسته شود، رشته اصلاح امت از دست خواهد رفت و به این سادگی ها باز نخواهد گشت. علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.

۷- هم نشینی با ملائک

اشاره کردیم که خداوند، مقام خلیفه‌ی الهی را به آمران به معروف و ناهیان از منکر عطا نموده است. اینک به بیان روایتی می پردازیم که مقام امر به معروف و ناهی از منکر را همنشینی با ملائکه می شمارد.

قال النبّی (ص): رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي فِي الْمَنَامِ قَدْ أَخَذَتْهُ

۶ . تصنیف غررالحکم و دررالکلم ص ۳۳۲ ، ح ۷۶۳۷

۷ . پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی ۴ اسفند ۷۷

۸ . خطبه های نماز جمعه تهران ۲۵ آذر ۷۹

الزَّيَانِيَةَ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَجَاءَهُ أَمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْيِهِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَخَلَّصَهُ مِنْ بَيْنِهِمْ وَ جَعَلَهُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ.^۱
 مردی از امت خویش را در خواب دیدم که زبانه های آتش او را از هر طرف احاطه کرده بودند. ناگاه امر به معروف ها و نهی از منکر هایش آمدند و او را نجات دادند و با ملائکه همنشینش نمودند.

۱ . الوجيز في الفقه الإسلامي ج ۱ ص ۱۲۵

برخی از عواقب ترک فریضتین:

۱- محشور شدن به شکل خوک و بوزینه در روز قیامت

موضوع مسخ انسان، یکی از موضوعاتی است که همواره در ادیان مختلف مورد بحث قرار گرفته است. به تغییر شکل و دگردیسی افراد و اجسام از شکل اولیه به شکلی زشت تر مسخ گفته می‌شود.^۲ یکی از انواع آن، مسخ ظاهری و جسمانی است که در ماجراهای قرآنی شبیه قصه اصحاب سبت شاهد آن هستیم.

در نمادسازی ادبیات فارسی و حتی در متون و مضامین اسلامی، خوک و میمون به عنوان نمادهای بی تفاوتی و مسئولیت‌گریزی استفاده شده‌اند.^۳ یکی از عذابهای تارکین فریضه امر به معروف و نهی از منکر این است که در روز قیامت، به صورت خوک و میمون از قبرهای خویش بر می‌خیزند و در صحرا محشر حاضر می‌شوند. در روایت شریف از پیامبر گرامی اسلام(ص) است که فرمودند:

قسم به کسی که جانم در دست اوست، برخی از امتم در قیامت به صورت خوک و میمون محشور می‌شوند، بخاطر مدارا کردن آنها در برابر معاصی و خودداری از نهی از منکر در حالی که قدرت آن را دارند.^۴

۲- عادی شدن گناه و جابجایی معروف و منکر

اگر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه ای ترک شود، به مرور زمان، ارزش‌ها جای خود را به ضدارزش‌ها خواهند داد و سپس گناه، باعث افتخار و ثواب، در ذهن مردم موجب تحجر و عقب ماندگی خواهد بود. حضرت آیت الله خامنه ای در این زمینه می‌فرماید:

بدترین خطرها این است که یک روز در جامعه، گناه

۲ . لغتنامه دهخدا، سرواژه مسخ

۳ . بقره ۶۵ و مائده ۶۰ و اعراف ۱۶۶

۴ . وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَيُخْرِجَنَّ مِنْ أُمَّتِي مِنْ قُبُورِهِمْ فِي صُورَةِ الْقِرَدَةِ وَالْخَنَازِيرِ بِمُدَاهِنَتِهِمْ فِي الْمَعَاصِي وَ كَفَهُمْ عَنِ النَّهْيِ وَ هُمْ يَسْتَطِيعُونَ . كُنز العمال، ج ۳، ص ۸۳

به عنوان ثواب معرفی شود؛ کار خوب به عنوان کار بد معرفی شود و فرهنگها عوض شود. وقتی که امر به معروف و نهی از منکر در جامعه رایج شد، این موجب می‌شود که گناه در نظر مردم همیشه گناه بماند و تبدیل به ثواب و کار نیک نشود.^۱

به واقع اگر در یک جامعه، خوبیه‌ها امر کننده نداشته باشند و بدی‌ها نهی کننده نداشته باشند، افراد گنهکار، جرات می‌یابند و باورشان می‌شود که اعمالشان زشت نیست. لذا شروع به شماتت و تمسخر نیکوکاران می‌کنند و این سیر تا آنجا ادامه خواهد یافت که استحاله فرهنگی، تمام ارزشهای الهی را از جامعه پاک کند و تمام منکرها، شکل معروف به خود بگیرند.

نبی مکرم اسلام (ص) نیز در روایتی ضمن اشاره به مراحل استحاله فرهنگی، آن را نتیجه ترک امر به معروف و نهی از منکر و سپس عادی شدن گناهان می‌داند:

كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَتْ نَسَاؤُكُمْ وَ فَسَقَ شَبَابُكُمْ وَ لَمْ تَأْمُرُوا بِمَعْرُوفٍ وَ لَمْ تَنْهَوْا عَنْ مُنْكَرٍ فَقِيلَ لَهُ وَ يَكُونُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ فَكَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا!^۲

چه شده است شما را؟ هنگامی که زنان شما فاسد گردند و جوانان شما فاسق شوند، در حالیکه باز شما امر به معروف و نهی از منکر نمی‌کنید؟! گفته شد یا رسول الله آیا این اوضاع پیش خواهد آمد؟ فرمود: آری بدتر از اینها خواهد شد، شما چه خواهید کرد هنگامی که امر به منکر شوید و از معروف، نهیتان کنند؟! گفته شد: یا رسول الله آیا این چنین خواهد شد؟ فرمود: آری و بدتر از آن هم می‌شود. اگر امر به معروف و نهی از منکر نکنید، در چشم خود شما نیز معروف، منکر

۱ . خطبه‌های نماز جمعه تهران ۲۵ آذر ۱۳۷۹

۲ . مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص: ۴۹

و منکر، معروف دیده خواهد شد. (باورهای خودتان نیز تغییر خواهد کرد)

۳- دلیل شدن در دنیا

تاریخ بشریت، گواه این مدعاست که هرگاه مردم در برابر خطاهای یکدیگر سکوت کرده و اعلام انزجار ننمودند، خواری، پستی و ذلت به سراغ ایشان آمد و هرگاه در مقابل ظلم و بدعت و زشتی قیام کرده و ارزشها را مطالبه نمودند، عزت و سرافرازی و موفقیت، روزی ایشان گردید. پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی(ره) از روشن ترین مصادیق این سنت الهی است.

حضرت امام محمدباقر(ع) در این رابطه فرموده اند:
 الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ وَ
 مَنْ حَذَلَهُمَا حَذَلَهُ اللَّهُ.^۴

به راستی خداوند آمران به معروف و ناهیان از منکر را عزیز می دارد و کسانی که نسبت به این فریضه سستی و کاهلی نمایند، سرنوشتشان ذلت و سرافکنندگی است.

۴- منزوی و منفعل شدن، عذاب وجدان و سرخوردگی مومنین مقام معظم رهبری می فرمایند:

گفتن گناه به گناهکار با زبان خوش و با لحن مناسب و در جایی هم با زبان تند- در مواردی که مفسده‌ای به وجود نیاید- گناه را در جامعه کم خواهد کرد و به ضعف و انزوا خواهد انداخت. چرا ما از این موضوع غافلیم؟ همه‌ی آحاد مردم، در محیط کسب و خانه و جمع دوستان و در محیط درس و دانشگاه و کلا در هر جایی که هستند، اگر خلافتی را دیدند، به خلاف کار بگویند: این، از نظر اسلام خلاف است؛ چرا انجام می‌دهی؟^۴

۳ . کافی ج ۵، ص ۵۹، ح ۱۱

۴ . بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم قم ۱۹ دی ۱۳۶۸

حال اگر نیکان و اخیار امت دست پیش نگرفتند و در میدان دعوت، گوی سبقت را از منافقان جامعه نربودند؛ ناچار به صورت اقلیتی منفعل و منزوی به کنج عزلت خواهند گریخت و دچار یاس و ناامیدی خواهند شد. اما آیا حقیقتاً دین اسلام که کامل ترین و دقیق ترین روش های تعامل اجتماعی را برای بشر مشخص نموده، چنین سرنوشتی را برای پیروان خویش خواهان است؟

از دیگر سو کسی که از ترس ملامت ملامتگران، فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر را ترک کند، در برابر رشد انحرافات ناشی از این سکوت در جامعه، خویش را مقصر دانسته و سرزنش می کند. اما اگر در حد توان، نقش خویش را در مبارزه با فساد ایفا نموده و قیام کند؛ آرامش وجدان خواهد داشت و خواهد دانست که "لنا الا احدی الحسینین".

۵- استحاله و سقوط نظام اسلامی
رهبر معظم انقلاب می فرماید:

اگر صد سال هم بر چنین نظامی بگذرد، چنانچه امر به معروف باشد و شما وظیفه‌ی خودتان بدانید که اگر منکری را در هر شخصی دیدید، او را از این منکر نهی کنید، آنگاه این نظام اسلامی، همیشه تروتازه و باطراوت و شاداب می ماند.^۱

با مطالعه تاریخ اسلام، در خواهیم یافت که رواج فساد و فحشا^۲ پس از رحلت پیامبر اسلام(ص) که نتیجه حاکم شدن اشرار و امثال حجاج بن یوسف شد، نتیجه فراموش شدن امر به معروف و نهی از منکر توسط مسلمین بود. آنان

۱ . دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۹ تیر ۱۳۷۹
۲ . اینکه ما روی مسأله‌ی فساد و فحشا و مبارزه و نهی از منکر و این چیزها تکیه می کنیم، یک علت عمده‌اش این است که (گناه) جامعه را تخدیر می کند. همان مدینه‌ای که اولین پایگاه تشکیل حکومت اسلامی بود، بعد از اندک مدتی به مرکز بهترین موسیقی دانان و آوازخوانان و معروف ترین رقاصان تبدیل شد؛ تا جایی که وقتی در دربار شام می خواستند بهترین مغنیان را خبر کنند، از مدینه آوازه خوان و نوازنده می آوردند!... مدینه مرکز فساد و فحشا شد و آقا زاده‌ها و بزرگ زاده‌ها و حتی بعضی از جوانان وابسته به بیت بنی هاشم نیز، دچار فساد و فحشا شدند! (دیدار با فرماندهان، مسئولان و پرسنل سپاه پاسداران و نیروی انتظامی و جمعی از جانبازان / ۵ دی ۱۳۷۴)

گمان می کردند چون معمار انقلابشان ختم المرسلین (ع) است و مقتدایشان سیدالاصیاء(ع)، دیگر نیازی به ایفای مسئولیت اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر توسط مردم نیست. بدین سبب هر روز گناهکاران در معاصی خویش، جری تر و وقیح تر می شدند و امام امت، در مصاف با منکرات، تنها تر.

در تحلیل این موضوع، رهبر معظم انقلاب اسلامی چنین می فرمایند:
 وقتی در جامعه گناه منتشر شود و مردم با گناه خو بگیرند، کار کسی که در رأس جامعه قرار دارد و می خواهد مردم را به خیر و صلاح و معروف و نیکی سوق دهد، با مشکل مواجه خواهد شد؛ یعنی نخواهد توانست، یا به آسانی نخواهد توانست و مجبور است با صرف هزینه‌ی فراوان این کار را انجام دهد. یکی از موجبات ناکامی تلاشهای امیر مؤمنان با آن قدرت و عظمت در ادامه‌ی این راه، که بالاخره هم به شهادت آن بزرگوار منجر شد، همین بود.^۳

علاوه بر جامعه نبوی و علوی، در طول تاریخ پر فراز و نشیب اسلام نیز جوامع و تمدن های بزرگ اسلامی همچون آندلس (اسپانیای کنونی) را شاهد هستیم که علیرغم پیشرفتهای فرهنگی بزرگ و تشکیل حکومت اسلامی، تهاجمات فرهنگی دشمنان را با امر به معروف و نهی از منکر، دفع ننموده و نهایتاً دچار غضب خدا و انحطاط فرهنگی گشتند. به گونه ای که در اسپانیای قرن ۲۱، هیچ رنگ و بویی از اسلام و مسلمانی یافت نمی شود. حال آنکه این کشور، حدود ۷۰۰ سال پرچمدار اسلام در جهان بوده است.

در جامعه اسلامی باید امر به معروف و نهی از منکر زنده و پر رنگ شود؛ زمانی که امر به معروف و نهی از منکر کم رنگ شود، گناه و فساد جامعه را در بر خواهد گرفت... اگر امر به معروف و نهی از منکر ترک شود جوانان منحرف می شوند و نمی توانند از مملکت و

۳. خطبه های نماز جمعه تهران ۲۵ آذر ۱۳۷۹

اسلام دفاع کنند؛ که این خواست اصلی دشمن است. همانگونه که در اندلس کردند و برای فتح آنجا جوانان را به انحراف کشاندند.^۱

۶- رفتن برکات از جامعه
یکی از مهمترین عوامل سلب برکات الهی از جوامع بشری، بی تفاوتی نسبت به سرنوشت یکدیگر و اکتفا نمودن به رفع نیازهای شخصی حتی در معنویات است. در احادیث رسیده از معصومین (ع) نیز بر این مهم تاکید شده است.

لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتِ، وَسَلَطَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ.^۲

مردم در خیر و خوشی و سعادت خواهند بود؛ تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر نمایند و در کارهای نیک و تقوا به یاری یکدیگر بشتابند، اما اگر چنین نکنند، همه برکت‌ها از آنان گرفته میشود و گروهی - که اشرار هستند- بر گروه دیگر سلطه پیدا کنند و آنگاه هیچکس نخواهد توانست به ایشان کمک کند؛ نه از اهل زمین و نه حتی از اهالی آسمان!

۷- نازل شدن عذاب همگانی
عدالت خدای متعال ایجاب می کند که گنهگار و بی گناه، پاک و آلوده، مومن و کافر و به تعبیر مشهور تر و خشک با یکدیگر به آتش نسوزند. اما اگر هیزمهای خشک در حال سوختن باشند و هیزمهای تر به جهت همنشینی با خشک‌ها، تدریجا متأثر شده و خشک گردند؛ طبیعی است که به آتش آنها بسوزند.

رسول گرامی اسلام(ص) فرمودند:

۱ . مشکات هدایت آیت الله العظمی مکارم شیرازی
۲ . تهذیب الاحکام (تحقیق خراسان) ج ۶، ص ۱۸۱، ح ۲۲ و بحار الانوار (ط-بیروت) ج ۹۷، ص ۹۴

إِنَّ اللَّهَ لَا يُعَذِّبُ الْعَامَّةَ بِعَمَلِ الْخَاصَّةِ حَتَّى يَرَوْا الْمُنْكَرَ بَيْنَ ظَهْرَانِيهِمْ وَهُمْ قَادِرُونَ عَلَى أَنْ يُنْكَرُوهُ، فَلَا يُنْكَرُونَهُ، فَإِنْ فَعَلُوا ذَلِكَ عَذَّبَ اللَّهُ الْعَامَّةَ وَالْخَاصَّةَ^۳

همانا خدای متعال عموم مردم را بخاطر گناه برخی از ایشان عذاب نمی کند. مگر زمانی که معصیت علنی در میان آنها ظاهر گردد و آنها جلوی گناهکاران را نگیرند؛ در حالیکه می توانند نهی از منکر کنند؛ پس اگر چنان کردند، خداوند گناهکاران و عموم مردم را با یکدیگر عذاب خواهد فرمود.

۸- بازخواست توسط خدا

آیات و روایات زیادی پیرامون آخرت و خصوصا عرصه حساب و کتاب قیامت مطرح شده است. برخی از این متون، ملاتکه را مامور بازخواست امور در یوم الحساب معرفی می کند. اما برخی دیگر اشاره به صحنه هایی از مواخذه و توبیخ اهل معصیت توسط خود خداوند عزوجل دارد. از آن جمله، مواخذه کسانی است که نسبت به معاصی سایرین بی تفاوت بوده اند. می توان گفت مواخذه ایشان توسط ذات اقدس ربوبی حکایت از جایگاه والای این فریضه نزد پروردگار دارد.

ابوسعید خدری به سندش از رسول الله (ص) اینچنین نقل می کند:

إِنَّ اللَّهَ لَيَسْأَلُ الْعَبْدَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، حَتَّى يَقُولَ: مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَ الْمُنْكَرَ أَنْ تُنْكَرَهُ؟ فَيَقُولُ: رَبِّ خِفْتُ. يَقُولُ عَزَّوَجَلَّ: كُنْتُ أَنَا أَحَقُّ أَنْ تَخَافَ.

قطعا در روز قیامت خدای متعال از بنده اش سوال می کند: چه چیز مانع تو شد که دیدی گناهان را و نهی نکردی؟ اگر بنده ای بگوید: پروردگارا ترسیدم! خدای عزوجل می فرماید: شایسته بود از خشم من می ترسیدی.^۴

۳ . ثواب الاعمال

۴ . وسائل الشیعه ج ۱۶ باب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر

۹- جنگ با خدا

در اسلام از میان معاصی کبیره، دو معصیت وجود دارد که به "جنگ با خدا" تشبیه شده است. برخی وجه تشابه را عدم امکان پیروزی و شکست قطعی مرتکبین این دو دانسته اند. برخی نیز غضب شدید الهی از ارتکاب این دو حرام را علت احتمالی این تشبیه برشمرده اند.

یکی از محرمات بزرگ اسلام که در قرآن کریم از آن به جنگ با خدا تعبیر گردیده، ربا است^۱. و آن دیگری که در روایات متعدده به عنوان جنگ با خدا معرفی شده است، ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر است.

چنان که در حدیث از امام رضا(ع) است:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) يَقُولُ إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ التَّهْيِ عَنْ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذَنُوا بِوَقَاعِ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى.
رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره می فرمودند: هرگاه امت من از انجام امر به معروف و نهی از منکر سرپیچی کنند و آن را به یکدیگر واگذار نمایند، گویا با خداوند اعلان جنگ داده اند.^۲

۱. آیه ۲۷۹ سوره مبارکه بقره

۲. کافی (ط-الاسلامیه) جلد ۵، صفحه ۵۹، حدیث ۱۳

چکیده

* برخی از آثار مثبت اجرای امر به معروف و نهی از منکر بدین شرح است:

۱- عدم شراکت در گناه دیگران

۲- آسان شدن مرگ

برکات اخروی

۳- هم نشینی با ملائک

۱- جلوگیری از تسلط اشرار بر جامعه

۲- ریاضت شرعی و مبارزه با نفس

برکات دنیوی

۳- افزایش رزق و طولانی شدن عمر

۴- ارزش ماندن ارزشها

* برخی از آثار منفی و عواقب ترک این فریضه اساسی نیز از این قبیل است:

۱- محسور شدن به شکل خوک و بوزینه در روز قیامت

عواقب اخروی

۲- بازخواست توسط خدا

۱- عادی شدن گناه و جابجایی معروف و منکر

۲- ذلیل شدن در دنیا

۳- منزوی و منفعل شدن مومنین، عذاب وجدان و سرخوردگی

۴- استحاله و سقوط نظام اسلامی

عواقب دنیوی

۵- رفتن برکات از جامعه

۶- نازل شدن عذاب همگانی

۷- جنگ با خدا

مبانی اعتقاد و تفریق



پرسش‌های درس سوم:

- ۱- از نگاه مقام معظم رهبری اولین فایده‌ی امر به معروف و نهی از منکر چیست؟
- ۲- سه مورد از برکات انجام امر به معروف و نهی از منکر را توضیح دهید.
- ۳- امر به معروف و نهی از منکر چگونه انسان را از سختی لحظات جان دادن می‌رهاند؟
- ۴- نقش فریضتین را در جوان ماندن نظام اسلامی یا استحاله و نابودی آن شرح دهید.

بیشتر بدانید

درس سوم : اصحاب سبت چه کسانی بودند؟

نزدیک ساحل دریای سرخ، در بندر ایله عده ای از دودمان بنی اسرائیل در زمان حیات حضرت داوود (ع) زندگی می کردند^۱ که می بایست مسلک پدران و نیاکان خود را تعقیب کنند و روز شنبه را به عبادت پروردگار خویش بپردازند و طبق آیین شان شکار در روز شنبه را حرام بدانند.

علت حرمت شکار در روز شنبه برای یهود، این بود که حق تعالی به وسیله ی حضرت موسی (ع) از قوم یهود خواسته بود تا روز جمعه را بزرگ شمرند و در این روز کارهای مادی و دنیوی را ترک گویند و به امور معنوی و اخروی بپردازند. یهودیان از این امر الهی سربرتاخته، جمعه را برای کسب و کار، و شنبه را برای تعطیلی برگزیدند. آنان شنبه را بزرگ ترین روزها می دانستند. از این رو قهر و کیفر الاهی شامل حالشان شد و به امر خدا، شکار در روز شنبه، بر ایشان حرام اعلام شد.^۲

کلای استراتژیک این شهر ماهی بود و بیشتر اهالی آن از راه صید ماهی امرار معاش می کردند. از آن جا که خداوند می خواست این قوم را در معرض امتحان قرار دهد، زمینه ی آزمایش را این گونه بر ایشان رقم زد:

ماهیان دریا که شنبه را روز امن و امان یافته بودند؛ به خواست و مشیت خداوند به کناره دریا می آمدند و چنان روی آب را پر می کردند که با تلاش اندک و در زمان کم، صیادها می توانستند تعداد زیادی ماهی بگیرند. اما روزهای دیگر برای

۱ . تفسیر کشف، ج ۱، ص ۳۵۵

۲ . بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۴۹

ماهیان ناامن بود. و از کناره دریا فاصله می گرفتند و به اعماق آب می رفتند. به گونه ای که صید آن ها به سختی صورت می گرفت:

إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيَتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ^۳

آن گاه که به [حکم] روز شنبه تجاوز می کردند؛ آن گاه که روز شنبه آنان، ماهی هایشان روی آب می آمدند و روزهای غیر شنبه به سوی آنان نمی آمدند؛ این گونه ما آنان را به سبب آن که نافرمانی می کردند، می آزمودیم.

انگیزه های طمع به حرکت آمد و اسباب حرص در روح گنهکاران این سرزمین تحریک شد و از دستورات پیامبران خود غافل ماندند. مطالبی را که شنیده بودند؛ به دست فراموشی سپردند. به مشورت و تبادل نظر پرداختند و گفتند: چرا روزی را که ماهی ها روی آب فراوان هستند و خود به سوی ما می شتابند؛ رها کنیم و در روز دیگر که از ما می گریزند به صید بپردازیم؟! از این رو برای حلال کردن آنچه که خداوند برایشان حرام فرموده بود؛ به حيله و فریب متمسک شدند. و در کنار دریا، حوضچه ها و استخرهایی را ساختند تا بتوانند از راه جوی و کانال های متعددی که به دریا راه پیدا کرده اند؛ ماهی ها را جمع کنند.

صبح شنبه، کانال ها را می گشودند تا ماهی ها به حوضچه ها وارد شوند و در آخر روز که ماهی ها قصد بازگشت می کردند؛ دریچه ها را می بستند و روز یک شنبه ماهیان به دام افتاده در حوض ها را صید می کردند. با شروع این بدعت؛ ساکنان شهر به تدریج به سه طایفه تقسیم شدند:

۱- بیشتر اهالی شهر به بدعت گذاران فریب کار پیوستند و با ایشان همکار و هم نوا شدند. به گونه ای که برای ساخت حوضچه ها و شکار ماهیان بر یک دیگر سبقت می گرفتند.

۲- اندکی از خدا باوران که ایمان در اعماق قلبشان رسوخ کرده بود؛ با صلابت و یقین تمام در مقابل این بدعت ایستادند و برای امر به معروف و نهی از منکر با سلاح موعظه و نصیحت به مبارزه با این فریب کاری و حيله آشکار پرداختند.

۳. آیه ۱۶۳ سوره مبارکه اعراف

۳- کسانی هم بدون موضع و بی طرف بودند؛ نه همگام با گناه کاران بودند تا به این حرام آشکار دست زنند؛ و نه با ناهیان غیور هم نوا می شدند. اینان ساکت و بی تفاوت بودند. از این رو نه به شکار ماهی در روزهای شنبه می پرداختند و نه متعرض ماهی گیران متخلف می شدند. از آن جا که مرداب بی تعهدی و بی مسؤولیتی و بی غیرتی، وجودشان را به تباهی کشانده بود؛ در کمال تأسف و تعجب، حتی در مقابل نصیحت ناصحان نیز به اعتراض برخاستند: «وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إلی رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»^۱

و آن گاه که گروهی از ایشان گفتند: برای چه قومی را که خدا هلاک کننده ایشان است یا آنان را به عذابی سخت عذاب خواهد کرد، پند می دهید؟ گفتند: تا عذری پیش پروردگارتان داشته باشیم و شاید که گنهکاران پرهیزگاری کنند.

دسته اول که روز به روز بر شمارشان افزوده می شد؛ در برابر ناهیان از منکر، ایستادند و مکر خود را ابتکاری بزرگ و کاری زیبا قلمداد کردند و بر توجیه نافرمانی خویش گفتند: ما امر خدا را اطاعت کرده ایم و در روز شنبه شکار نمی کنیم و یکشنبه شکار می کنیم.^۲

این گونه بود که گروه مؤمن پند و اندرزشان کفایت نکرد و تصمیم به هجرت گرفتند تا گرفتار عذاب الهی نشوند.

در شب هجرت مؤمنان، عذاب خداوند بر نابکاران نازل گردید:

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ^۳ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَدَابِ بَعِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ^۳

پس هنگامی که آن چه را بدان تذکر داده شده بودند، از یاد بردند، کسانی را که از [کار] بد باز می داشتند نجات دادیم؛ و کسانی را که ستم کردند، به سزای آن که نافرمانی می کردند، به عذابی شدید گرفتار کردیم

۱ . آیه ۱۶۴ سوره مبارکه اعراف

۲ . تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۲؛ این سخن از ابن عباس نیز در تفسیر مجمع البیان ذیل آیه ی مورد بحث نقل شده است.

۳ . آیه ۱۶۵ سوره مبارکه اعراف

فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ۴

و چون از آنچه از آن نهی شده بودند؛ سرپیچی کردند، به آنان گفتیم: بوزینگانی رانده شده باشید.

در پی این فرمان، همه باقی ماندگان در شهر، به میمون هایی ریز و درشت تبدیل شدند [۷] و دروازه شهرشان بسته شد و کسی از ایشان توان بیرون رفتن نداشت. با شنیدن این خبر مردم شهر های دیگر به آن جا آمدند و از بالای دیوار شهر مردان و زنان فریب کاری را که به صورت میمون شده بودند؛ تماشا می کردند.

واعظان مهاجر شهر، تصمیم به بازگشت گرفتند. آن ها نزد میمون هایی که به خویشان و دوستانشان شباهت داشت؛ رفته و سؤال کردند: تو فلانی هستی؟! و آن گاه میمونی که مورد سؤال قرار گرفته بود؛ در حالی که اشک از دیده اش جاری می شد، با اشاره سر، تأیید می نمود.

خداوند، پس از سه روز، باد و باران شدید نازل فرمود؛ تا جایی که همگی به هلاکت رسیدند و هیچ مسخ شده ای در آن شهر باقی نماند.^۵

قران کریم می فرماید: فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ۶
و ما آن [عقوبت] را برای حاضران و [نسل های] پس از آن، عبرتی، و برای پرهیزگاران پندی قرار دادیم.

۴ . آیه ۱۶۶ سوره مبارکه اعراف

۵ . بخار الانوار، ج ۱۴، ص ۵۶

۶ . آیه ۶۶ سوره مبارکه بقره

فصل ۲ آشنایی با احکام و شرایط وجوب فریضتین

درس چهارم

شرایط چهارگانه وجوب امر به معروف و نهی از منکر

اهداف درس:

انتظار می رود پس از فراگیری این درس، نتایج ذیل برای خواننده محترم حاصل گردد:

۱. تبیین شرایط چهارگانه وجوب امر به معروف و نهی از منکر
۲. قدرت تحلیل حالات مختلف جواز و عدم جواز، وجوب و عدم وجوب فریضه، در صورت احراز یا عدم احراز هریک از شرایط چهارگانه

ضرورت یادگیری احکام امر به معروف و نهی از منکر

به تصریح همه مراجع معظم تقلید، بر هر مسلمان واجب است احکام امر به معروف و نهی از منکر را یاد بگیرد تا در امر و نهی خود به اشتباه نیفتد.^۱

شرط وجوب یعنی چه؟

تعریف شرط وجوب
شرط به لحاظ متعلق، به شرط وجوب و شرط واجب تقسیم می شود. شرط وجوب، شرطی است که در پیدایی مصلحت در متعلق وجوب نقش دارد؛ به گونه ای که با نبود آن، متعلق، فاقد مصلحت است و در نتیجه واجب نخواهد بود. مانند استطاعت در حج و مانند شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر. شرط وجوب، یا از شرایط عمومی همه تکالیف است، مانند بلوغ و عقل؛ یا مخصوص بعضی تکالیف است؛ مانند استطاعت که شرط وجوب حج است.^۲
تفاوت شرط وجوب با شرط واجب، در این است که در اولی، تحصیل شرط بر مکلف، واجب نیست. بنا بر این بر مکلف واجب نیست که برای حج، در پی کسب استطاعت باشد. اما در دومی، تحصیل آن بر مکلف واجب است؛ از این رو طهارت برای به جای آوردن نماز، واجب است.^۳

شرایط چهارگانه وجوب امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، چهار شرط وجوب مطابق زیر دارند:

۱- علم به معروف و منکر (اطمینان از گناه)

۲- احتمال تاثیر هرچند کم

۳- عدم یقین به قطع گناه

۱. امام خمینی تحریر الوسیله باب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر م ۸ / محمد حسین

فلاح زاده. آموزش فقه، صفحه ۲۸۲

۲. مستمسک العروه ج ۱، ص ۴۱۹ و المعالم الماثوره ج ۲ ص ۳۰۶

۳. مستمسک العروه ج ۱، ص ۲۸۹

۴- نداشتن مفسده اهم

* هرگاه این ۴ شرط همزمان با یکدیگر موجود باشند، امر به معروف و نهی از منکر واجب می‌گردد.

۱- علم به معروف و منکر

نخستین شرط وجوب فریضه، آن است که امر یا ناهی، مطمئن باشد عملی که انجام شده، منکر بوده یا عملی که ترک شده، معروف است. پس اگر شک داشته باشد که این حرف یا این کار که صادر شد، جایز است؛ امر به معروف و نهی از منکر در آن مورد واجب نیست. بلکه جایز هم نیست. اما اگر یقین داشته باشد که فعل، حرام بوده است، نهی از منکر، (با وجود سه شرط دیگر) واجب است.

مثال: شخصی درحال استماع موسیقی است که حرام بودن آن موسیقی برای ما یقین نیست. یا زن و مردی درحال صحبت با یکدیگر هستند و ما نمی‌دانیم که ایشان به یکدیگر محرم هستند یا خیر. در چنین مواردی که امکان عقلایی حمل بر صحت وجود دارد، باید از سوءظن و تهمت پرهیز نمود. اما در بسیاری از موارد که انسان مطمئن است این عمل حرام قطعی است مثل غیبت، دروغ، اسراف، رشوه و ... یا یقین نموده ایم که فلان شخص تارک معروف است مثلاً تارک نماز یا حجاب یا روزه و... با وجود سه شرط دیگر، امر به معروف و نهی از منکر، واجب خواهد بود.

* مراد از علم در این شرط، علم آمر است؛ نه مامور. اینکه مامور از خطا بودن عملش آگاهی دارد یا خیر، وظیفه را از ما ساقط نمی‌کند. نهایت آنکه مامور جاهل است و عکس العمل ما نسبت به معصیت او، عنوان ارشاد جاهل پیدا می‌کند.

* منظور از علم، علم اجمالی است. لازم نیست ما تمام احکام و مسائل و دلایل حرمت یا وجوب عملی را بدانیم تا اقدام به تذکر کنیم. همین قدر که مطمئن باشیم آن عمل که رخ داده، منکر است، یا آن عمل که ترک شده، معروف است؛ برای وجوب فریضه کفایت می‌کند.

* اگر کسی بسیاری از معروفات و منکرات را نشناسد؛ اما در آن مورد خاص

اطمینان به گناه داشته باشد، با وجود سه شرط دیگر، امر به معروف و نهی از منکر واجب است. این فریضه مهم، متوقف بر شناخت همه معروف ها و منکرها نیست.

* اگر معصیتکار در گناهِش، معذور باشد (شرع مقدس به او اجازه انجام آن عمل را داده باشد) مانند مسافری که به طور پنهانی، مشغول خوردن آب یا غذا در ماه مبارک رمضان است، در اینجا چون شخص معذور است، در حقیقت عمل وی مباح است و حرمت ندارد که نهی بر آن مترتب شود. پس می توان گفت یکی از ظرافتهای شرط اول وجوب، ملاحظه معذور بودن یا نبودن در گناه است.^۱

* اگر مساله ، از موارد اختلافی بین مراجع باشد و ما نمی دانیم شخص خطاکار مقلد چه کسی است، در اینجا نیز با امکان حمل بر صحت، امر به معروف و نهی از منکر جایز نیست. مثلاً برخی مراجع، سیگار را مطلقاً حرام نموده و برخی آن را مکروه می دانند. شاید فرد مورد نظر ما، مقلد آن مرجعی باشد که سیگار را حرام ندانسته؛ لذا نهی ما باعث ایذاء او می شود در حالیکه او فاعل حرام نشده است و چنین امر و نهی جایز نیست؛ چرا که هر مکروهی، جایز است.

* چرا با نبود شرط اول، امر به معروف و نهی از منکر از وجوب ساقط شده و بلکه حرام می شود؟!

در اسلام، ایذاء مومن ، حرام است. خداوند متعال منع فرموده است از اینکه مومنی، مومن دیگر را ناراحت کند و بیازارد. مگر برای نهی نمودن او از حرام (که اینجا اگر ناراحت و ایذاء هم بشود، به شرط آنکه آمرونهایی قاعده فقهی الاسهل فالاسهل را رعایت نموده باشد، ایذاء اشکالی ندارد و امر و نهی واجب است) اما برای جلوگیری از مکروه، حق نداریم مرتکب حرام (مثلاً مرتکب ایذاء) بشویم. لذا شرط اول به این معناست که هرگاه علم و اطمینان یافتیم که فلان عمل منکر بوده و رخ داده؛ یا معروف بوده و ترک شده، امر به معروف و نهی از منکر می کنیم.

یادآوری: به فرموده مراجع معظم تقلید، امر به واجبات، مانند نهی از محرّمات، واجب است؛ و امر به مستحبات، مانند نهی از مکروهات، مستحب است.

۱ . تحریرالوسیله ، امام خمینی(ره) اشاره ذیل شرط سوم ، مساله ۲۲ (ما به مناسبت، این مساله را ذیل شرط ۲ می آوریم)

تذکر: در بسیاری از موارد که انسان با یک منکر برخورد می کند، علم اجمالی به حرمت آن دارد و علیرغم آنکه گفتیم باید تا حد امکان حمل بر صحت نمود؛ از طرفی دچار وسواس و تفریط هم نباید شد. بسیاری از مواقع، مومنین در مواجهه با مصداق، اطمینان و علم به معروف و منکر دارند، اما متأسفانه بخاطر ندانستن سایر احکام و مسائل، فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر را ترک می کنند و این گناه بسیار بزرگی است.

۲- احتمال تاثیر

احتمال تاثیر از بحث برانگیزترین مسائل در حوزه امر به معروف و نهی از منکر است. متأسفانه این شرط به خوبی برای مردم تبیین نشده و همین امر، باعث حیرانی و سرگردانی مومنین و نهایتاً در بسیاری از موارد موجب ترک فریضه می شود.

احتمال تاثیر، به معنای علم به تاثیر نیست. برخلاف شرط اول، که نیاز به یقین و اطمینان بود، در اینجا صرف احتمال عقلایی (هرچند این احتمال بسیار کم باشد)، وجوب می آورد.

امام خمینی (ره) می نویسد:

با ظنّ به عدم تاثیر هرچند این ظن قوی باشد، تکلیف ساقط نمی شود.^۱

مثلاً شما منکری را می بینید و ۹۵ درصد احتمال می دهید که تذکر شما هیچگونه تاثیری نخواهد داشت. این بدان معناست که ۵ درصد احتمال اثر وجود دارد. و همین ۵ درصد، برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر کافی است و (با وجود سه شرط دیگر) تذکر دادن بر ما واجب می شود.

حتی اگر دو شاهد عادل بر بی تاثیر بودن تذکر، شهادت بدهند (بینه اقامه شود که این تذکر تاثیر نخواهد داشت) اما شخص آمر یا ناهی، اندکی احتمال بدهد که شاید تاثیر کمی داشته باشد، وجوب ساقط نمی شود.^۲

۱. تحریر الوسیله باب الامر بالمعروف و النهی عن المنکر القول فی شرایط وجوبهما / شرط دوم / مساله ۱

۲. همان، القول فی شرایط وجوبهما؛ شرط دوم مساله ۲

۳ :

* اگر احتمال بدهد که (امر یا نهی او) گناه را از بین نمی برد؛ بلکه فقط در تأخیر وقوع منکر و عقب افتادن آن اثر دارد، باز واجب است تذکر بدهد.

* اگر احتمال بدهد که (امر یا نهی او) گناه را از بین نمی برد؛ بلکه فقط ممکن است مقدار گناه را کاسته و ضعیف کند. این به این معنا است که احتمال اثر وجود دارد و واجب است تذکر بدهد.

* اگر احتمال بدهد که (امر یا نهی او) گناه را از بین نمی برد؛ بلکه فقط ممکن است تکرار گناه را در آینده کاهش دهد، باز هم صدق احتمال می کند و تذکر واجب می شود.

* اگر احتمال بدهد که (امر یا نهی او) در شخص معصیتکار تاثیری نداشته باشد، فقط احتمال دهد که شاید حتی در آینده، در شخص یا اشخاص دیگری موثر واقع شود، باز هم واجب می شود که تذکر دهد.

* اگر حتی بدانند که (امر یا نهی او) گناه را از بین نمی برد؛ بلکه فقط ممکن است گناه را از ظاهر جامعه به خفا منتقل کند و از انظار عموم، حتی برای مدتی پنهان دارد؛ همین مقدار هم احتمال تاثیر است و واجب است تذکر بدهد.

* اگر حتی احتمال بدهد که با تذکر خویش، فقط ممکن است گناه بزرگ را تبدیل به گناه کوچک می کند؛ واجب است امر به معروف و نهی از منکر نماید.

با اندکی دقت در موارد فوق، در می یابیم که شرط دوم (احتمال تاثیر) تقریباً در همه موارد وجود دارد.

لذا مقام معظم رهبری می فرماید:

۳ . تحریرالوسیله امام خمینی (ره) / رساله جامع آموزش تخصصی احکام و استفتائات امر به معروف و نهی از منکر؛ علی تقوی

بعضی گفته‌اند که باید احتمال تأثیر وجود داشته باشد. من می‌گویم احتمال تأثیر همه جا قطعی است؛ مگر در نزد حکومت‌های قلدر، قدرتمندان و سلاطین. آن‌ها ایند که البته حرف حساب به گوششان فرو نمی‌رود و اثر نمی‌کند؛ اما برای مردم چرا. برای مردم، حرف اثر دارد. بنابراین، پاسخ من این شد که بهترین روش برای شما که از من سؤال کردید، "زبان" است.^۱

معمار کبیر انقلاب و فقیه عالیقدر حضرت امام خمینی(ره) در کتاب شریف تحریرالوسیله، چند نکته کاربردی در این باب آورده اند که به بیان آنها می‌پردازیم:

اگر بداند که امر شخص خاصی در طرف اثر دارد نه امر خودش، واجب است به آن شخص - در صورتی که واگذاری این کار به وی با اجتماع همه‌ی شرایط نزد او باشد - امر کند تا به طرف امر نماید.^۲

اگر بداند یا احتمال دهد که انکار او در حضور عده‌ای مؤثر است، نه غیر آن، پس اگر چنانچه مرتکب آن، آشکارا به آن اقدام نموده است جایز و واجب است؛ وگرنه وجوب انکار بلکه جواز آن اشکال دارد.^۳

اگر بداند که انکار (و امر و نهی) او مؤثر واقع نمی‌شود مگر اینکه با درخواست و موعظه جفت (و همراه) نماید ظاهر آن است که انکار این چنین واجب است؛ و اگر بداند که تنها موعظه و تقاضا اثر می‌گذارند نه امر و نهی، وجوب آنها بعید نیست.^۴

نکته پایانی در این بحث آن است که چنانچه در مصداقی، شرط دوم (احتمال

۱ . پرسش و پاسخ دانشگاه تهران ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۷

۲ . همان، مساله ۱۰

۳ . همان، مساله ۶

۴ . همان، مساله ۳

تاثیر) وجود نداشته باشد؛ باز هم امر به معروف و نهی از منکر (با وجود سه شرط دیگر) جایز است و تنها از وجوب ساقط می شود. یعنی مانند شرط اول نیست که با عدم احرازش، جواز امر و نهی ساقط می شد. پس حتی در فرض نزدیک به محال، در صورت عدم وجود احتمال تاثیر، امر و نهی، مستحب خواهد بود.

۳- عدم یقین به ترک گناه

برخی این شرط را با عناوین مشابه نظیر «اصرار بر گناه»، «استمرار گناه» یا «قصد ارتکاب گناه» ذکر نموده اند و ما در اینجا برای روشن نمودن ذهن خواننده محترم، دقیقترین تعبیر را استفاده نمودیم.

توضیح آنکه: مادامی که شخص معصیت را انجام می دهد، امر به معروف و نهی از منکر بر همه مکلفین واجب است. و اگر در این میان (قبل یا حین تذکر)، به هر دلیل دست از گناه برداشت و مرتدع شد؛ تکلیف تذکر از سایرین، ساقط است.

* اگر از حال شخص به صورت علم یا اطمینان و یا از دلیل معتبری ظاهر شود که او می خواهد معصیتی را مرتکب گردد که تا به حال آن را انجام نداده است (حتی اگر اولین بار است که می خواهد انجام دهد) ظاهر آن است که نهی او واجب است.^۵ یعنی نیاز نیست که صبر کنیم تا دوباره تکرار کند. بلکه نباید چنین کنیم.

۴- نداشتن مفسده اهِمّ

چهارمین شرط آن است که در امر به معروف و نهی از منکر، باید ضرر و مفسده ای اعم از خطر جانی، مالی، آبرویی و... برای اسلام و مسلمین، امر و نهی و نزدیکان وی وجود نداشته باشد؛ البته مکلف باید همواره در این شرط، ملاحظه اهِمّ و مهم را بنماید. متأسفانه عموم مکلفین بخاطر آگاه نبودن به احکام و مسائل این فریضه، با کوچکترین احتمال مفسده و خطر اندک، این واجب عظیم را رها می کنند و مستوجب عذاب شدید الهی می شوند.

۵ . تحریرالوسیله امام خمینی (ره) / رساله جامع آموزش تخصصی احکام و استفتائات امر به معروف و نهی از منکر؛ علی تقوی

در بسیاری از موارد، مفسده سکوت (خطری که به سبب بی تفاوتی و عادی شدن گناه، متوجه جامعه می شود)، بسیار بیشتر است از ضرر احتمالی که با تذکر دادن متوجه شخص آمر و ناهی می گردد. در تمام این حالات، امر به معروف و نهی از منکر (با وجود سه شرط دیگر) واجب است و نمی توان به بهانه مفسده های کوچک، این تکلیف عظیم را تعطیل نمود.^۱

مراجع معظم تقلید نیز عموماً در رساله های عملیه خویش علاوه بر اشاره به این مهم، بذل مال و جان را نیز در راه مبارزه با منکرات بزرگ، واجب دانسته اند:

اگر معروف و منکر از چیزهایی باشد که شارع مقدس به آن اهمیت می دهد، مانند حفظ جان قبیله ای از مسلمین، و هتک حرمت نوامیس آنها یا از بین بردن آثار اسلام و محو دلیل (حقانیت) اسلام بطوری که موجب گمراهی مسلمین گردد یا از بین بردن بعضی از شعائر اسلام مانند بیت الله الحرام بطوری که آثار و محل آن محو شود و مانند اینها، باید ملاحظه ای مهمتر بودن را نماید و هر ضرری اگر چه ضرر جانی باشد یا حرج، موجب رفع تکلیف نمی باشد. پس اگر برپا داشتن حجت ها (و دلیلهای حقانیت) اسلام - بطوری که بوسیله ی آن ها گمراهی برطرف شود - متوقف بر بذل جان یا جانها باشد ظاهر آن است که واجب باشد، چه رسد به اینکه در ضرر یا حرجی که کمتر از بذل جان است واقع شود.^۲

و نیز فرموده اند:

اگر اقامه ی واجب یا ریشه کن کردن منکری متوقف بر بذل مالی باشد که مورد توجه است، بذل آن واجب نیست؛ لیکن در صورتی که بگونه ای نباشد که در حرج و سختی بیفتد، خوب است، و در صورتی که موجب آن باشد بعید نیست که جایز نباشد. ولی اگر موضوع از چیزهایی باشد که شارع مقدس به آن اهمیت می دهد و در هر حال، خلاف آن را رضایت ندارد، واجب است.^۳

۱ . همان

۲ . تحریر الوسیله، امام خمینی (ره) القول فی شرایط و وجوبها، شرط چهارم مساله ۶

۳ . تحریر الوسیله، امام خمینی (ره) القول فی شرایط و وجوبها، شرط چهارم مساله ۵

چکیده

* در امر به معروف و نهی از منکر، چهار شرط و جوب مطابق زیر دارند:

۱- علم به معروف و منکر (اطمینان از گناه)
یعنی شخص آمر و ناهی، یقین داشته باشد که عمل انجام شده توسط گناهکار، منکر بوده یا عمل ترک شده، منکر باشد.

۲- احتمال تاثیر هر چند کم
یعنی شخص آمر و ناهی احتمال بدهد که شاید تذکرش تاثیری در کاهش گناه حتی در آینده یا در سایر معصیتکاران حتی برای تاخیر انداختن گناه یا به خفا رفتن گناه داشته باشد.

۳- عدم یقین به قطع گناه
یعنی شخص آمر و ناهی بداند که گناهکار، معصیت خود را ترک نکرده و یا قصد انجام یا ادامه آن را دارد.

۴- نداشتن مفسده اهم
یعنی خطری که به واسطه تذکر، از ناحیه گناهکار متوجه آمر و ناهی می شود، کمتر باشد از خطری که به واسطه سکوت و عادی شدن گناه، متوجه جامعه خواهد شد.



پرسش های درس چهارم:

- ۱- شرایط چهارگانه وجوب امر به معروف و نهی از منکر را نام ببرید.
- ۲- منظور از علم به معروف و منکر، علم آمر و ناهی است یا علم معصیتکار؟ توضیح دهید.
- ۳- اقسام احتمال اثر را که هر یک به تنهایی باعث وجوب تذکر می شود، نام ببرید.
- ۴- اگر اطمینان داشته باشیم که شخصی برای اولین بار، قصد انجام گناهی دارد، آیا وظیفه تذکر ساقط است؟ چرا؟
- ۵- آیا هرگونه خطر و ضرر کوچک از ناحیه گناهکار، رافع تکلیف آمر و ناهی می شود؟ شرح دهید.

درس چهارم: رهنمود ولایت

* بعضی از همینهایی که در استقبال امروز بودند، خانمهایی بودند که در عرف معمولی به آنها میگویند «خانم بدحجاب»، اشک هم از چشمش دارد میریزد. حالا چه کار کنیم؟ ردش کنید؟ مصلحت است؟ حق است؟ نه، دل، متعلق به این جبهه است. جان، دلباخته‌ی به این اهداف و آرمانهاست. او یک نقصی دارد. مگر من نقص ندارم؟ نقص او ظاهر است، نقصهای این حقیر باطن است؛ نمی‌بینند. «گفتا شیخا هر آنچه گوئی هستم / آیا تو چنان که مینمائی هستی؟». ما هم یک نقص داریم، او هم یک نقص دارد. با این نگاه و با این روحیه برخورد کنید. البته انسان نهی از منکر هم میکند؛ نهی از منکر با زبان خوش، نه با ایجاد نفرت.^۱

جوانان در محیط خودشان، امر به معروف و نهی از منکر کنند. چرا این واجب امر به معروف، امر به کارهای خوب در جامعه‌ی اسلامی هنوز اقامه نشده است؟ نگویید به من چه؛ او هم نمی‌تواند بگوید به تو چه؛ اگر هم گفت، شما اعتنا نکنید. بعضی خیال می‌کنند تا منکری دیده شد، باید با مشت به سراغش بروند! نه، ما سلاحی داریم که از مشت کارگرت‌تر است. آن چیست؟ سلاح زبان. زبان از مشت خیلی کارگرت‌تر و نافذتر و مؤثرتر است؛ مشت کاری نمی‌کند.^۲

۱ . بیانات رهبر انقلاب در ۱۹ مهر ۱۳۹۱ دیدار با علما و روحانیون خراسان شمالی

۲ . بیانات رهبر انقلاب در ۱۵ آذر ۱۳۷۰ در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش‌آموزان

تعجب نکنید. من به شما عرض می‌کنم که تأثیر امر و نهی زبانی اگر انجام گیرد، از تأثیر مشت پولادین حکومتها بیشتر است. من چند سال است که گفته‌ام امر به معروف و نهی از منکر. البته عده‌ای این کار را می‌کنند؛ اما همه نمی‌کنند. همه تجربه نمی‌کنند، می‌گویند آقا چرا اثر نمی‌کند؛ تجربه کنید. منکری را که دیدید، با زبان تذکر دهید. اصلاً لازم هم نیست زبان گزنده باشد و یا شما برای رفع آن منکر، سخنرانی بکنید. یک کلمه بگویید: آقا! خانم! برادر! این منکر است. شما بگویید، نفر دوم بگوید، نفر سوم بگوید، نفر دهم بگوید، نفر پنجاهم بگوید؛ کی می‌تواند منکر را ادامه دهد؟^۱

من همین امر به معروف و نهی از منکر زبانی را - ولو به شکل خیلی راحت و آرام و بدون هیچ خشونت و دعوایی - واقعا یکی از معجزات اسلام می‌دانم. مثلاً یک نفر کار خلافی می‌کند، می‌گویند آقا شما این کار را نباید می‌کردی. این مطلب را بگو و برو. می‌گوید او برمی‌گردد دو تا فحش به من می‌دهد. خیلی خوب؛ حالا دو تا فحش هم به شما بدهد؛ برای خاطر امر خدا تحمل کنید. اگر نفر دوم هم بگوید آقا شما باید این کار را نمی‌کردی؛ بدانید اگر دعوا هم بکند، دعوایش کمتر از آنی است که با نفر اول کرده است. نفر سوم و نفر دهم و نفر بیستم هم همین‌طور. بنابراین، اگر نهی از منکر باب شد و تا نفر بیستم رسید، شما خیال می‌کنید آن آدم دیگر آن کار را تکرار خواهد کرد؟^۲

۱ . بیانات رهبر انقلاب در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۷۷ در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران

۲ . بیانات رهبر انقلاب در ۴ اسفند ۱۳۷۷ در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی



درس پنجم

مواردی که برخلاف تصور عوام، جزء شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر نیست^۳

اهداف درس:

انتظار می رود پس از فراگیری این درس، نتایج ذیل برای خواننده محترم حاصل گردد:

۱. قدرت پاسخ به شبهات رایج درباب عدم شرطیت موارد مشار الیه
۲. توان استدلال به آیات و روایات و فتاوی مراجع معظم تقلید در استنتاج این شبهات

۳. رساله جامع آموزش تخصصی احکام و استفتائات امر به معروف و نهی از منکر؛ علی تقوی

۱- سن و سال ، جوان بودن یا تجرد، و حتی نگرانی از تحریک شهوت، مسقط تکلیف امر و نهی نیست

امر به معروف و نهی از منکر، فریضه ای است که همچون سایر فرائض اسلام، بر همه کسانی که به سن تکلیف می رسند، واجب می شود. لذا مجرد یا متاهل بودن، نقشی در رفع وجوب این فریضه ندارد. همچنین هیچ نسبتی میان سن و سال شخص امر و ناهی با سن و سال فرد معصیتکار ، شرط نشده است. به عبارت دیگر هر شخص با هر سن و سالی وظیفه دارد به هر فردی که در حال انجام معصیت است، امر به معروف و نهی از منکر نماید. قرآن کریم در این مورد حضرت ابراهیم (ع) را مثال می زند و می فرماید:

وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَرَزَّرَ أَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً^۱

و به یاد آور هنگامی که ابراهیم به پدرش آزر گفت: آیا بتها را بجای خداوند می پرستی؟!

و یا در جای دیگر که لقمان حکیم، به فرزند کوچک خویش امر یم کند که (علیرغم سن و سال کم) به گناهکاران ، امر به معروف و نهی از منکر نماید.

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

ای پسرکم! نماز را اقامه کن و امر به معروف و نهی از منکر نما و در این راه، بر سختی ها و مشقت هایی که به تو می رسد، صبر کن. که صبر ، حاکی از عزم و اراده است.

در ادامه نظر خواننده محترم را به استفتاء مرتبط جلب می کنم:

سوال: برخی افراد به بهانه اینکه کم سن و سال یا جوان یا مجرد هستند، امر به معروف و نهی از منکر را ترک می کنند. آیا جوان بودن یا مجرد بودن یا کم سن و

۱ . آیه ۷۴ سوره مبارکه انعام



سال بودن، جزء شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر است؟

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای: اگر موضوع و شرایط امر به معروف و نهی از منکر محرز باشد، تکلیف شرعی و وظیفه واجب اجتماعی و انسانی همه مکلفین است و حالت‌های مختلف مکلف مانند مجرد یا متأهل بودن در آن تاثیر ندارد، و به صرف این که مکلف مجرد است، تکلیف از او ساقط نمی‌شود.^۲
حضرت آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی: خیر.^۳

حضرت آیت‌الله‌العظمی هاشمی شاهرودی: جوان نبودن، مجرد نبودن و کم سن و سال نبودن (با فرض بلوغ) از شرایط امر به معروف و نهی از منکر نیست.^۴
حضرت آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی: امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایط خاصی است و اگر شرایط امر به معروف موجود باشد واجب است و اگر موجود نباشد واجب نیست و در برخی موارد جایز نیست فرقی بین کم سن و سال و جوان و مجرد نیست مگر آنکه کم سن بودن در شرایط امر به معروف تأثیر گذار باشد.
حضرت آیت‌الله‌العظمی علوی گرگانی: سن کم و جوانی و مجرد بودن وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را ساقط نمی‌کند و بر همه این دو واجب الهی وجوب دارد.

حضرت آیت‌الله‌العظمی موحدی نجفی: امر به معروف و نهی از منکر بر عموم مکلفین اعم از جوان و غیر جوان، مرد و زن، معیل و مجرد واجب می‌باشد.
حضرت آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی: ممکن است بعضی از نواهی از منکر به جهت مفسده، بر مجردها و جوان‌ترها جایز نباشد.
حضرت آیت‌الله‌العظمی محقق کابلی: اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر موجود است انجام دهید.

سوال: امر و نهی زنانی که حجاب کامل ندارند چه حکمی دارد؟ در صورتی که انسان هنگام نهی زبانی از تحریک شهوت خود بترسد، چه حکمی دارد؟
حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای: نهی از منکر متوقف بر نگاه با ریه به زن نامحرم نیست، و بر هر مکلفی واجب است که از حرام اجتناب کند، به خصوص

۲ - اجوبه الاستفتائات معظم له سوال ۱۰۶۰

۳ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۲۰۴۱۰

۴ - دفتر معظم له

زمانی که مبادرت به انجام فریضه نهی از منکر می‌کند.^۱

حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی: انسان باید از نگاه کردن به اینگونه موارد بپرهیزد تا دچار مفسده نشود. اما چنانچه با چنین صحنه‌هایی مواجه شد، امر به معروف و نهی از منکر کند.^۲

سوال: رفتن به صورت عمدی در جایی که احتمال افتادن نگاه به نامحرمش زیاد است به قصد امر به معروف صحیح است؟
حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای: رفتن به چنین جایی اگر مفسده نداشته باشد و خوف وقوع در حرام نباشد، اشکال ندارد و باید توجه داشته باشید افتادن نگاه به نامحرم اگر عمدی نباشد حرام نیست. ولی باید از تکرار نگاه و استمرار نگاه اجتناب کند.^۳

سوال: دیدن اندکی از موی زنان در بازار و جز آن، بدون عمد چه حکمی دارد؟ آیا یادآوری و گفتن به آنان لازم است؟
حضرت آیت‌الله‌العظمی ملکی تبریزی: باسمه تعالی؛ نگاه کردن به موی زنان - در فرض مزبور - اگر به قصد التذاذ جنسی نباشد، مانعی ندارد و نهی از منکر در صورت تحقق شرایط لازم است، و الله العالم.^۴

۲- در امر به معروف و نهی از منکر، قصد قربت لازم نیست و اخلاص، شرط نیست

امر به معروف و نهی از منکر، از واجبات توصییه در اسلام است و آن، واجبی است که غرض مولا به وجود یافتن آن در خارج تعلق گرفته و به مجرد تحقق آن در خارج، امر مولا نیز ساقط می‌شود. مانند ادای دین که به هر نیتی صورت پذیرد، هرچند برای تظاهر، کفایت نموده و ذمه را آزاد می‌کند و قصد قربت در آن شرط نیست.^۵

- ۱ - اجوبه الاستفتائات معظم له سوال ۱۰۶۸
- ۲ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۹۴۰۵۰۲۰۰۷۸
- ۳ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۲۲۸۰۲۹۰۴۱۰۴۷۶۷۵ b
- ۴ - کتاب استفتائات جدید معظم له جلد ۱ صفحه ۳۵۸ سوال ۱۵۹۹
- ۵ - مظفر، محمد رضا، اصول الفقه، ج ۱، ص ۷۶ و آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین،

در استفتاء ذیل، نظرات مراجع معظم تقلید در این موضوع را می خوانیم:

سوال: آیا امر به معروف و نهی از منکر که از واجبات توصلی است، مشروط به خلوص نیت و قصد قربت هستند یا خیر؟
حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی: نیت امر به معروف داشتن برای ثواب لازم است اما جزو شرایط آن نیست.

حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی: قصد قربت شرط کمال است.^۶
حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی: امر به معروف و نهی از منکر از واجبات توصلی است و اگر کسی بدون رضای خداوند و بدون قصد قربت به نیت دیگری امر به معروف کند ثواب ندارد. بنابراین نیت قربت جزء شرایط امر به معروف نیست، ولی برای گرفتن ثواب، قصد قربت لازم است اما بدون قصد قربت هم تکلیف ادا می شود.^۷

حضرت آیت الله العظمی سیستانی: در امر به معروف و نهی از منکر، قصد قربت معتبر نیست، بلکه مقصود، اقامه واجب و جلوگیری از حرام می باشد. البته قصد قربت موجب رسیدن به ثواب الهی و پاداش اخروی است.^۸

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی: قصد قربت شرط نیست ولی بدون آن ثواب به کسی نمی دهند.^۹

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای: قصد قربت در امر به معروف و نهی از منکر شرط نیست.^{۱۰}

حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی: خیر، شرط نیست. هر چند استحقاق ثواب منوط به نیت است.^{۱۱}

حضرت آیت الله العظمی بهجت: برای ترتب ثواب در امر به معروف و نهی از منکر

کفایة الاصول، ص ۹۴ و تحریر الوسیله

۶ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۲۰۵۵۵

۷ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۹۴۰۱۲۷۴

۸ - کتاب توضیح المسائل جامع معظم له ج ۳ مساله ۲۶۸۶

۹ - کتاب استفتائات معظم له سؤال ۱۱۵۲ و استفتاء از دفتر معظم له با کد

۹۴۰۷۱۰۰۰۴۶

۱۰ - استفتاء از دفتر معظم له با کد bfd۶۰d۷۷۶df۳۲edd۴۸fd۴ca۷۲۸۶۹۰cac

۱۱ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۱۷۰۴۴

قصد قربت لازم است.^۱
حضرت آیت‌الله‌العظمی محقق کابلی: امر به معروف و نهی از منکر از واجبات توصییه است که در صحت آن‌ها قصد قربت لحاظ نشده؛ اگر چه ثواب بدون نیت و قصد قربت بر آنها مترتب نمی‌شود غرض از آن دو، قطع فساد و اقامه فرائض است چنانچه در روایات این باب تصریح شده است و این غرض بدون قصد قربت هم حاصل می‌شود و در صورت شک مقتضی اطلاق و اصول هم توصییت است.^۲

۳- همجنس بودن یا محرم بودن، جزء شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر نیست

مماثله یا همجنس بودن شخص ناهی و فرد معصیتکار، به هیچ وجه جزء شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر نیست. لذا تذکر به نامحرم نیز، مانند تذکر به محارم، ضروری، واجب و وظیفه شرعی همه ملکفین می‌باشد.

در بسیاری از موارد، افراد همجنس معصیتکار تذکر نمی‌دهند؛ یا تذکر می‌دهند اما تذکر ایشان در محو گناه کافی نیست. لذا بر همه مسلمین اعم از زن و مرد واجب است که امر به معروف و نهی از منکر کنند و سایرین را نیز به این فریضه مهم امر نمایند.

این مطلب را از دفاتر مراجع معظم تقلید نیز جویا شدیم:

سوال: آیا یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، ((هم جنس یا محرم بودن ناهی با فاعل منکر)) است؟

حضرت آیت‌الله‌العظمی علوی گرگانی: هم جنس بودن لازم نیست؛ اما نباید امر به معروف و یا نهی از منکر موجب انجام گناهی برای خود امر به معروف شود.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای: چنین شرطی وجود ندارد.^۳

حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی: دامنه وجوب امر به معروف و نهی از منکر محدود به محارم و بستگان نمی‌باشد بلکه در سطح جامعه اسلامی اگر منکر

۱ - کتاب استفتانات معظم له سؤال ۳۸۳۸

۲ - کتاب استفتانات معظم له

۳ - استفتاء از پایگاه دفتر معظم له با کد ۰۶۰۳۷۵۵e۰۲۶۰a۶f۵۱fb۸۳۹c۲d۱۶d۸۵ca

مشاهده شود تمام اشخاص موظف هستند با رعایت موازین شرعی، به اقامه فریضه امر به معروف و نهی از منکر بپردازند.^۴

حضرت آیت‌الله‌العظمی موحدی نجفی: هم جنس بودن آمر و ناهی با فاعل منکر، از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر نمی‌باشد.

حضرت آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی: هم جنس بودن، از شرایط امر به معروف و نهی از منکر نیست.^۵

حضرت آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی: خیر. امر به معروف و نهی از منکر وظیفه عمومی نسبت به همگان است.^۶

حضرت آیت‌الله‌العظمی محقق کابلی: نسبت به همه، امر به معروف و نهی از منکر واجب است.

۴- عامل بودن به معروف (یا تارک بودن منکر) و عادل بودن در امر و ناهی، شرط نیست

بر خلاف تصوّر غلط عوام، فقه اسلام می‌گوید هر کس از معصیت دیگران آگاه شد (حتی اگر خودش مرتکب همان گناه می‌شود) واجب است آنها را از آن معصیت نهی کند. در این میان، اگر خودش آن منکر را ترک کرده باشد یا عامل همان معروفی باشد که به دیگران را به آن امر می‌کند، تاثیر تذکرش افزایش خواهد یافت؛ اما حق ندارد به بهانه ترک یک فریضه مثل نماز (یا ارتکاب یک منکر مثل دروغ)، در مقابل ترک فریضه سایرین (یا ارتکاب معصیت آنان) سکوت کند. زیرا یک گناه (مثل ترک نماز یا دروغگویی)، هرگز مجوزی برای انجام گناه دوم (یعنی ترک فریضه امر به معروف و نهی از منکر) نمی‌شود.

در امر به معروف و نهی از منکر شرط نیست که امر و نهی کننده به آنچه امر می‌کند عمل نماید و از آنچه نهی می‌کند اجتناب ورزد؛ یعنی امر و نهی بر شخص گناهکار هم واجب است و او نمی‌تواند به عذر این که گناه می‌کند خود را از این

۴ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۹۴۰۴۰۵۰۳۶۶

۵ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۹۴۰۱۴۷۳

۶ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۲۰۵۶۷

وظیفه‌ی بزرگ تبرئه سازد. این که در منابع دینی از افرادی که خود عمل نمی‌کنند و دیگران را به عمل وامی‌دارند و یا خود گناه می‌کنند و دیگران را از گناه باز می‌دارند مذمت و نکوهش بسیار شده برای این است که چرا خود عمل به وظیفه نکرده‌اند نه برای این که چرا امر و نهی کرده‌اند.^۱

عده ای نزد پیامبر گرامی اسلام (ص) آمده و عرضه داشتند: ما امر به معروف و نهی از منکر نخواهیم کرد؛ مگر آنکه خودمان عامل به معروف و تارک منکر شده باشیم. حضرت آنها را از تفکر اشتباهشان برحذر داشته و فرمودند:

لَا! بَلْ مُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ إِن لَّمْ تَعْمَلُوا بِهِ كَلِّهِ، وَ انْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ إِن لَّمْ تَنْتَهُوا عَنْهُ كَلِّهِ^۲

امر به معروف کنید حتی اگر خودتان همه آن را انجام نمی‌دهید. و نهی از منکر کنید حتی در حالی که خودتان همه آن را ترک نکرده اید

در روایتی با همین معنا و مفهوم، حضرت امیرالمومنین علی بن ابیطالب (ع) ، به کسانی که خود اهل انجام هر عمل معروفی نیستند، بهترین راه برای عامل شدن به هر عمل نیک را ، وادار کردن سایرین به انجام آن معروف معرفی می‌فرماید:

أُوْمَرُ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنُّ مِنْ أَهْلِهِ^۳

امر به معروف کن ؛ تا خودت اهل انجام همان معروف شوی.

در ادامه نظرات مراجع معظم تقلید از نظر خواننده محترم می‌گذرد:

سوال: می‌دانیم که اگر امر به معروف و ناهی از منکر، خودش فاعل معروف و تارک منکر باشد، حرفش اثر بیشتری در سایرین خواهد داشت. اما آیا بر امر به معروف و ناهی از منکر، واجب است که حتما خودش تارک آن منکر و فاعل آن معروف باشد؟ به عبارت دیگر، آیا تارک منکر و عامل معروف بودن، جزء شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر است؟ یعنی انسان گناهکار، وظیفه ندارد

۱ . رساله آموزشی آیت الله العظمی خامنه ای ؛ فصل امر به معروف و نهی از منکر

۲ . تنبیه الخواطر جلد ۲ صفحه ۲۱۳

۳ . تصنیف غرالحکم و دررالکلم ص ۳۳۲ ، ح ۶۶۳۵



دیگران را امر به همان معروف و نهی از همان منکر کند؟

حضرت آیت‌الله‌العظمی هاشمی شاهرودی: انجام معروف و ترک منکر، جزء شرایط امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد؛ بلکه با تحقق تمام شرایط امر به معروف و نهی از منکر واجب می‌شود؛ چه خود امر، آن معروف را انجام دهد و چه ندهد.^۴

حضرت آیت‌الله‌العظمی بهجت: عامل بودن یا عادل بودن، شرط وجوب نیست؛ گرچه در صورت عامل بودن، تاثیر آن بیشتر است. کسی که خود مرتکب منکری می‌شود، واجب است دیگران را از همان منکر نهی کند.^۵

۵- جاهل بودن معصیتکار یا دانسته گناه کردن او ، تکلیف را ساقط نمی‌کند

متأسفانه بسیاری از مومنین بر این باورند که اگر شخص خطاکار، به معصیت بودن عمل خویش ، آگاهی ندارد و جاهل به احکام است، نیازی به ارشاد کردن وی نیست. حتی اگر بتوان پذیرفت که به ادعای ایشان، جهل گناهکار برایش نزد خداوند عذری به حساب آید، هرگز نمی‌توان باور کرد که خداوند از گناه افراد دانای اطراف او که علم به معصیتش داشتند و او را ارشاد نکردند در گذرد.

بسیاری نیز به عکس؛ بر این تصورند که فقط در صورتی باید گناهکار را نهی نمود که جاهل باشد. به ظن این دسته، کسی که دانسته و عالمانه و عامدانه معصیت می‌کند؛ سایرین نسبت به وی وظیفه امر به معروف و نهی از منکر ندارند.

هر دو تصور فوق ناپخته و کاملاً غلط است. فقه اسلام برای رفع جهالت جاهل، ارشاد جاهل را واجب می‌داند و برای مبارزه با معصیتی که دانسته و عامدانه انجام می‌شود، فریضه امر به معروف و نهی از منکر را بر همه مسلمین واجب نموده است. پس یک مسلمان در هر حال، نسبت به گناه مسئولیت دارد و نمی‌تواند به سادگی از کنار آن عبور کند.

۴ - دفتر معظم له

۵ - کتاب استفتائات معظم له سوال ۳۸۳۹ و ۳۸۴۰ و ۳۸۷۱

موارد ذکر شده شرایط نیست

به استفتائات زیر توجه کنید:

سوال: با سلام و احترام، همانطور که مستحضر هستید، یکی از شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر، ((علم به معروف و منکر)) است. آیا منظور از این علم، علم گناهکار به گناه بودن عمل خویش است؟ یا صرف اینکه آمر و ناهی علم به معروف و منکر داشته باشد، کافی است؟

حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی: منظور از علم به معروف و منکر این است که کسی که می‌خواهد امر و نهی کند باید یقین داشته باشد که طرف مقابل مشغول انجام حرام یا ترک واجبی است.^۱

حضرت آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی: آمر به معروف و ناهی از منکر باید معروف و منکر را بشناسد اگر مرتکب عملی نسبت به منکر بودن آن علم نداشته باشد، (باز هم) از باب ارشاد جاهل باید او را راهنمایی نمایند.^۲

حضرت آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی: منظور، علم آمر به معروف است یعنی ملاک این است که کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند باید بداند چه چیزی معروف است و چه چیزی منکر.^۳

۶- حفظ احترام و آبروی فرد معصیتکار، شرط نیست

سوال: اگر در برخی مصادیق امر به معروف و نهی از منکر، چاره‌ای نداشته باشیم جز اینکه به آبرو و احترام فاعل منکر، آسیب بزنیم؛ یعنی امر و نهی، مستلزم کاستن آبرو و احترام گناهکار باشد؛ امر به معروف و نهی از منکر چه حکمی دارد؟

حضرت آیت‌الله‌العظمی علوی گرگانی: بردن آبروی افراد و یا اهانت به آنان و یا علنی مطرح کردن آن در فرض امکان امر و نهی مخفیانه به بهانه امر به معروف و نهی از منکر جایز نیست؛ مگر خود امر و نهی از نظر دیگران موجب آبرو رفتن باشد که در این صورت نمیتوان به بهانه این موضوع امر و نهی را ترک کرد و باید تشخیص موضوع توسط خود مکلف داده شود.

۱ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۹۴۰۵۰۱۰۲۶۰

۲ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۱۹۰۱۷

۳ . دفتر معظم له

حضرت آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی: در فرض تأثیر امر و نهی، باید اهمّ و مهم کند. اگر اهمّیت فعل معروف و ترک منکر شرعا اهمّ از آبروی طرف باشد، و خوب امر به معروف و نهی از منکر ساقط نمی‌شود.^۴

حضرت آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی: در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر بدون رسیدن به مرحله آسیب زدن به آبروی گناهکار، اثر داشته باشد آسیب زدن به آبروی دیگران حرام است و امر به معروفی که موجب از بین رفتن آبروی کسی شود حرام می‌باشد. اگر قبل از رسیدن به این مرحله با اخلاق و روش خوب او را امر به معروف کرده باشد و اثر نکرده باشد و به مرحله ای برسد که بدون آسیب زدن به آبروی طرف، امر به معروف اثر نداشته باشد، در این فرض هرچند به آبروی گناهکار آسیب برسد اشکال ندارد؛ بلکه برای جلوگیری از منکر و انجام معروف و فواید اجتماعی آن با رعایت مراحل قبلی، امر به معروف با آسیب زدن به آبروی طرف و کمی خشونت، لازم می‌باشد. البته باید این نکته را نیز توجه داشته باشد که مفسده ترک امر به معروف بیشتر است یا مفسده آسیب زدن به آبروی دیگران.^۵

۷- احتمال تشدید گناه و لجاجت عاصی یا تمسخر امر به معروف، رافع تکلیف نیست

سوال: برخی شبکه های ماهواره ای غربی، به مخاطبان خود آموزش میدهند که اگر کسی به شما تذکر لسانی داد، به او فحش بدهید یا حتی (مثلا بعد از امر به حجاب) روسری خود را به طور کامل در بیاورید. آیا این آموزشهای ماهواره که با هدف ساکت کردن مومنان و نابود شدن امر به معروف و نهی از منکر است، رافع تکلیف ماست؟ به عبارت دیگر، آیا به صرف اینکه ما احتمال بدهیم گناهکار ممکن است لج کند و گنااهش را تشدید کند، تکلیف واجب تذکر لسانی با حفظ مراتب، از ما ساقط می شود؟

۴ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۱۷۶۰۷

۵ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۹۴۰۱۵۱۷

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای: موارد مختلف است. اگر احتمال قابل توجه و عقلایی بدهد که تذکر لسانی موجب زیاده‌تر شدن گناه او می‌شود، نباید تذکر بدهد، بلکه باید با وجود شرایط از روشهای دیگر مانند اقدام از طرق قانونی و مانند آن استفاده کند.

حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی: چنانچه شرایط امر به معروف و نهی از منکر وجود داشته باشد باید تذکر داده شود و صرف احتمال، کفایت نمی‌کند مگر این که احتمال قابل توجهی باشد.^۱

حضرت آیت‌الله‌العظمی هاشمی شاهرودی: با احتمال تاثیر و اجتماع سایر شرایط نهی از منکر، نهی از منکر واجب است و احتمال لج کردن طرف مقابل مسقط تکلیف نیست.^۲

حضرت آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی: این نوع آموزش‌ها و فحش دادن‌ها تکلیف امر به معروف را ساقط نمی‌کند، بلی نسبت به افرادی که پشتوانه ندارد و امر به معروف سبب می‌شود که ابروی خودش را ببرد واجب نیست.

حضرت آیت‌الله‌العظمی علوی گرگانی: با این توجیهات امر به معروف و نهی از منکر ساقط نمی‌شود مگر به گونه‌ای باشد که مطمئن باشید که مورد جسارت واقع می‌شوید و یاوری هم ندارید.

حضرت آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی: موارد مختلف است و صرف مطلب مذکور، مانع عمل به این فریضه مهم الهی نیست و امر به معروف و نهی از منکر با رعایت مراتب و شرایط در فرض ثبوت موضوع، واجب است.

حضرت آیت‌الله‌العظمی موحدی نجفی: مادامیکه یقین به عدم اثر نباشد امر به معروف و نهی از منکر واجب است.

حضرت آیت‌الله‌العظمی محقق کابلی: امر به معروف و نهی از منکر در صورتی که احتمال تاثیر بدهید واجب است.

۱ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۹۴۰۳۳۰۰۲۳۲

۲ - دفتر معظم له

حضرت آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی: امر به معروف در هر جا که احتمال تاثیر باشد واجب است.

حضرت آیت‌الله‌العظمی دوزدوزانی: در صورتی که احتمال تاثیر وجود داشته باشد، وجوب امر به معروف ساقط نمی‌شود.^۳

سوال: اگر در مواردی برای امر به معروف و نهی از منکر، هم احتمال تاثیر بدهیم و هم احتمال تاثیر خلاف (لج کردن فاعل منکر و تشدید گناهش را) بدهیم امر به معروف و نهی از منکر از وجوب می‌افتد؟ توضیح فرمایید.

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای: در صورتی که احتمال تاثیر وجود داشته باشد با وجود شرایط امر به معروف واجب می‌باشد.^۴

حضرت آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی: یکی از شرایط امر به معروف آن است که احتمال بدهید که اثر می‌کند. اگر احتمال بدهید که ممکن است تاثیر کند و ایجاد مفسده هم نکند با روشی که طرف به لج کردن نیافتد امر به معروف واجب می‌شود. اگر امر به معروف با روش نیکو انجام شود کسی که امر به معروف می‌شود به لج کردن و تشدید بر گناه نمی‌افتد و اگر با روش بد امر به معروف کند که سبب لج بازی او شود جایز نیست.^۵

۸- ناراحتی و دلخوری، دفع و زده شدن معصیتکار از دین و مومنین، رافع تکلیف نیست

فقه‌های اسلام به ویژه مراجع معظم تقلید با تکیه بر ادله استنباط و مبانی فقهی،

۳ - استفتاء از دفتر معظم له با کد

۴ - استفتاء از دفتر معظم له ۰۶۷۷۱ffb۵۷ab۵۴۵۸۹۷ce۹۶e

۵ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۹۴۰۱۳۰۷

بر این باورند که اگر امر به معروف و ناهی از منکر، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر خویش را به درستی انجام دهد؛ ضامن دفع شدن و طرد شدن معصیتکار یا دلخور شدن و ناراحتی وی نمی باشد و این عذر و بهانه ها، موجب اسقاط تکلیف بزرگ امر به معروف و نهی از منکر نیست.

به بیان دیگر، امر به معروف و ناهی از منکر چنانچه مراعات "الایسر فالایسر" و تناسب جرم با جزا را بنماید، مسئول اذیت شدن عاصی نیست. سوالات زیر بیانگر همین مضمون است:

سوال: اگر فعل حرامی در حال وقوع است و ما احتمال دهیم که با نهی ما، ممکن است شخص فاعل منکر، ناراحت شود یا از دین و مومنین زده شود (دلخور و دفع شود)، آیا این احتمال، وجوب امر به معروف و نهی از منکر را از بین می برد؟

حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی: ناراحت شدن افراد کم ایمان و یا بی دین و یا غفلت زده نباید موجب دوری از امر به معروف و نهی از منکر شود بلکه با وجود شرایط امر به معروف این عمل واجب می شود.

حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی: احتمال فوق، مسقط وجوب نیست.^۱

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای: در صورتیکه احتمال تاثیر بدهید، باید نهی از منکر کنید.^۲

فاصل لنکرانی: در حقیقت و ماهیت نهی از منکر این امر نهفته است که فاعل منکر با انکار نسبت به عمل او ممکن است دلخور شود و یا از دین زده شود و یا بگوید این چه دینی است که چنین عملی را حرام نموده است؛ اما این امر مانع از وجوب نهی از منکر انجام شود آری. باید رعایت شرایط و از جمله لزوم حفظ مراتب و برخورد مناسب و دقیق را نمود. چه بسا برخورد نامناسب موجب زدگی از دین شود که در این صورت جایز نیست.

حضرت آیت الله العظمی موحدی نجفی: اگر موجب مفسده نباشد واجب است؛ و الا واجب نمی باشد.

۱ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۱۸۰۷۴
۲ - استفتاء از دفتر معظم له با کد b۶۶۰۹۵۰۰d۴d۹bb۱f۶۱۷۳۵۵۸۷۶۸e۳۵۹ff

سوال: گاهی در اثنای امر به معروف و نهی از منکر مواردی پیش می آید که شخص گناهگار بر اثر عدم آگاهی از واجبات و احکام اسلامی، با نهی از منکر، نسبت به اسلام بدبین می شود و اگر هم او را به حال خود رها کنیم، زمینه فساد و ارتکاب گناه توسط دیگران را فراهم می کند، تکلیف ما در این موارد چیست؟

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای: امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرایط آن یک تکلیف شرعی عمومی برای حفظ احکام اسلام و سلامت جامعه است و مجرّد توهم این که موجب بدبینی فاعل منکر یا بعضی از مردم نسبت به اسلام می گردد، باعث نمی شود که این وظیفه بسیار مهم ترک شود.^۳

حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی: در فرض تحقق شرایط وجوب، باید حکم را بگویید و او را از این کار بازدارید. ملاحظه خاصی وجود ندارد.^۴

۹- اذن همسر و رضایت پدر و مادر، در امر به معروف و نهی از منکر شرط نیست

از دیگر مواردی که در امر به معروف و نهی از منکر، ملاک و شرط وجوب نیست، اما متأسفانه برخی به اشتباه، آن را جزء شرایط این فریضه می شمارند، اذن همسر، اذن پدر یا ... می باشد.

سوال: در امر به معروف و نهی از منکر، اگر معروف ترک شده از واجبات باشد نه مستحبات؛ یا منکر انجام شده از محرمات باشد نه مکروهات، آیا خانمها برای انجام واجب امر به معروف و نهی از منکر، نیاز به اذن شوهر یا پدر دارند؟ به عبارت دیگر، آیا اذن شوهر و پدر، جزء شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر است؟ لطفا توضیح فرمایید.

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای: اذن شوهر جزء شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر نیست.^۵

حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی: خیر. در فرض تحقق شرایط وجوب، امر

۳ - اجوبه الاستفتائات معظم له سوال ۱۰۶۲

۴ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۱۹۰۸۱

۵ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۵۳۱۷۰۶

و نهی واجب است و اذن و اجازه کسی دخیل نیست.^۱

حضرت آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی: نیاز به اذن شوهر نیست، ولی زن برای خروج از منزل باید از شوهر اذن بگیرد.^۲

حضرت آیت‌الله‌العظمی علوی گرگانی: در صورتی که امر به معروف و نهی از منکر توسط خانمها منافات با حقوق شوهر و یا پدر نداشته باشد، اذن لازم نیست.

حضرت آیت‌الله‌العظمی هاشمی شاهرودی: چنانچه تمام شرایط امر به معروف و نهی از منکر محرز شود، واجب است و مشروط به اذن پدر یا شوهر نمی باشد.^۳

حضرت آیت‌الله‌العظمی موحدی نجفی: اذن پدر و شوهر جزء شرایط امر به معروف و نهی از منکر نمی باشد.

حضرت آیت‌الله‌العظمی محقق کابلی: در انجام واجبات و ترک محرمات اذن پدر و شوهر لازم نیست.

۱۰- داشتن حکم حکومتی ، کارت و مجوز قضایی، شرط وجوب فریضه نیست

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، بر اساس شرع اسلام بیان می دارد که از مراحل مختلف امر به معروف و نهی از منکر ، آنچه نیاز به مجوز یا حکم از طرف حکومت باشد، تنها مرحله آخر یعنی اقدام فیزیکی ، درگیری ، دستگیری و امثال آن است که از آن با عنوان توسل به زور و جبر نیز یاد می شود.^۴

لذا انجام سایر مراحل (ابراز ناراحتی قلبی و تذکر زبانی) از نظر شرع و قانون، نه تنها برای همگان جایز است، بلکه وظیفه مدنی و واجب دینی ایشان است.

صدور کارت و حکم و امثال آن برای تذکر لسانی (علیرغم جواز عمومی شرع و

۱ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۱۴۴۱۰

۲ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۱۹۵۲۵

۳ - دفتر معظم له

۴ - قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر

قانون) اقدامی است قبیح و ناصواب. زیرا در ذهن مردم این توقع بیجا و اشتباه را دامن میزند که "هرکس تذکر لسانی می دهد، باید کارت داشته باشد".

متأسفانه بارها دیده ایم که برخی دچار کم دقتی شده و از روی خیرخواهی و برای مصونیت بخشی به تعداد افراد محدود، این عمل اشتباه (صدور کارت مجوز تذکر لسانی) را انجام می دهند و غافل اند که با صدور اینگونه کارتها و ایجاد ذهنیت فوق در بین آمران و مامورین، مشکلات فراوانی را برای سایر مسلمانان که کارت ندارند، ایجاد می کنند؛ حال آنکه تذکر لسانی، وظیفه همگانی است و فقط توسل به زور است که نیاز به کارت، حکم قضایی و مجوز حکومتی دارد.

به پرسش ها و پاسخ های زیر توجه کنید:

سوال: امر به معروف و نهی از منکر، دارای مراتب و مراحل است از جمله ابراز ناراحتی قلبی، تذکر لسانی، اقدام فیزیکی. آیا در مرحله اول و دوم، باید کارت و مجوز و اذن حکومتی داشته باشیم؟ در مرحله اقدام فیزیکی چگونه؟

حضرت آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی: امر به معروف و نهی از منکر در مرحله ابراز ناراحتی قلبی در رفتار و نیز تذکر لسانی، مشروط به داشتن کارت و مجوز حکومتی نیست. و در مرحله برخورد فیزیکی باید تابع قانون شرعی بود.^۵

حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی: امر به معروف قلبی و لسانی نیاز به کارت و مجوز دیگران ندارد اما امر به معروف فیزیکی که همراه درگیری است - به جز موارد خاص - اگر موجب هرج و مرج شود جایز نیست.

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای: کارت و اذن حکومتی لازم نیست و وظیفه شما - با وجود شرایط امر به معروف و نهی از منکر - امر و نهی زبانی است و مراتب بالاتر از آن موکول است به مسئولین مربوطه که می توانید به نهادهای ذی ربط گزارش دهید.^۶

حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی: امر به معروف و نهی از منکر وظیفه یکایک افراد جامعه است و منوط به امور مذکور نیست؛ اما برخی از مراتب آن که اگر توسط مردم انجام گیرد موجب برهم خوردن نظم عمومی می شود، باید توسط

۵ - دفتر معظم له

۶ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۴۱۹۰۰۰۰۰۵۰۸۴۸edf۴bf۳۲de۱۴

حکومت اسلامی اجراء گردد.

حضرت آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی: مرتبه ی قلبی و لسانی وظیفه همه آحاد مسلمین است ولی بر خورد فیزیکی باید با اذن حاکم شرع باشد.^۱

حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی: امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد که بعضی از این مراتب، احتیاج به اجازه حاکم شرع ندارد و بعضی دارد. آنچه احتیاج به اجازه حاکم شرع ندارد همان امر به معروف با زبان و دل و نصیحت کردن یا اعراض و بی‌اعتنایی و ترک مراوده نمودن است و اگر تأثیر نکرد، جایز است با کلمات تند و خشن که خالی از گناه باشد یا با توسل به زور، به این طریق که جلوی فرد گناهکار را بگیرد، یا وسایل گناه را از دسترس او خارج سازد، اقدام نماید؛ ولی اگر برای امر به معروف و نهی از منکر لازم شود که متوسل به ضرب و جرح یا اتلاف اموال و بالاتر از آن گردد در این صورت هیچ کس بدون اجازه حاکم شرع حق اقدام ندارد، بلکه باید اصل کار و مقدار و اندازه آن طبق ضوابط اسلامی با نظر حاکم شرع تعیین گردد.

حضرت آیت‌الله‌العظمی موحدی نجفی: در فرض سؤال در مرحله قلبی و لسانی نیاز به مجوز نیست، اما در مرحله اقدام فیزیکی نیاز به مجوز حکومتی است و بهتر است در این صورت از مجتهد جامع الشرایط هم اجازه گرفته شود.

۱ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۲۰۵۱۰

چکیده

* در انجام امر به معروف و نهی از منکر، مطرح نیست که شخص آمر و ناهی، مجرد باشد یا متأهل، جوان باشد یا پیر، از معصیتکار کوچکتر باشد یا بزرگتر.

* امر به معروف و نهی از منکر، واجب توفیقی است. لذا قصد قربت و خلوص نیت در انجام این فریضه، شرط نیست.

* همانطور که بر هر مسلمان واجب است به محارم و نزدیکان خویش امر به معروف و نهی از منکر کند، بر همه مسلمانان تکلیف است که به جنس مخالف و نامحرم نیز تذکر بدهند.

* در امر به معروف و ناهی از منکر، عادل بودن، عامل بودن به معروف و تارک بودن از منکر، شرط نیست. لذا گناهکار هم باید حتی در همان گناه خودش، دیگران را نهی از منکر کند.

* اگر شخص معصیتکار، علم به منکر بودن فعلش نداشته باشد، از باب ارشاد جاهل، واجب است او را به آن حکم آگاه کنیم. همچنین اگر گناهکار دانسته، عالمانه و عامدانه اقدام به معصیت نماید، وظیفه همگان، امر به معروف و نهی از منکر است. لذا علم یا جهل معصیتکار، عذر موجهی برای بی تفاوتی و سکوت

درقبال معاصی نیست.

* حفظ احترام و آبروی معصیت کار، جزء شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر نیست. اگرچه بهتر است تا حد امکان آبرو و احترام وی حفظ گردد. لذا کاستن آبرو و احترام گناهکار برای امر به معروف و نهی از منکر، ایرادی ندارد. مخصوصا اگر معصیت علنی انجام شده باشد.

* این احتمال که بعد از تذکر، شخص معصیتکار، لجاجت نموده و گناه خویش را تشدید نماید، رافع تکلیف امر به معروف و نهی از منکر نیست.

* اگرچه امر به معروف و ناهی از منکر همواره باید بکوشد با کمترین هزینه، کمترین کدورت و تنش و پایین ترین درجه دلخوری و ایذاء، و وظیفه خویش را انجام دهد، اما اگر با رعایت قاعده "الاسهل فالاسهل" و با احراز شرایط چهارگانه وجوب، اقدام به تذکر نماید، مسئول دلخوری ها، دفع ها و ناراحت شدن گناهکاران نیست و صرف توهم اینکه فریضه، موجب بدبین شدن عاصی به مومنین و شعائر دین گردد، مجوز تعطیلی این واجب عظیم الهی نمی شود.

* برای امر به واجبات و نهی از محرمات، نیاز به اجازه همسر یا پدر نیست؛ اگرچه مناسب است رضایت ایشان نیز به عنوان یک وظیفه اخلاقی و شرعی حاصل گردد.

* مراحل اول (اظهار ناراحتی و ابراز کراهت از گناه) و مرحله دوم امر به معروف و نهی از منکر (تذکر لسانی)، وظیفه شرعی و قانونی همه مسلمانان است و نیاز به هیچگونه کارت و مجوز قضایی ندارد.



پرسش‌های درس پنجم:

۱- آیا مرد مسلمان، می‌تواند به بهانه اینکه نگاهش به نامحرم می‌افتد، وظیفه شرعی امر به معروف و نهی از منکر را رها کند؟

۲- صحیح یا غلط بودن گزاره‌های زیر را به دقت بررسی و تحلیل نمایید:

- الف: زن برای نهی از حرام، باید از پدر و شوهرش اجازه بگیرد!
- ب: کسی که خودش گناه می‌کند، می‌تواند واجب امر به معروف و نهی از منکر را انجام ندهد!
- ج: احترام و آبروی گناهکاران باید تحت هر شرایطی حفظ شود!
- د: ما فقط مسئول تذکر به نادان‌ها هستیم و گناه دانایان به ما ربطی ندارد!

۳- از مراحل سه‌گانه امر به معروف و نهی از منکر، کدام مرحله نیاز به مجوز حکومتی دارد؟

بیشتر بدانید

احکام و شرایط و وجوب فریضه

درس پنجم: قیاس و استحسان؛ آفت آموزش های امر به معروف و نهی از منکر

فقهای شیعه در طول قرن های متمادی، با تکیه بر ادله اربعه (قرآن، سنت، عقل و اجماع) و با تمسک به اصول و شیوه های صحیح کشف مراد شارع، به استنباط احکام شرع مقدس اسلام پرداخته و راه اجتهاد را در پیش گرفته اند.

از آنجا که همواره راهزنان، دغل بازان و گاهی نیز خیرخواهان کم بصیرت، خواسته و ناحواسته بر پیکره اسلام، ضربات جبران ناپذیری وارد نموده اند، موضوع امر به معروف و نهی از منکر نیز مستثنی نبوده و بارها دست آویز عنادهای دشمنان آگاه و جهالت دوستان ناآگاه گردیده است.

دور ماندن از فتاوا و آرای مراجع معظم تقلید و نیز تمسک به قیاس و استحسان در بیان احکام الهی، امروزه گریبانگیر بسیاری از مبلغین این فریضه گشته است.

و این مصیبت تا آنجا پیش رفته است که یکی احتمال تاثیر را با احتمال شکیات نماز مقایسه کرده و می گوید: احتمال بیش از پنجاه درصد لازم است!

و آن دیگری، هرچه از حُسن و نیکویی به ذهنش می رسد، بر شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر می افزاید. می گوید بهتر است همجنس و محرم تذکر دهد؛ بهتر است متاهل تذکر دهد، بهتر است خود آمر، عامل باشد، بهتر است آبروی معصیتکار حفظ شود. و...

میگوییم: سَلَّمْنَا "بهتر است" را چرا "واجب است" ترجمه می کنی و چرا برای واجب خدا شرط تراشی می کنی؟!

جهل مسلمین در باب امر به معروف و نهی از منکر، به حد کافی زیاد هست که نخواهند به این فریضه عظیم عمل کنند. نیازی نیست شما مانع جدید بر راه ایشان بگذارید.

راقم این سطور، بارها و بارها در تریبون ها و منابر شنیده ام که گفته اند: امر به معروف، ده شرط وجود دارد. آن دیگری میگفت پانزده شرط. حتی تا سی و دو شرط هم شنیده ام.

پناه بر خدا از این جهالت ها و دین تراشی ها و بدعت ها!

وقتی به ایشان می گفتم چرا در رساله مراجع تقلید بیش از ۴ شرط ننوشته است؟! همچون ناشنویان نگاهم می کردند و برخی نیز به اشتباه خویش اصرار نموده و مراجع تقلید (اعلی الله کلماتهم) را متهم می کنند که شاید دقت نکرده اند و در رساله شان همه شرایط را ننوشته اند!

برخی نیز جهلشان مرکب است! یعنی آنقدر خود را قبول دارند که حاضر نیستند حتی فتاوا و استفتائات مراجع معظم تقلید را که دال بر اجماع و اتفاق آرای ایشان در عدم اشتراط موارد مذکور این فصل می باشد را از نظر بگذرانند.

آنکس که نداند و نداند که نداند

در جهل مرکب ابدالدهر بماند

فی الجمله از آنجا که هرچه بگنند نمکش می زنند و امروز نمک ها گندیده است، استدعای مولف از خواننده محترم این است که این فریضه مهم و اساسی و حیاتی اسلام را فقط با تکیه بر نظرات مراجع معظم تقلید بیاموزید و از پذیرفتن نظرات اشخاص - ولو متصف به ظواهر علم و دین و القاب و عناوین آن و این باشند - بآی نحو پرهیز نمایید. والسلام

چند استفتاء:

سوال: با تأکید زیادی که در باره امر به معروف و نهی از منکر شده، تا جایی که سبب اقامه فرائض و موجب آبادی زمین و ایمنی راهها و جلوگیری از اجحافها به

شمار آمده، چگونه با علم به ضرر یا ظنّ به آن، آن هم و لو ضرر جانی نباشد و مالی باشد از انسان، ساقط می‌شود؟

حضرت آیت‌الله‌العظمی سید محمدرضا گلپایگانی: **این مسأله، شرعی است و شرایط وجوب هر واجب را باید از شارع، اخذ کرد و ما نمی‌توانیم به استحسان، چیزی بر آن بیافزاییم.** مع ذلک می‌توان گفت که مسأله چون مربوط به فرد است و بیشتر از آن که احتمال ضرر ندهد الزام به امر به معروف، لازم نیست و تحمّل ضرر برای این که غیر، متضرّر نشود، اگر چه ضرر معنوی باشد لازم نیست. بلی اگر ترک امر به معروف یا نهی از منکر، موجب ضایع شدن حکمی از احکام و متروک شدن آن شود، آن مسأله دیگری است و تحمّل ضرر مالی و بلکه جانی، برای حفظ آن واجب است. نظیر جهاد و به مسأله امر به معروف و نهی از منکر، ارتباط ندارد.^۱

سوال: مراجع معظم تقلید برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر، شرایطی ذکر فرموده‌اند مانند ((احتمال تاثیر)) و ((علم به معروف و منکر)) و ((نداشتن مفسده اهم)) و ((استمرار گناه)). حال اگر شخص غیرمتخصص و غیرمجتهد، شرایط دیگری را از خودش اضافه کند(مثلا سن و سال؛ جنسیت؛ محرم بودن؛ عامل و عادل بودن و...) آیا این کار (اضافه کردن شروط توسط افرادی غیر فقیه)، بدعت در دین و حرام نمی‌باشد؟

حضرت آیت‌الله‌العظمی موحّدی نجفی: اتحاد در جنسیت و نوعیت از شرایط امر به معروف و نهی از منکر نمی‌باشد و مسائلی را که می‌داند جزء دین نیست جزو دین قرار دهد بدعت است.

حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی: وجوب امر به معروف و نهی از منکر شرایطی دارد که در رساله بیان شده است و اضافه کردن شرایط دیگر بدون دلیل شرعی جایز نیست.^۲

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای: اگر بعنوان حکم خدا باشد جایز نیست.^۳

۱ - کتاب مجمع المسائل معظم له ص ۵۱۸
 ۲ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۹۴۰۴۱۵۰۲۳۷
 ۳ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۸aaAcba۸۸۶۹۶۰۲۵۷۰ea۳۵cbb۵۸۰ea۸a۶۰

حضرت آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی: اگر شرط‌های اضافه را به دین نسبت بدهد، بدعت حساب می‌شود.^۴





درس هشتم

نکات تکمیلی احکام امر به معروف و نهی از منکر

اهداف درس:

انتظار می رود پس از فراگیری این درس، نتایج ذیل برای خواننده محترم حاصل گردد:

۱. اشراف علمی برای توضیح ظرافتهای احکام امر به معروف و نهی از منکر
۲. تشریح حالات مختلف وظایف مکلفین در قبال معاصی خاص
۳. تبیین اصطلاحاتی مانند حرج، استعلا و... و نسبت این اصطلاحات با فریضتین
۴. شناخت و شناساندن موارد عدم جواز تذکر و قدرت تحلیل فلسفه عدم جواز

فریضه امر به معروف و نهی از منکر نیز همچون سایر واجبات اسلام، ظرافتهایی دارد که از باب کثرت ابتلا بر مکلفین واجب است آنها را بیاموزند.

در این درس قصد داریم به بیان مهمترین و پرکاربردترین این مسائل بپردازیم.

حالات مختلف جواز و عدم جواز آسیب زدن به اموال شخص عاصی

استاد شهید آیت الله مرتضی مطهری (ره) ، با اشاره به افراط های صورت گرفته در امر به معروف و نهی از منکر در تاریخ اسلام تاکید میکند که :

آن قدر که اسلام از امر به معروف و نهی از منکر های غلط ، ضربه خورده است؛ از بی تفاوتی ها ، آن قدر ضربه نخورده است.^۱

آری! به راستی که بهترین حمله به یک دین و آیین ، بد دفاع کردن از آن دین است. کسی که داعیه امر به معروف و نهی از منکر دارد و پاسداری از شریعت اسلام را قصد نموده است، باید خطوط قرمز و حدود الهی را در این فریضه بشناسد و جامه عمل بپوشاند.

یکی از مصادیق مهم افراط و زیاده روی در جلوگیری از معاصی، تخریب اموال و آسیب زدن به آلات و ابزار و لوازم و حتی عرض و آبرو و احیانا جسم و جان گناهکار است. این اعمال ، هر یک در مراتبی از امر به معروف و نهی از منکر، جایز و در برخی مراتب، حرام هستند که به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

حالات مختلف آسیب زدن به اموال معصیتکار برای نهی از منکر :

الف - اگر دفع منکر به وقوع ضرری بر فاعل منجر شود ، مانند شکستن کاسه یا چاقوی او بطوری که از لوازم دفع منکر باشد، بعید نیست ضامن نباشد.^۲

ب - اگر مثلا شیشه‌ای را که در آن شراب است یا صندوقی را که در آن آلات قمار می باشد بشکند که از لوازم جلوگیری از منکر نباشد، ضامن می باشد و کار حرامی

۱ . مجموعه آثار استاد مرتضی مطهری (ره)

۲ . تحریرالوسیله امام خمینی (ره)

کرده است.^۱

ج - اگر در جلوگیری از منکر، از مقدار لازم (در آسیب زدن به اموال) تجاوز کند و به ضرری بر فاعل منکر منجر شود، ضامن می باشد و تجاوز از مقدارش، حرام می باشد.^۲

از بین بردن آلات و لوازم معصیتکار، جایز نیست؛ مگر آنکه مالیت شرعی نداشته باشد^۳ (مانند ظرف شراب) و یا از اموالی باشد که نهی از منکر، متوقف بر تصرف در آن یا تخریب آن است^۴؛ یعنی روش آسان تری برای جلوگیری از منکر وجود نداشته باشد. در کلیه این موارد نیز باید مراعات اهم و مهم را بنماید و به کمترین تخریب ممکن بسنده نماید. پس اگر اموالی را آسیب زد که شرعا مالیت داشته باشد، ضامن است.^۵

بهتر است در این موارد، از مجتهد جامع شرایط کسب تکلیف شود. به عنوان مثال اگر کسی آلات قمار یا سی دی موسیقی حرام بفروشد و کسی بخواهد آن ابزار را به زور از او بگیرد، احتیاج به اجازه حاکم شرع دارد.^۶

به طور کلی مراتب امر به معروف و نهی از منکر، اگر متوقف بر تصرف در نفس یا مال کسی که فعل حرام را به جا آورده نباشد، احتیاج به کسب اجازه از کسی ندارد، بلکه این مقدار بر همه مکلفین واجب است. ولی مواردی که امر به معروف و نهی از منکر متوقف بر چیزی بیشتر از امر و نهی زبانی باشد، اگر در سرزمینی باشد که دارای نظام و حکومت اسلامی است و به این فریضه اسلامی اهمیت داده می شود، احتیاج به اذن حاکم و مسئولین ذیربط و پلیس محلی و دادگاه های صالح دارد.^۷

۱ . تحریرالوسیله امام خمینی(ره)

۲ . تحریرالوسیله امام خمینی (ره)

۳ . دفتر حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی

۴ . کتاب صراط النجاه اجوبه الاستفتائات آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی ج ۲ سوال

۸۶۷

۵ . کتاب استفتائات ضامن آیت الله منتظری سوال ۱۰۱

۶ . کتاب استفتائات آیت الله العظمی مکارم شیرازی سوال ۱۳۵۷ و دفتر حضرت آیت الله

العظمی سید کاظم حسینی حائری

۷ - اجوبه الاستفتائات حضرت آیت الله العظمی خامنه ای سوال ۱۰۵۵

تفاوت "نهی منکر" با "نهی از منکر" به عنوان دو فریضه مستقل^۸

هر مسلمان ، نسبت به وقوع معصیت ، دو وظیفه و تکلیف جداگانه دارد. وظیفه اول، کمک نکردن و عدم تعاون در اثم است. و تکلیف دوم، جلوگیری از عصیان و گناه.

متأسفانه بسیاری از مردم، کمک نکردن خویش به گناه سائرین را به عنوان نهی از منکر تصور می کنند و از انجام این واجب بزرگ الهی سر باز می زنند. نهی از منکر ، اعانت نکردن به گناهکار و عدم شراکت در مجلس و لوازم معصیت او است؛ اما نهی از منکر یعنی علاوه بر نهی، جلوگیری از گناه نمودن و مانع شدن بر راه معصیتکار. اینها دو واجب مستقل هستند که هیچکدام جای یکدیگر را نمی گیرد.^۹

موارد جواز به تاخیر انداختن تذکر

امر به معروف و نهی از منکر برخلاف نماز و برخی عبادات دیگر، واجب فوری است و بر مسلمین تکلیف است که به محض مشاهده یا علم به وقوع منکر - با اجتماع سایر شرایط - اقدام به نهی کنند.

لکن مراجع معظم تقلید، دو استثناء برای این امر بر شمرده اند. به دیگر سخن، در دو موضع، تاخیر انداختن تذکر، جایز (و حتی گاهی واجب) می گردد.

۱- هنگامی که با تاخیر در تذکر، احتمال مفسده و خطر، تا حد قابل ملاحظه ای کاهش یابد.

۲- هنگامی که با تاخیر در تذکر، احتمال تاثیر ، تا حد قابل ملاحظه ای افزایش یابد.

البته دو بند فوق مشروط به آن است که با تاخیر در تذکر، مفسده بزرگتر و محذور دیگری را ایجاد نکند. لذا تاخیر در تذکر اگر باعث عدم تاثیر یا وقوع معصیت قبل

۸ . برگرفته از کتاب سلوک عاشورایی آیت الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی. (ره)

۹ . تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (مائده / آیه ۲)

از تحقق این فریضه شود، جایز نیست.^۱

استفتاء:

امر به معروف و نهی از منکر، واجب موسع است یا مضیق؟ آیا می توانیم تذکر به گناهکار را به تأخیر بیندازیم؟

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی: نه موسع است نه مضیق بلکه واجب فوری است.^۲

حضرت آیت الله العظمی سیستانی: چنانچه تأخیر انداختن تأثیر بیشتر داشته باشد، به تأخیر بیاندازید.^۳

حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای: اگر تأخیر آن موجب تکرار یا ادامه گناه یا مفسده دیگر نشود، تأخیر اشکال ندارد. در غیر این صورت فوری می باشد.^۴

حضرت آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی: امر به معروف و نهی از منکر واجب موسع است به شرطی که در اثر تأخیر، بی اثر نشود و همچنین در زمان تأخیر، شخص، ترک معروف یا انجام حرام نداشته باشد؛ و الا تا قبل از ارتکاب بعدی حرام یا ترک معروف، این دو فریضه را باید انجام داد.^۵

حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی: اگر صبر کردن و انتظار فرصت بهتر میتواند تأثیر بیشتری در امر به معروف و نهی از منکر داشته باشد و یا مفسده ای نداشته باشد صبر کردن مانعی ندارد و اما اگر صبر کردن هیچ اثری ندارد و یا احتمال میدهد فرد از دسترس شما خارج شود و شرایط دیگر برای امر به معروف و نهی از منکر فراهم است باید فوراً این واجب الهی انجام گیرد.^۶

از منظر فقه، تذکر با کدام شیوه مطلوب تر است؟

۱. استفتاء از دفتر حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی با کد ۱۸۸۲۰
۲. استفتاء از دفتر معظم له با کد ۹۴۰۳۲۹۰۳۲۶
۳. استفتاء از دفتر معظم له با کد ۳۴۴۸۷۹
۴. استفتاء از دفتر معظم له با کد aAfdd۳b۲۶۱۴b۶۶۹۷۵.cc۳۳d۹۳۷Yeaab۸
۵. استفتاء از دفتر معظم له با کد ۱bd۶۵۰۶۴۰۶
۶. دفتر معظم له

اگرچه امر به معروف و نهی از منکر فریضه ای است که نیاز به ابتکار عمل، خلاقیت و نوآوری در روش اجرا دارد و ما نیز در درس های آینده با برخی از روش های آن آشنا خواهیم شد؛ اما سوال مهم اینجاست که به راستی کدام روش ها برای انجام تذکر توصیه می شود و کدام روش ها دارای اولویت کمتری می باشد؟

در نگاه احکام، آنچه اصالت دارد، روش تذکر نیست؛ بلکه اصل، افزایش احتمال تاثیر و کاهش احتمال مفسده و خطر است. بدین معنا که گفته اند همواره روشی استخدام گردد که احتمال تاثیر گذاری آن در شخص مامور یا منهی نسبت به آن منکر مدنظر، بیشتر باشد.

لذا ممکن است امر نسبت به گناهی ثابت و مشخص، برای یک عاصی روش شماره ۱ را برگزیند و برای عاصی دیگر، روش شماره ۲ را انتخاب نماید. یا نسبت به شخصی معلوم، برای نهی منکر اول، یک شیوه را؛ و برای نهی منکر دوم از همان شخص، شیوه دیگری را استفاده کند. و تشخیص این به عهده خود مکلف (امر به معروف و ناهی از منکر) می باشد.^۷

شخص خاص، برای منکر خاص، وظیفه خاص دارد^۸

در اسلام، قدرت، شرط تکلیف است و عسر و حرج، مانع تکلیف. همچنین در فریضه امر به معروف و نهی از منکر، وجود دو شرط با عنوان "احتمال تاثیر" و "عدم مفسده اهم"، در وجوب یا عدم وجوب فریضه بر مکلف، نقش دارند.

لکن مطابق نظر مراجع معظم تقلید، چنانچه شخص امر و ناهی، از اشخاصی باشد که مردم دین خود را از او می گیرند یا او را نماد و زبان دین می پندارند؛ و از طرفی منکر واقع شده نیز از منکرات قبیحه ای باشد که شارع به هیچ عنوان راضی به انجام و ارتکابش نیست، چنین شخصی در چنین شرایطی تکلیف خاصی (فراتر از تکلیف همیشگی سایر مسلمین نسبت به سایر منکرات) خواهد داشت و آن تکلیف، بدین شرح است که باید اولاً، ملاحظه احتمال اثر را نکند؛ در ثانی ملاحظه ضرر و خطر را ننماید و ثالثاً، عسر و حرج در امر و نهی را مسقط تکلیف

۷ . تحریرالوسیله امام خمینی (ره) و رساله جامع آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

۸ . کتاب سلوک عاشورایی آیت الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی و رساله جامع آموزش تخصصی امر به معروف و نهی از منکر

خویش نداند.

این مطلب برخلاف نظر عوام، اختصاص به روحانیت ندارد. بلکه در هنگامی که احکامی از اسلام درحال اندراس یا معروف و منکر درحال جابجایی در جامعه اسلامی باشند و یا بدعت ها ، ظلم ها و معاصی بزرگ در حال انجام باشد؛ بر منتسبان به دین که علم به آن موضوع دارند؛ واجب است بی ملاحظه قیام نمایند تا سکوتشان، امضای رضایت دین تلقی نشود و خلاق ، مخالفت ایشان را با آن منکر بدانند؛ ولو آنکه یقین به عدم تاثیر و وقوع خطر بر جان و مال خویش داشته باشند و حرج و مشقت فراوان نیز داشته باشد.

قیام اباعبدالله الحسین(ع) و تربیت یافتگان مکتب اهلبیت(ع) همچون اباذر غفاری ، امام خمینی(ره) آیت الله نمر باقر النمر و بسیاری دیگر از این مردان خدا، از این قبیل است.

موارد حرمت امر به معروف و نهی از منکر (امر و نهی های حرام)

امر به معروف و نهی از منکر، مثل بسیاری از واجبات، دارای موارد جواز و عدم جواز و نیز، موارد وجوب و عدم وجوب است و بر هر مکلف واجب است تا این موارد را بیاموزد که در امر و نهی خویش به اشتباه نیفتد.^۱

آری! همانگونه که روزه ماه رمضان واجب است و روزه عید سعید فطر، حرام اعلام می گردد؛ برای امر به معروف و نهی از منکر نیز موارد حرمتی وجود دارد که باید انسان مسلمان، آن موارد را بشناسد و از تذکر در آن مواضع، پرهیز نماید. ما به برخی از این موارد اشاره می کنیم:

۱- مواضعی که اولین شرط از شرایط چهارگانه وجوب فریضه (علم به معروف و منکر) ، احراز نگردد. یعنی وقتی که اطمینان از منکر بودن عمل انجام شده نداشته باشیم. یا عملی ترک شده باشد و ما یقین به معروف بودن آن نداشته باشیم. به عنوان مثال، اگر مساله ای باشد که دارای اختلاف فتاوا میان مراجع تقلید است و ما مرجع تقلید شخص مخاطب را نمی شناسیم. نمی دانیم که مرجع وی، این عمل را حرام می داند یا جایز. گاهی نیز در تشخیص مصداق دچار

۱ . تحریرالوسیله امام خمینی (ره) جلد ۲ صفحه ۲۹۳ مساله ۸

سوءظن و خدای ناکرده مرتکب تهمت می شویم.

معذور بودن شخص در انجام معصیت نیز مصداق همین بند می باشد و چنانچه عذر شرعی بر ترک یا انجام فعلی دارد که بر سایرین واجب یا حرام است، تذکر به وی جایز نیست.

لذا چنانچه اطمینان و یقین به وقوع منکر نداشته باشیم، حق انجام امر به معروف و نهی از منکر در آن مصداق خاص را نداریم.^۲

۲- مواردی که چهارمین شرط از شرایط وجوب فریضه (عدم مفسده اهم) برقرار نباشد؛ یعنی معصیت کوچک باشد و خطر و مفسده تذکر، زیاد باشد. مثلاً به کسی که اسلحه در دست دارد تذکر دهیم که چرا زباله خوراکی هایش را بر روی زمین می ریزد و خیابان را آلوده می کند!

همان طور که قبل تر گفته شد باید در موارد خطر و ضرر، ملاحظه اهمیت منکر و خطر احتمالی ناشی از تذکر بشود و چنانچه معصیت بزرگ باشد و خطر ناشی از تذکر، درمقایسه با آن معصیت، کم باشد؛ واجب است امر به معروف و نهی از منکر کنیم.

۳- ایذاء در امر به مستحبات و نهی از مکروهات

اذیت و آزار و ناراحت نمودن مومن، حرام است؛ مگر کمترین میزان اجتناب ناپذیر آن از باب امر به معروف و نهی از منکر (آن هم در امر نمودن به واجبات و نهی نمودن از محرّمات).

نتیجه آنکه برای امر نمودن به مستحبات یا نهی نمودن از مکروهات، نمی توان از وسیله حرام (مثل ایذاء) بهره برد. چرا که امر به مستحبات و نهی از مکروهات، مستحب هستند. پس برای واداشتن دیگران به انجام اعمال مستحب و بازداشتن ایشان از اعمال مکروه، هیچگونه خشونت و تندی و ایجاد دلخوری جایز نیست و باید این کار را با نهایت لطافت و لیانت انجام داد.^۳

۴- مراعات نکردن "الاسهل فالاسهل"

۲ . لایجب ، بل لا یجوز... تحریرالوسیله امام خمینی (ره)

۳ . رساله جامع آموزش تخصصی احکام و استفتائات امر به معروف و نهی از منکر

از دیگر موارد حرام بودن تذکر، بسنده نکردن به اخفّ درجه ایذاء و کدورت است. آنچه امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله با عنوان "الایسر فالایسر" نیز از آن یاد می کنند و به معنای صعود تدریجی در مراتب و مراحل امر به معروف و نهی از منکر از رقیق تر به غلیظ تر و از نرم تر به خشن تر است.

کوتاه سخن آنکه اگر اقامه معروف متروک یا ازاله منکر موجود، با مرتبه پایین تر تذکر حاصل می گردد، استخدام شیوه ای از مراتب بالاتر برای امر و نهی، جایز نیست. زیرا شارع مقدس قصد نموده است که برادری و رحمت میان مسلمانان به هیچ عنوان - مگر به حد ضرورت از باب امر به معروف و نهی از منکر - مخدوش نگردد.

به عنوان مثال اگر کسی با نصیحت و قول لّین اصلاح می شود، نباید بر سر او فریاد کشید و اگر کسی با فریاد اصلاح می شود، نباید او را مضروب یا زندانی نمود.

مهمترین معروف ها و منکرها از نگاه فقه اسلام

عالم محضر خداست و نافرمانی خدا، اعم از کوچک و بزرگ، ناپسند و زشت است؛ از این رو دین مبین اسلام، ارتکاب صغایر را بایی برای ارتکاب کبایر دانسته و ما را از انجام هر خطایی هرچند کوچک، منع می نماید.

تا آنجا که در روایات وارده از رسول خدا(ص) می خوانیم:

لَا تَنْظُرُ إِلَى صَغْرِ الْخَطِيئَةِ وَلَكِنْ انْظُرْ إِلَى مَنْ عَصَيْتَ^۱

به کوچکی گناهت نگاه نکن! به عظمت کسی بنگر که معصیتش کردی!

و نیز امام رضا (ع) فرموده اند:

الصَّغَائِرُ مِنَ الذُّنُوبِ طُرُقٌ إِلَى الْكِبَائِرِ مَنْ لَمْ يَخَفِ اللَّهَ فِي الْقَلِيلِ لَمْ يَخَفْهُ فِي الْكَثِيرِ^۲

۱ . مستدرک الوسائل جلد ۱۱ صفحه ۳۴۹

۲ . عیون اخبارالرضا(ع) جلد ۲ صفحه ۱۸۰

گناهان کوچک، زمینه ی گناهان بزرگ است.

هر که در گناه کوچک از خدا نترسد، در گناه بزرگ هم از خدا نخواهد ترسید.

با این همه برخی منکرات به دلایلی برای جامعه اسلامی خطرناک تر و پیراستن امت از آنها ضروری تر است که اجمالاً به برخی از معیارهای تشخیص آنها اشاره می کنیم:

۱- گناهان علنی

در اسلام، کوچکترین معاصی چنانچه علنی و متظاهراً انجام گردد، موجب تجری بر مولا و تخدیر اجتماع خواهد شد. لذا چنین معصیتی به مراتب خطرناک تر است از معصیت بزرگی که در خفا و به دور از انظار عموم انجام شود.

نبی مکرم اسلام (ص) می فرماید:

إِنَّ الْمَعْصِيَةَ إِذَا عَمِلَ بِهَا الْعَبْدُ سِرًّا لَمْ تَضُرَّ إِلَّا عَامِلَهَا،
وَ إِذَا عَمِلَ بِهَا عَلَانِيَةً وَ لَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ أُضْرَتْ بِالْعَامَّةِ^۳

اگر عیدی معصیت کند و این در خفا و پنهانی انجام شود، مسلماً ضرر آن گناه، متوجه به شخص عامل معصیت است و ضرری را متوجه دیگران نمی کند. اما اگر بنده ای به نحو آشکار معصیت انجام بدهد به همه ضربه می زند.

می توان گفت معصیت علنی، همانند میکروب مُسری و واگیردار است که همه باید از آن پرهیز و با آن مبارزه کنند؛ هرچند ضرر آن اندک باشد.

۲- گناهان کبیره

در متون و مضامین دینی، برخی از گناهان مانند شرک، ناامیدی از رحمت خدا،

۳ . بحارالانوار جلد ۱۰۰ صفحه ۷۴

زنا، قتل، شرب خمر، قمار، دروغ، خیانت، حرامخواری، ربا، ترک امر به معروف و نهی از منکر، کمک به ظالم، عقوق والدین، قتل و... به عنوان گناهان کبیره معرفی شده اند که قطعاً در اولویت نهی از منکرات، لازم است مورد توجه قرار گیرند.

تذکر مهم: منظور از بیان اولویت در معروف ها و منکر ها، این نیست که شرعاً اجازه داشته باشیم به برخی از آنها پردازیم و از سایر مصادیق غافل شده یا تذکر به برخی را تعطیل نماییم؛ بلکه انسان مسلمان نسبت به تمام منکرات اطراف خویش، مسئول است و باید به شیوه های مختلف و با مراعات آداب آن، در حد توان، امر به معروف و نهی از منکر نماید.

۳- معروف ها و منکر هایی که در حال جابجایی هستند

گاهی در جامعه اسلامی، اوضاع به حدی بحرانی می شود که بر اثر ترک امر به معروف و نهی از منکر، تدریجاً برخی گناهان عادی شده و قبح زدایی می گردد. به گونه ای که در ذهن و نگاه مردم، دیگر زشت جلوه نمی کند و در مرحله بعد، به صورت هنجار و ارزش درخواهد آمد. متقابلاً در چنین جامعه ای، معروف ها نیز، رفته رفته تبدیل به منکر و ضد ارزش خواهند شد.

در چنین موقعیتی، اسلام عزیز همه را دستور به حفظ ارزشها از راه امر به معروف و نهی از منکر می دهد چرا که بزرگترین گناهان، گناهی است که فاعلش آن را کوچک بیندارد. و این بزرگترین خطر برای اسلام و آغازی بر استحاله فرهنگی خواهد بود.

امام علی (ع) می فرمایند:

اعظم الذنوب ذنب صغر عند صاحبه^۱
بزرگ ترین گناهان آن گناهی است که نزد صاحبش
کوچک باشد
وصاحبش آن گناه را بی اهمیت شمارد

و نیز فرموده اند:

۱ . میزان الحکمه باب ذنب

اشد الذنوب عندالله، ذنب استهان به راکبه^۲
 سخت ترین گناهان پیش خداوند آن گناهی است که
 مرتکبش آن را سبک و بی اهمیت بشمارد
 ۴- منکرات جریان ساز و منکرات مسئولان

با دقت در آنچه گذشت، می توان بخشی از معاصی را اجتماعی تر از سایرین و آثار سوء آنها در جامعه را مخرب تر از برخی دیگر برشمرد. به عنوان مثال، رواج تمسخر اقوام و قبایل، دامن زدن به اختلافات مذهبی، بی تفاوتی نسبت به گناه دیگران، سخت گیری های بی مورد در ازدواج، بدحجابی و بی حجابی، کینه و عداوت از گناهانی هستند که علاوه بر مضرات و آلودگیهای ذاتی خویش در جامعه، زمینه ایجاد گناهان بسیار دیگری را نیز فراهم می کنند. بنا بر این هرچه گناهان از جنبه فردی دورتر شده و ساحت اجتماعی به خود می گیرند، خطر آنها بیشتر متوجه اسلام و مسلمانان خواهد شد.

از این میان، منکرات مسئولان و اداره کنندگان جوامع (اعم از اجتماعات کوچکی چون خانواده و محله و مدرسه و اجتماعات بزرگی چون وزارتخانه و استان و کشور)، قطعاً تاثیر بسیاری در تضعیف اعتماد و اعتقاد مردم خواهد داشت. گرچه ما نباید خطای شخص یا اشخاص را به حساب دین و مسلک آنان بنگاریم؛ اما مسئولیت ایشان از باب مراقبت و محافظت خویش از گناه، صدچندان است.^۳

مردم نیز برای محافظت و صیانت مسئولان از گناه و خطا، مسئول اند و اسلام از مردم می خواهد تا همه، مسئولان و متولیان اداره جامعه خویش را با مطالبات حق و امر به معروف و نهی از منکر مستمر و صحیح در سطح وسیع و عمومی یاری نمایند.

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای در این زمینه می فرمایند:

امر به معروف و نهی از منکر حوزه های گوناگون دارد که مهم ترینش حوزه مسئولان است؛ یعنی شما باید ما را به معروف امر، و از منکر نهی کنید. مردم باید از مسئولان، کار خوب را بخواهند؛ آن هم نه به صورت خواهش و تقاضا؛ بلکه باید از آن ها بخواهند. این مهم ترین حوزه است. البته فقط این

۲ . همان

۳ . الناس علی دین ملوکهم : کشف الغمه ج ۲ ص ۲۱

حوزه نیست؛ حوزه‌های گوناگونی وجود دارد.^۱

وجوب شرعی تبلیغ و ترویج امر به معروف و نهی از منکر

در روایات وارده از ائمه معصومین (ع) ، اقامه و ترویج امر به معروف و نهی از منکر همگانی در جامعه اسلامی ، مقدمه و پیش نیاز اقامه همه خوبیها معرفی شده است.

تا آنجا امام باقر(ع) می فرمایند:

إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَا جُ
الْصَّلِحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ
تَجَلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تَبْرُدُ الْمُظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ
الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ^۲

امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و شیوه صالحان است و فریضه بزرگی است که دیگر فرایض به واسطه آن بر پا می شود، راه ها امن می گردد و درآمد ها حلال می شود و حقوق پایمال شده به صاحبانش برمی گردد، زمین آباد می شود و (بدون ظلم) حق از دشمنان گرفته می شود و کارها سامان می پذیرد.

بر این اساس باید بدانیم که وظیفه ما نسبت به این واجب فراموش شده ، نه تنها انجام و اجرای آن در جامعه ، بلکه تبلیغ ، ترویج ، احیا و اقامه آن در میان مسلمین است. چنانکه بنیانگذار کبیر انقلاب حضرت امام خمینی (قدس سره) فرمودند:

این مملکت ، همه آحادش باید امر به معروف و ناهی از منکر باشند.

نظر خواننده محترم را به استفتائی در همین زمینه جلب می کنم:

۱ . خطبه های نماز جمعه تهران ۲۵ آذر ۱۳۷۹
۲ . کافی (ط-الاسلامیه) جلد ۵ صفحه ۵۶ حدیث ۱

سوال: آیا تبلیغ و ترویج امر به معروف و نهی از منکر هم واجب است؟

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای: بسمه‌تعالی. سلام علیکم و رحمه الله و برکاته. همانطور که امر به معروف و نهی از منکر با وجود شرایط و حفظ مراتب، وظیفه مکلفین می‌باشد، ترویج و تبلیغ این فریضه مهم اساسی و حیاتی برای کسانی که این فریضه را ترک کردند و یا نمی‌دانند واجب است. موفق و مؤید باشید.^۳

حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی: چنانچه به عنوان یک واجب، ترک شود، باید تبلیغ و ترویج گردد.^۴

حضرت آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی: اگر تبلیغ و ترویج امر به معروف، مصداق حکم امر به معروف قرار بگیرد، یعنی افراد جامعه نسبت به امر به معروف بی‌اعتنا باشند، تبلیغ و ترویج آن واجب می‌شود.^۵

حضرت آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی: احیای این فریضه الهی فرض است. باید تارک این فریضه هم امر به معروف و نهی از منکر شود. چنانچه اگر حکم این فریضه یا شرایط اجرای آن را نمی‌داند، ارشاد وی لازم است.^۶

۳ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۸ab9c2v19462d9cd

۴ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۹۴۰۴۲۸۰۱۸۱

۵ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۹۴۰۱۸۸۰

۶ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۱۸۶۴۸

چکیده

* امر به معروف و نهی از منکر تنها زمانی اجازه دارد به اموال و لوازم معصیتکار آسیب بزند که آن اموال ، مالیت شرعی نداشته باشد و یا چاره ای جز آسیب زدن به آنها برای جلوگیری از گناه، وجود نداشته باشد. مع الوصف باید به حداقل تخریب بسنده شود و اذن از حاکم شرع نیز در برخی موارد لازم است.

* ما نسبت به هر گناه ، دو وظیفه داریم: یکی کمک نکردن به گناهکار و دیگری، جلوگیری از انجام گناه او.

* امر به معروف و نهی از منکر، واجب فوری است و فقط زمانی می توان آن را با تاخیر انجام داد که احتمال کاهش خطر تا حد مطلوب یا احتمال افزایش چشمگیر تاثیر را به واسطه تاخیر بدهیم. مشروط به آنکه مفسده و محذور دیگر در میان نباشد.

* کسانی که مردم آنها را متدین می دانند، سکوتشان ، امضای رضایت دین تلقی خواهد شد. لذا چنین افرادی در هر لباس و جایگاه که باشند، باید نسبت به گناهان خاص نظیر بدعت و جابجایی معروف و منکر ، اندراس احکام اسلام، قتل، زنا و نظایر آن که شارع هرگز راضی به انجام آنها نیست، عکس العمل نشان دهند و ملاحظه اثر و خطر و عسر و حرج را نمایند.

* امر به معروف و نهی از منکر در مواردی که یقین به معصیت نداریم یا به حکم

عقل، ارزش خطر کردن ندارد، یا ایذاء بیش از حد ضرورت (مراعات نکردن آسان تر و آسان تر) انجام شود و یا امر به مستحب و نهی از مکروه با ذره ای ناراحتی باشد، جایز نیست.

* برخی ملاک های تشخیص اولویت در معروفات و منکرات عبارتند از:
۱- علنی بودن معصیت ۲- کبیره بودن آن ۳- منکرات در حال رواج و معروفات متروک
۴- منکرات جریان ساز و معصیت های مسئولان

* همانگونه که انجام امر به معروف و نهی از منکر بر همه مسلمانان واجب است، تبلیغ و ترویج این واجب مهم و اساسی نیز، واجب شرعی و تکلیف دینی است.

?

پرسش ها

پرسش های درس ششم:

- ۱- در چه صورت امر به معروف و نهی از منکر ، مجاز است اموال عاصی را اتلاف نماید؟
- ۲- تفاوت نهی از منکر با نفی منکر چیست؟
- ۳- چه زمان جایز است امر به معروف و نهی از منکر را با تاخیر انجام دهیم؟
- ۴- شخص خاص برای منکر خاص ، وظیفه خاص دارد؛ یعنی چه؟ توضیح دهید.
- ۵- چه زمان امر به معروف و نهی از منکر حرام می شود؟
- ۶- مهمترین ملاکها و معیارهای اولویت بندی معروفات و منکرات را توضیح دهید.

بیشتر بدانید

درس ششم: چند استفتاء

سوال: آیا جواب ندادن به سلام کسی که فعل حرام انجام می دهد، برای تنبیه و نهی از منکر او، جایز است؟
حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی: در صورتی که بدانید جواب ندادن موجب تنبیه و آگاهی او و ترک گناه می شود به مقدار ضرورت مانعی ندارد؛ و الا جایز نیست.^۱

حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی: جواب سلام واجب است؛ اما اگر برای ترک منکر از سوی آن شخص، راهی جز جواب سلام ندادن نباشد و آن موضوع از اهمیت بیشتر یا مساوی نسبت به ترک جواب برخوردار باشد، جایز است.^۲

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای: جواب سلام فی نفسه واجب است. ولی در صورتی که مصداق نهی از منکر باشد و راه دیگری برای نهی از منکر نباشد، اشکال ندارد.^۳

حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی: جواب دادن سلام واجب است و امر به معروف و نهی از منکر مانع از واجب شدن جواب سلام نمی شود. اگر ترک جواب سلام از مراحل امر به معروف شود و در ترک گناه گناهکار مؤثر باشد در این فرض جواب ندادن سلام گناهکار اشکال ندارد.

حضرت آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی: جایز است ترک جواب سلام گناهکار، از باب امر به معروف و نهی از منکر؛ به شکلی که باعث اصلاح شود و عرف از آن برداشت نهی و ناراحتی از منکر کند.^۴

۱ - دفتر معظم له

۲ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۱۸۲۱۱

۳ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۰۰۳۰۴۷۵۹۹۱df۲۵ab۴۷ced۷۱۵b۴dcd۲c۴

۴ - کتاب الصراط، اجوبه الاستفتائات معظم له ج ۲ سوال ۸۶۲

سوال: اگر در امر به معروف و نهی از منکر، درحالیکه با مرتبه اخف و پایین تر (مثلا تذکر لسانی)، مقصود حاصل میشود، ما مرتبه بالاتر را به کار گیریم (مثل برخورد فیزیکی)؛ این امر ونهی، چه حکمی دارد؟

حضرت آیت‌الله‌العظمی علوی گرگانی: این امر و نهی ضروری نیست و در برخی موارد جایز هم نیست و اگر موجب خسارت شود امر به معروف ضامن است.

حضرت آیت‌الله‌العظمی فاضل لنکرانی: اگر با مرتبه پایین، مثل تذکر لسانی امر به معروف اثر کند، امر معروف با خشونت بیشتر و مرتبه بالاتر که موجب مفسده می‌شود حرام است.^۱

حضرت آیت‌الله‌العظمی موحدی نجفی: باید مراتب امر به معروف و نهی از منکر مراعات شود..

حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی: امر به معروف و نهی از منکر مراتبی دارد که بعضی از این مراتب، احتیاج به اجازه حاکم‌شرع ندارد و بعضی دارد. آنچه احتیاج به اجازه حاکم شرع ندارد همان امر به معروف با زبان و دل و نصیحت کردن یا اعراض و بی‌اعتنایی و ترک مراوده نمودن است و اگر تأثیر نکرد، جایز است با کلمات تند و خشن که خالی از گناه باشد یا با توسل به زور، به این طریق که جلوی فرد گنهکار را بگیرد، یا وسایل گناه را از دسترس او خارج سازد، اقدام نماید؛ ولی اگر برای امر به معروف و نهی از منکر لازم شود که متوسل به ضرب و جرح یا اتلاف اموال و بالاتر از آن گردد در این صورت هیچ کس بدون اجازه حاکم شرع حق اقدام ندارد؛ بلکه باید اصل کار و مقدار و اندازه آن طبق ضوابط اسلامی با نظر حاکم شرع تعیین گردد.^۲

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای: جایز نیست و وظیفه شما با وجود شرایط امر به معروف و نهی از منکر امر و نهی زبانی است و مراتب بالاتر از آن موکول است به مسئولین مربوطه که می‌توانید به نهادهای ذی‌ربط گزارش دهید.^۳

حضرت آیت‌الله‌العظمی شبیری زنجانی: جایز نیست و اساسا برخی از مراتب که اگر توسط مردم انجام گیرد، موجب برهم خوردن نظم عمومی می‌شود، باید توسط حکومت اسلامی اجراء گردد.^۴

۱ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۹۴۰۱۳۴۳

۲ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۹۴۰۴۰۸۰۰۱۸

۳ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۲fccf۱۰۴۶۶۹۶۳۳۴e۷۶۹۹Ab۳b۷fYcddae۴

۴ - استفتاء از دفتر معظم له با کد ۱۹۳۴۲



درس هفتم شیوه های کاربردی امر به معروف و نهی از منکر

اهداف درس:

انتظار می رود پس از فراگیری این درس، نتایج ذیل برای خواننده محترم حاصل گردد:

۱. آشنایی بیشتر با شیوه های متنوع امر به معروف و نهی از منکر
۲. قدرت تحلیل چرایی استخدام هر شیوه در موقعیت زمانی و مکانی متناسب
۳. توان ارائه مثال های متفاوت معروفات و منکرات برای متریبان و نیز ارائه روش تذکر مقتضی
۴. افزایش مهارت انتخاب سریع و دقیق کاربردی ترین شیوه لازم از میان شیوه های متنوع

از مهمترین خلأها، کاستی ها و نواقص احیای فریضتین، کمبود الگوها و مدل‌های عملی و حتی تئوری در بحث چگونگی تذکر به شخص خطاکار است که با عنوان "شیوه‌های کاربردی امر به معروف و نهی از منکر" به آن می پردازیم.

پر واضح است که هر شخص می تواند با توجه به اقتضائات مکان و زمان و روحیات مخاطب خویش، با خلاقیت و ابتکار خود، روش های نوین فراوانی برای افزایش تاثیر تذکر ابداع و استفاده نماید.

ما در اینجا صرفا به بیان برخی از روش های پرکاربرد به قدر ضرورت امتفا می کنیم:

برخی روش هایی که ذیل مرحله اول (اظهار ناراحتی قلبی در رفتار) طرح می شوند:

۱- امر به معروف نامه ای و پیامکی

در این روش، امر یا ناهی جهت حفظ حرمت یا جلوگیری از نزاع لفظی و... تذکر خود را به صورت نامه یا پیام یا پیامک برای فرد خاطی ارسال می نماید. باید توجه داشت که نوع خطاب آن، بستگی به موضوع خطا و نسبت طرفین و... متفاوت می باشد؛ مثلا می تواند دارای محتوایی نصیحت گونه، آمرانه و تهدیدآمیز، استفهامی و... باشد.

۲- شیوه اشاره ای

در این روش، امر یا ناهی، بدون تکلم با فرد خاطی و تنها با زبان بدن، به تغییر و اصلاح عاصی می پردازد. مثلا فردی را که عمل منکری انجام داده یا حرف نامشروعی بیان کرده، با گوشه چشم نگاه می کند و سر تکان می دهد. یا در جمعی که مشغول غیبت کردن هستند، بلند بلند شروع به سرفه نموده یا صلوات می فرستد.

۳- شیوه ترک و جدایی

امر یا ناهی، به عنوان اعتراض و برای تنبّه فرد یا افراد خاطی، از جمع آنها جدا شده و یا مدتی بنا بر مصلحت، رابطه خود را با ایشان کاسته یا قطع می کند. به

شکلی که آنها متوجه علت کاهش یا قطع رابطه شده و به خطای خویش پی ببرند. مثلا در یک مهمانی که عده ای مشغول تخریب ارزش های انقلاب و تخریب دست آوردهای نظام هستند، از جمع میهمانان جدا شده و مجلس را تک نماید.

نکته مهم آن است که این روش، آخرین راه برای اعلام انزجار از معصیت است. لذا بهتر است تا حد امکان در جمع بماند و به دفاع از ارزش ها و تذکر به شیوه های دیگر نیز بپردازد.

۴- شیوه حذف محرک

گاهی مواقع، فرد خاطی فی نفسه به دنبال انجام خطا و انحراف نیست. اما در اثر تحریک و درخواست فرد دیگری به انحراف کشیده می شود. آمر و ناهی در صورت شناخت عامل محرک و حذف آن یا قطع ارتباط آن دو، می تواند فرد عاصی را از خطای خود باز دارد. به عنوان مثال، دخترخانمی ممکن است به آرایش کردن در منظر عموم، علاقه ای نداشته باشد اما یکی از آشنایان، او را مرتب تحریک و به این کار ترغیب می نماید. با قطع رابطه آن دو، مورد منکر مرتفع خواهد شد.

۵- شیوه آسان سازی

برخی از افراد که معروفي را ترک می نمایند، تصور می کنند که انجام آن بسیار سخت و دشوار است و تنها عده خاصی از عهده انجام آن بر می آیند. فردی که منکری را انجام می دهد نیز متصور است که ترک آن بسیار دشوار است. لذا آمر و ناهی برای اصلاح او بایستی چنین تصویری را در ذهن او از بین ببرند و مساله را بسیار آسان جلوه دهند. مثلا عده ای که روزه نمی گیرند، آن را کاری سخت و سنگین می دانند که با ترغیب و تشویق آنها، می توان نظرشان را تغییر داد. همچنین کاهش ساعت کاری کارمندان در ماه رمضان از سوی مدیران نیز می تواند در راستای آسان سازی مورد استفاده قرار گیرد.

۶- شیوه هنری:

شخص آمر یا ناهی در این روش، بدون تکلم و اشاره مستقیم، بلکه تنها با استفاده از یک ابزار هنری مانند یک قطعه فیلم یا کلیپ صوتی و تصویری، نقاشی، کاریکاتور و ... می تواند پیام خود را به فرد گنهگار القا نماید. مثلا درباره آثار حفظ

حجاب، تنها تصویری از یک شکلات بدون پوسته را که مگس ها روی آن نشسته اند، در کنار تصویر یک شکلات درون پوسته که محفوظ می باشد، در مقابل دیدگان فرد خاطی قرار دهد.

۷- شیوه نمادین

فرد آمر یا ناهی با استفاده از نمادها و علائم معین شده و معنی دار، به تغییر فضا و تنبیه فرد خاطی می پردازد. مثلاً در جمعی که مشغول به بازی بوده یا در مهمانی دور هم نشسته و از نماز غافل شده اند، اقدام به وضو گرفتن کرده، چند سجاده پهن کند و مهرهای نماز را در مقابل ایشان قرار دهد.

۸- شیوه جمعیت غالب

آمر یا ناهی برای رفع منکر یا ترویج معروف، باید سعی کنند زمینه حضور افراد پایبند به ارزش ها که در زمینه موردنظر از لحاظ ظاهر، چشمگیر می باشند را در محیط خود افزایش دهند تا افرادی که دچار خطا هستند، تعدادشان اقل گردد و در بین اکثریت محو شوند تا سعی کنند خود را با اکثریت همراه نمایند. در نتیجه چنین تصور نشود که آن خطا، مقبولیت اجتماعی پیدا کرده است.

۹- شیوه سکوت

در این روش، آمر یا ناهی با سکوت خود و عدم حمایت، مخالفت خود را علناً با خطاکار ابراز می دارد تا هم وی متوجه اشتباهش شود و هم اطرافیان و ناظران بفهمند که سکوت آمر و ناهی، از باب تذکر و ابراز ناراحتی بوده است. این روش معمولاً هنگامی استفاده می شود که شخص گنهکار، منتظر تایید و ادامه صحبت از طرف آمر یا ناهی باشد.

۱۰- شیوه رسانه ای

گاهی برای احیای یک معروف یا جلوگیری از یک منکر لازم است تا آن مساله به صورت یک معضل اجتماعی یا یک مساله ویژه مطرح شود و جامعه و مسئولان را در مقابل آن موضوع، به حرکت وادار کنید. یکی از بهترین ابزارها برای این امر، کشاندن مساله به رسانه ها و مطبوعات است تا به واسطه درگیر نمودن افکار

عمومی و مطالبه همگانی، بتوان سریعتر نتیجه گرفت. این رسانه ها حتی می توانند نشریه داخلی یک اداره یا یک صنف باشند.

۱۱- شیوه تعجبی

در این روش، امر یا ناهی با ابراز تعجب خود، با حرکت صورت و بدن یا حتی اظهار لفظی آن مانند نهج نهج گفتن، حرکت خطا را کاملا ناباورانه و غیرمنتظرانه جلوه می دهد. به طوری که شخص گناهکار به فکر فرو رود که چرا این عمل ناپسند و عجیب را انجام داده است.

برخی روش هایی که ذیل مرحله دوم (لسانی) طرح می شوند:

۱- شیوه تذکر ساده

مثلا به کسی که در بحث با دیگران خودنمایی (مراء) می کند، بگوییم مراء نکن و یا به کسی که در جواب سلام دیگران می گوید سلام از ماست بگوییم: جواب سلام واجب است و شما جواب سلام ما را ندادید و یا به کسی که وسواسی است بگوییم: وسواس خود را ترک کن و به آن اعتنا نکن.

نمونه امر و نهی ساده

مردی به امام حسین(ع) رسید. قبل از هر چیز گفت: حالت چطور است خداوند سلامتی دهد. امام (ع) فرمودند: سلام کردن بر سخن گفتن مقدم است؛ خداوند به تو سلامتی دهد. آنگاه فرمودند: به کسی اجازه سخن ندهید تا اول سلام کند.

۲- شیوه صریح

مانند تلنگر و نهیب است. مثلا با صراحت تمام به گنهکار امر و نهی دینی می کند. مثلا به کسی که شراب می خورد بگوییم: شراب نخور که پیامبر فرمود: «شارب الخمر کعابد الوثن» شراب خوار مانند بت پرست است. یا به کسی که لباس جنس مخالف خود را پوشیده است، با لحن قاطع بگوییم:

لباس خاص جنس مخالف را به تن نکن! و یا به پیمان شکن بگوییم: به عهد خود وفادار باش.

نمونه امر به معروف صریح:

روزی عایشه از زنی نام برد و در ضمن سخن خود گفت: او کوتاه قداست. پیامبر(ص) صراحتاً فرمودند: غیبت او را کردی.

۳- شیوه تاکیدی

برخی گنهکاران سخن تذکر دهنده را جدی نمی گیرند و یا به خاطر اراده ی ضعیف و یا مشغله فراوان و سهل انگاری، آن را فراموش می کنند . در امر به معروف تاکیدی سخن را به جای یک بار ، دو یا سه بار بیان میکنیم و یا از کلماتی نظیر حتما مراعات کنید ، همواره به یاد داشته باشید، جدی بگیرید وامثال آن بهره می گیریم. نمونه امر به معروف تاکیدی :

ام خالد از شیعیان متعهد و صالح زمان امام صادق (ع) بود. روزی بر آن حضرت وارد شد و عرض کرد : فدایت شوم من به بیماری معده مبتلا شده ام و اطبای عراقی شراب و آرد گندم را بر من توصیه کرده اند تا خود را به آن مداوا نمایم. امام صادق (ع) فرمودند: چه چیز تو را از آشامیدن آن منع میکند؟ ام خالد عرض کرد :اطاعت از شما. امام (ع) فرمودند :یک قطره ی از آن را نجش. نه! والله اجازه نوشیدن یک قطره از را نمی دهم. اگر خوردی به هنگام مرگ پشیمان خواهی شد. آنگاه سه مرتبه فرمود : فهمیدی ؟ و ام خالد عرض کرد: بله!

۴- شیوه اعتراضی

در تذکر اعتراضی به جای امر و نهی به گنهکاران بصورت صحیح اعتراض می شود .

مثلا به کسی که ظلم می کند بگوییم : تو که می دانی ظلم گناه بزرگی است، چرا ظلم می کنی ؟ و یا به کسی که کم فروشی می کند بگوییم : مگر نمی دانی که خداوند در قرآن فرموده است : «وای بر کم فروشان» پس چرا کم فروشی می کنی ؟

و یا به زنی که بخاطر جلوه گری در جامعه مورد یاوه گویی قرار می گیرد، بگوییم: اگر با این وضعیت حرام بیرون نمی آمدی مورد هتک حرمت قرار نمی گرفتی .

یا به شیعه ای که آشکارا در جامعه گناه می کند بگوییم: امام صادق (ع) فرمود «زینت ما باشید مایه ی ننگ ما نباشید.» شما به این گناه علنی موجب ننگ امام (ع) نشدی؟ اینگونه زینت امام صادق (ع) می شوی؟

نمونه امر به معروف اعتراضی:

یکی از ارادتمندان امام خمینی(ه) میگوید : یک بار در جماران به محضر ایشان رسیدم ،یکی از مسئولین مملکتی برای انجام کارهای جاری به خدمت امام رسید و پدرسالخورده اش نیز همراه او بود وقتی خواست به حضورامام برسد جلوتر از پدر حرکت کرد وپس از تشریف به خدمت امام ، پدرش را معرفی کرد . امام هم نگاهی به آن مسئول کرده و فرمودند: این آقا پدر شما هستند ؟ عرض کرد: آری ! امام خمینی(ره) فرمودند: پس چرا جلوی او راه افتادی و وارد شدی ؟

۵- شیوه تاییدی

(تایید خوبی های گنهکار و سپس امر و نهی)

با تایید ، مخاطب اولاً به تذکر دهنده خوش بین می گردد و ثانياً به انصاف او که خوبی هایش را نادیده نمی گیرد اطمینان پیدا می کند و با این دو ویژگی، جایی برای سوء تفاهم وذهنیت های منفی برای او باقی نمی ماند و غالباً تسلیم می شود.

این شیوه امر به معروف برای شخصی که ذهنیت منفی دارد مفید است . البته امر به معروف تاییدی برای همه مفید است اما حالت چاپلوسی و تعاریف بیجا مناسب نیست.

مثلاً به دانش آموز متدینی که به وظایف درسی خود عمل نمی کند بگوییم : شما دانش آموز متدینی هستی؛ اما درس خواندن شما خوب نیست و باید تلاش

بیشتری داشته باشی.

یا به کسی که گرانفروشی می کند بگوییم : نظم و نظافت شما در مغازه دوست داشتنی و قابل تقدیر است اما گرانفروشی شما مردم را ناراحت کرده است. اگر این عیب هم رفع شود، فروشنده ی نمونه ای خواهید بود.

به مداحی که با صدای خوب مداحی ضعیف و یا غلوآمیز می کند بگوییم : صوت شما برای مداحی خوب است و این نعمت بزرگی است که خداوند به شما داده است؛ اما محتوای مداحی شما خوب نیست و باید از اشعار خوب ، وقایع مستند و مطالب صحیح و سازنده استفاده کنید.

نمونه امر به معروف تاییدی:

خانمی با چادر مشکی در خیابان بر حجاب خود مسلط بود و از نامحرم رو گرفته بود؛ اما جوراب های نازک و نامناسب پوشیده بود. یک روحانی که در حال عبور بود، به او گفت: شما حجاب خوبی دارید و قابل تقدیر است؛ اما این جوراب های نازک نه در شان شماست و نه تناسبی با حجاب خوب شما دارد. آن خانم هم از تذکر استقبال کرد .

۶- شیوه تعلیلی

برخی گنهکاران اگر فلسفه و علت معروف و منکر را بدانند، پذیرش بیشتری خواهند داشت. مثلاً به کسی که پر خواب است بگوییم : کمتر بخواب. چون پیامبر(ص) فرمودند: از پر خوابی پرهیزید که در روز قیامت فقیر می شوید. یا به کسی که خوراکیهای مضر مصرف می کند، مضرات آن را گوشزد نماییم.

نمونه امر به معروف تعلیلی :

صفوان جمال شترانش رزا به هارون الرشید کرایه داده بود. امام کاظم به او فرمود: آیا می خواهی هارون در دستگاه خود باقی بماند تا کرایه ی تو را بدهد ؟ عرض کردم : آری ، فرمودند : هر کس که بخواهد آنها باقی بمانند از آنهاست و هر کس که از آنها باشد در آتش جهنم است.

۷- شیوه خطاری

اعلام خطر تذکر دهنده به خطاکار، مانند پلیس یا تابلوهای راهنمایی و رانندگی است که او را از سقوط در دره ها و ایجاد تصادفات بر حذر می دارد.

مثلا به کسی که در خانه بد اخلاقی می کند بگوییم: انسان بد اخلاق شب اول قبر سختی را در پیش رو دارد.
یا به کسی که پدر و مادر خود را می آزارد بگوییم: آثار عاق والدین در دنیا هم گریبانگیر انسان می شود

نمونه امر به معروف خطاری:

دلکی عباى امام سجاد را برای خندانند از دوششان برداشت.ایشان فرمودند: برای خداوند روزی است که در آن بیهوده کاران خسارت می بینند.

۸- شیوه انتفاعی

چون انسان به منافع خود می اندیشید، ذکر آثار مثبت و منفی کارهای خوب و بد که مورد تذکر قرار می گیرد بسیار راهگشا و مفید است .

کسی که به نماز جماعت اهمیت نمی دهد، بر نماز جماعت مواظبت داشته باشد که ثواب بسیار زیادی دارد. پیامبر اعظم (ص) فرمود: کسی که پشت سر عالمی نماز گزارد مثل این است که پشت سر رسول خدا (ص) نماز گزارده است.

یا به معصیت کار دیگری اینگونه بگوییم: اگر به گناه خود ادامه دهی اعتبار خانوادگی شما خدشه دار می شود. یا به شخصی که حجابش را رعایت نمی کند بگوییم: اگر با ظاهر گنهکاران در جامعه ظاهر شوی، مردم ذهنیت بدی از تو پیدا می کنند و ممکن است درباره تو تهمت بزنند. یا بگوییم: بسیاری از کسانی که مثل تو مرتکب این خلاف شده اند محکومیت قضایی پیدا کرده و این محکومیت موجب محرومیت های زیادی برای آنها شده است. پس برای دنیای خود هم که خیر شده است این گناه را ترک کن . یا بگوییم: به پدر و مادر خود نیکی کن که خیر

و برکت زیادی را برای تو خواهد داشت. یا به کسی که صدقه نمی دهد بگوییم که صدقه، رزق و روزی را زیاد می کند.

نمونه امر به معروف انتفاعی :

رسول خدا (ص) به مردی فرمود: موهای خود را کوتاه کن زیرا کوتاهی موها بر زیبایی تو می افزاید.

علامه طباطبایی می گوید: چون به نجف اشرف برای تحصیل مشرف شدم از نقطه نظر قرابت خویشاوندی، گاه گاهی به محضر مرحوم قاضی شرفیاب می شدم تا یک روز در مدرسه ای ایستاده بودم که مرحوم قاضی از آنجا عبور می کرد ند چون به مدرسه رسیدند، دست خود را روی شانه ی من گذاردند و گفتند: اگر دنیا می خواهی نماز شب بخوان، و اگر آخرت می خواهی، نماز شب بخوان.

۹- شیوه تحریکی

تذکر دهنده با استفاده از تحریک عواطف و ارزشهای مورد قبول و تعصبات سالم گنهگار، او را امر به معروف و نهی از منکر می کند.

مثلاً به کسی که متدین نیست و بر خلاف جوانمردی و آزرده‌گی کارهایی نظیر نیرنگ به دیگران، حق کشی، آزار به ضعیفان، تجاوز به دیگران، فریبکاری، بر باد دادن آبروی دیگران و امثال این گناهان انجام می دهد، بگوییم: اگر به دین خدا پایبند نیستی، جوانمرد و آزرده باش و از این گناه خود دست بردار.

نظیر این نهی از منکر را حضرت سید الشهداء (ع) در کربلا انجام داد و به دشمنان خود که ارتباط او و خیمه هایش را قطع کردند فرمود: وای بر شما ای پیروان آل ابوسفیان! اگر دین ندارید و از قیامت نمی ترسید، در دنیای خود آزادمرد باشید و به مردانگی و نسب خود بازگردید.

و یا به زنانی که تقوای در پوشش ندارند ولی نجابت به عنوان یک اصل مهم اخلاقی در پیش آنها جایگاه رفیعی دارد، بگوییم: یک زن



نجیب با این سرو وضع نزد نامحرم و یا در جامعه حاضر نمی شود. و یا به کسی که بدون عقد شرعی ارتباط با نامحرم پیدا کرده است اما به غیرت نگاه مثبتی دارد بگوییم: اگر دوست داری مردان اجنبی با نوامیس تو ارتباط داشته باشند با ناموس مردم ارتباط داشته باش. یا به کسی که مال یتیم را می خورد بگوییم: اگر تقدیر خداوند این باش که فرزندان تو یتیم شوند، دوست داری کسی مال آنها را بخورد؟

نمونه امر به معروف تحریکی:

سخنان تحریکی امام صادق (ع) به ابراهیم بن مهزم که با مادرش بگومگو کرده بود: ای ابامهزم! تو را با مادرت چه کار که شب گذشته با او درشتی کردی! آیا نمی دانی که شکم مادرت منزلی بود که در آن سکونت کردی و دامان او گهواره ای بود که در آن آرام گرفتی و سینه های او ظرفی بود که از آن نوشیدی؟ ابامهزم پاسخ داد: آری! امام صادق (ع) فرمودند: پس با او درشتی نکن!

۱۰ - شیوه استحيایي

امر به معروفی که سبب شرم و حیا، خجالت و شرمندگی گنهکار نزد خودش گردد.

مواردی که استفاده آنها در امر به معروف استحيایي موجبات شرمندگی است:

الف: بیان اشتراک با گنهکاران مشهور: مثلاً به کسی که معصومین (علیهم السلام) و یا متدینین را مسخره می کند بگوییم پیش از این ابوجهل هم پیامبر واصحابش را مسخره میکرد. مراقب باش با او وجه اشتراک پیدا نکنی. در اینجا نهی از تمسخر که در او تاثیری ندارد، به نهی از وجه اشتراک با گنهکاران مشهور مبدل شده است.

ب: بیان زیان رسانی گناه به دیگران: برخی گناهکاران موجب ضرر مادی یا معنوی سایرین می شوند که اگر گنهکار به آن زیان آگاه گردد شرمندگی سازنده ای به او دست خواهد داد.

روزی در مجلس عارف گرانقدر، مرحوم حاج میرزا جواد ملکی تبریزی، یکی از

حضار غیبت کرده بود. آن بزرگوار بسیار ناراحت شده و خطاب به غیبت کننده فرموده بود: چهل روز مرا به زحمت انداختی.

ج: پرسش سازنده ای از علت گناه: پرسش کارشناسانه و سازنده از ریشه گناه می تواند موجب تنبه و شرمندگی سازنده ی گنهکار گردد.

در امر به معروف استیحایی بند «ج»، بهتر است دقتی کنیم که اولاً پرسش از حریم خصوصی او نباشد. ثانیاً بهتر است سوال ما حرمت کسی را خدشه دار نکند و ثالثاً پرسش به گونه ای طرح شود که گنهکار به ریشه گناه خود که هوای نفس یا شیطان است، پی ببرد و حتی در پاسخ، به آن اشاره کند.

نمونه شیوه امر به معروف استیحایی:

وقتی در محضر رسول خدا مرد ثروتمند لباس هایش را از زیر پای مرد فقیری کنار کشید؛ رسول خدا(ص) فرمودند: ترسیدی چیزی از فقر او به تو بچسبد؟ عرض کرد: نه! حضرت فرمودند: ترسیدی که لباسهات کثیف شود؟ عرض کرد: نه! پیامبر (ص) پرسیدند؟ پس چه سببی تورا به این کار واداشت؟ مرد ثروتمند عرض کرد: یا رسول الله! من همدمی (شیطانی) دارم که هر کار زشتی را در نظرم زینت میدهد و هر کار خوبی را زشت جلوه می دهد.

۱۱- شیوه تذکر قرآنی

با توجه به تاثیرقرآن، تذکر دهندگان باید از این تاثیر گذاری بهره گیری نمود.

متناسب با گناه فرد آیه ای را از قرآن کریم انتخاب و با ذکر سوره و شماره آیه، آن را برای مخاطب خود بخوانیم و ترجمه کنیم و یا تنها ترجمه ی آن را بخوانیم. مثلاً به کسی که غیبت می کند بگوییم: قرآن می فرماید: برخی از شما غیبت بعضی دیگر را نکنید.

و یا به مردی که به زنان نامحرم نگاه می‌کند، بگوییم: قرآن می‌فرماید: «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم» یعنی به مومنان بگو چشمهای خود را فرو بندند .

و به زنی که به مردها نگاه می‌کند، بگوییم: قرآن می‌فرماید: «قل للمومنات یغضن من ابصارهن» یعنی به زنان مومن بگو چشمهای خود را فرو بندند .

و یابه مردم بد سخن می‌گویند بگوییم: قرآن می‌فرماید: «و قولوا للناس حسناً» یعنی با زبان خوب با مردم سخن بگویید .

و یا به زنی که با آرایش و جلوه‌گری در جامعه آمده است بگوییم: قرآن می‌فرماید: «و قرن فی بیوتکن و لاتبرجن تبرج الجاهلیه الاولی : در خانه های خود باشید و مانند جاهلیت پیشین آرایش و خودنمایی نکنید.» و اگر پوشش دینی را مراعات نکرده است، بگوییم: قرآن می‌فرماید: «و لیضربن بخرمن علی جیوبهن.» یعنی زنان باید با روسری خود سر و گردن و سینه خویش را بپوشانند .

و اگر زینت‌های خود را آشکار کرده است بگوییم: قرآن می‌فرماید: «و لا یبدین زینتهن.» یعنی زنان زینت‌های خود را آشکار نکنند .

نمونه امر به معروف قرآنی:

در نیشابور، لشگر عمرو لیث، خانه‌ی زن بیوه‌ای را گرفته بودند. عمرو گفت: مگر تو قرآن نخوانده‌ای که خدا می‌فرماید: «ان الملوک اذا دخلوا قریه افسدوها و جعلوا اعزه اهلها اذله : پادشاهان هر گاه به قریه‌ای وارد شوند آن را خراب می‌کنند و عزیزان آن را به ذلت می‌کشانند.» زن گفت: ای پادشاه مگر چند آیه بعد از آن را فراموش کرده‌ای که درباره ستمکاران و خانه‌های آنها می‌فرماید: «فتلک بیوتهم خاویه بما ظلموا : اینها خانه‌های آنهاست که چون ستم کردند ویران شد.»

عمرو لیث از شنیدن این آیه چنان متأثر شد که اشک از چشمش جاری گردید و فوراً حکم کرد که تمام لشکر از شهر بیرون روند و در صحرا خیمه زنند.

(امر به معروف در قالب یک حدیث متناسب با عمل مورد نظر گنهکار)

مثلاً به کسی که خود را شبیه غربی ها و یا کفار می کند بگوییم: رسول خدا (ص) فرمودند: کسی که خود را شبیه گروهی گرداند، از آنها خواهد بود.

و یا به کسی که به علمای دین توهین میکند بگوییم: پیامبر (ص) فرمود: هرکس که عالمی را زیارت کند مثل این است که مرا زیارت کرده است و کسی که با عالمی دست دهد مثل این است که با من دست داده است. یا به کسی که با زنی خلوت می کند نظیر آنچه در دفاتر، ادارات، منازل و امثال آن ممکن است ناخواسته صورت پذیرد، بگوییم: پیامبر (ص) فرمودند: مردی با زنی خلوت نمی کند؛ مگر آنکه سومین آنها شیطان خواهد بود.

و یا به کسی که از دست دادن با نامحرم و لمس بدن او ابایی ندارد بگوییم: رسول خدا (ص) فرمود: اگر یک سوزن آهنی در سر هر یک از شما فرود رود، برای او بهتر است که بدن زنی را لمس کند که برای او حلال نیست.

نمونه روش امر به معروف حدیثی:

در مهمانی که امام صادق (ع) بودند و مردی درخواست آب کرد، اما به جای، آب ظرفی شراب برای او آوردند. وقتی ظرف شراب در دست او قرار گرفت، آن حضرت هم از سفره بلند شد. از او پرسیدند: چرا بلند شدید؟ حضرت فرمود: مورد لعنت است کسی که بر سر سفره ای بنشیند که بر سر آن شراب نوشیده می شود.

۱۳- شبهه تذکر فتوایی

گاهی ذکر یک فتوا از مراجع تقلید در اشخاصی که به دین پایبند هستند، تاثیر خوبی می گذارد. در چنین مواردی می توانیم فتوایی را در ارتباط با عمل گنهکاران بیان کرده یا در رساله مرجع تقلیدش به او نشان دهیم. مثلاً به مردی که خود را به طلا زینت می کند، بگوییم: فقهاء فرموده اند زینت کردن به طلا مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست، برای مرد حرام و نماز خواندن با آنها باطل است.

نمونه روش امر به معروف فتوایی :

کامیونداری بود که خمس کامیون خود را به عنوان سرمایه و ابزار کار پرداخت نکرده بود و با استفاده از آن در آمد کسب می کرد. عالمی که با او ارتباط داشت به او گفت : فتوای فقه این است که نمی شود از مالی که خمس آن واجب شده است استفاده کرد. او هم کامیون خود را متوقف کرد و با مراجعه به دفتر مرجع تقلید خود، خمس کامیون رامحاسبه کرد و آنگاه استفاده از کامیون را در حمل بار و کسب درآمد آغاز کرد .

۱۴- شیوه تذکر منظوم

می توان از شعری که امر به معروف و نهی از منکر را به موثر می سازد بهره گرفت
نمونه امر به معروف منظوم:

مثلا به کسی که به لباس خود می نازد یا لباسش را نشانه تعالی وارزش می داند
و یا پوشاندن آن موجب جلب توجه نامحرم می شود می گوئیم:

تن آدمی شریف است به جان آدمیت
نه همین لباس زیباست نشان آدمیت

یا به کسی که گرفتار اعتقاد به جبر شده است و حتی در ارتکاب گناهانش خود را
مقصر نمی داند بگوئیم :

این که گویی این کنم یا آن کنم
خود دلیل اختیار است ای صنم

و یا به کسی که با فریبکاری به خواسته های خود دست می یابد بگوئیم :

گیرم که خلق را به فریبت فریفتی
با دست انتقام خدایش چه می کنی

و یا به کسی که با استناد به خطاهای مسلمانان و مسئولان، دین اسلام را مورد
خرده گیری و بی مهوری قرار میدهند بگوئیم:

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ماست

۱۵ - شیوه ادبی:

تذکر دهنده باگفتن جمله ادبی و بارعایت کارشناسی لازم، در امر به معروف موفق است .
مثلا شخصی به زنی که با ظاهر زننده و مبتذل بیرون آمده بود؛ گفت: زن بر سر این دوراهی است که خلیفه خدا شود و یا عروس شیطان گردد! و یا به کسی که در شنیدن ، دیدن و یا گفتن بی حیایی می کند، بگوییم: اگر کبوتر سفید حیا از آسمان جان پرواز کند، جغدهای گناه او را آلوده خواهند کرد. و یا به دختر و پسری که بدون عقد شرعی یکدیگر را به دوستی گرفته اند بگوییم: دوستی دختر و پسر آغازی شیرین و پایانی تلخ و ناگوار دارد.

نمونه امر به معروف ادبی :

زنی را دیدم که ظاهر خویش به گناه آلوده کرده بود و همی به خود می بالید .گفتمش خرقه ی گناه برتن کرده ای و تقوای ظاهر مسلمانی بر باد داده ای ؟ گفتا چون قلبم پاک باشد مرا باکی نیست. گفتمش از کوزه همان برون ترود که در اوست. با شنیدن این سخن خموش گردید و سکوت در چهره اش همی آشکار نمود و این بی بضاعت را در سرور هدایتش فرو برد .

۱۶ - شیوه داستانی

امر به معروف داستانی آن است که تذکر دهنده امر و نهی خود را به صورت یک داستان متناسب با کار گنجهکار بیان کند؛ به گونه ای که بفهمد مراد از نقل این داستان، تذکر به اوست.

نمونه امر به معروف داستانی:

مثلا برای نهی کسی که قسم های دروغ می خورد، میتوان این داستان را نقل کرد که رسول خدا (ص) بردو مرد گذر کرد که در حال خرید و فروش گوسفندی بودند و هر دو قسم یاد میکردند. یکی می گفت: به خدا قسم کمتر از این قیمت

نمی فروشم و دیگری می گفت به خدا قسم بیش از این قیمت به تو نخواهم داد؛ تا اینکه بالاخره مشتری گوسفند را خریداری کرد و حضرت فرمود: یکی از شما دونفر گناه کرد و باید کفاره ی شکستن قسم خود را بپردازد.

۱۷- شیوه خواندنی:

کسانی که در هنگام امر به معروف سررشته ی سخن از دستشان بیرون می رود و یا در سخن گفتن به لکنت زبان افتاده و یا دست کم قدرت بیان را از دست می دهند، می توانند تذکر خود را نوشته و هنگام امر و نهی از روی آن بخوانند حتی اگر تذکر دهنده نتواند نوشته خود را با خطاب مستقیم به گنهکار بخواند. با خطاب به فردی دیگری که در نزد گنهکار حضور دارد و یا بدون خطاب و به صورت مطالعه برای خود قرائت کند تا خطاکار هم بشنود.

آیه یا روایت ، شعر یا داستان ، قطعه ادبی یا تاریخی و جمله ای که برای تذکر به گنهکار است را با زمینه سازی مناسب، خطاب به او بخوانیم و اگر خطاب مستقیم ممکن نیست، به بهانه ای که اقتضاء دارد نزد او بخوانیم .

نمونه امر به معروف خواندنی :

مثلا در گذرگاه عابران پیاده حرکت نموده و می توانیم خود را به فرد مورد نظر نزدیک کنیم و به صورتی که بفهمد به او تذکر دهیم ، متن خود را بخوانیم.

* از آنجا که در نظام جمهوری اسلامی، مرحله سوم امر به معروف و نهی از منکر، به عهده مامورین رسمی و ضابطین قضایی می باشد، مردم می توانند با شیوه هایی نظیر معرفی مجرم ، گزارش تخلف و... مسئولان مربوط را در برخورد با تخلفات ، یاری نمایند.

چکیده

* برخی شیوه های امر به معروف و نهی از منکر که مربوط به مرحله اول (اظهار ناراحتی در چهره و ابراز تنفر در رفتار) است:

شیوه های نامه ای و پیامکی، اشاره ای، ترک و جدایی، حذف محرک، آسان سازی، هنری، نمادین، جمعیت غالب، سکوت، رسانه ای، تعجیبی.

* برخی شیوه های امر به معروف و نهی از منکر که مربوط به مرحله دوم (تذکر زبانی) است:

شیوه های تذکر ساده، صریح، تأکیدی، اعتراضی، تأییدی، تعلیلی، اخطاری، انتفاعی، تحریکی، استجیایی، قرآنی، حدیثی، فتوایی، منظوم، ادبی، داستانی، خواندنی.





پرسش‌های درس هفتم:

برای هر یک از موقعیت‌ها و گناهان زیر، چند روش تذکر رفتاری و زبانی بیابید:

۱- در یک میهمانی هستید و یکی از بستگان شما اقدام به تمسخر شخصی می‌کند.

۲- در کلاس درس یکی از فراگیران با سوالات نامربوط، وقت کلاس را هدر می‌دهد.

۳- در صف هستید و یک نفر بدون توجه به نوبت، جلو رفته و قصد زرتگی دارد.

۴- در اتوبوس یا تاکسی هستید و یک نفر سیگار می‌کشد.

۵- در یک اداره هستید و مشاهده می‌کنید که یکی از پرسنل، قصد دریافت رشوه از ارباب رجوع را دارد.

۶- در ماه مبارک رمضان یک نفر در انتظار عموم روزه خوری می‌کند.

بیشتر بدانید

درس هفتم : موضع گیری های گنهکار

پس از تذکر سه موضع گیر از سوی گنهکار می تواند بروز میکند.

۱- پذیرش

در این صورت شایسته است او را دعا کند: "موفق باشید" یا "خدا خیرتان دهد" و...
این امر باعث اثبات صداقت و صمیمیت امر و نهی کننده و نیز تاثیر بیشتر تذکر و استمرار تاثیر میشود.

۲- سکوت

این سکوت می تواند علامت رضایت و یا نشانه ی ناخوشنودی گنهکار باشد و در هر صورت ماموریت تذکر دهنده پایان می یابد .

در این موقعیت هم بنا به تشخیص می توان برای افزایش تاثیر تذکر جملاتی گفت "خدایا تو شاهد باش که پیامت را به بنده ات رساندم "دوست عزیز من وظیفه ام را انجام دادم حال نوبت شماست."

۳- مخالفت (در این حالت بحث موضع گیری های احتمالی آمر و ناهی پیش

(میاید)

الف: سکوت: سکوت در برابر گنهکار در اکثر موارد، ضعف به حساب می آید. زیرا گمان می کند مخالفت او صحیح و بدون پاسخ است و منطق شما را مغلوب کرده است.

ب: جواب های کلی، گاهی از سکوت بهتر است "از ما گفتن بود" یا "بعدا نگید که نگفتم"

ج : پاسخ مستقیم به مخالفت: گاهی لازم است امر و ناهی، به مخالفتها پاسخ دهند تا گنهکاران بدانند که منطق آنها صحیح نیست و پاسخ دارد و ما با سکوت خود آنها را تایید نمی کنیم. در زیر چند نمونه از استدلالات عاصی و پاسخهای کوتاه امرین و ناهیان را می خوانیم:

مخالفت	پاسخ
۱. من آزادم.	من هم آزادم و شما حق ندارید با آزادی بیش از حدتان به آزادی امت اسلامی تجاوز کنید. دیگران هم آزادند که تذکر بدهند. ضمناً گناه، اسیری می آورد؛ نه آزادی.
۲. به شما مربوط نیست .	به خدا که مربوط است. اینجا محیط عمومی است و به همه مربوط است. خداوند فرموده که گناه علنی به همه مربوط است و باید تذکر بدهند.
۳. شما چه کاره هستید ؟	دوست شما. مامور خدا. یک شهروند. یک مسلمان که امر به معروف و نهی از منکر بر او واجب است. هموطن شما.
۴. مزاحم نشو .	شما با گناه مزاحم جامعه شدید ، خیر خواهی مزاحمت است؟



شوه‌ها را کار بردار

<p>در حال حاضر مهمترین کارمن همین است چون خداوند به آن امر کرده است؛ شما با گناهتان نمی گذارید ما مردم به کارهایمان برسیم.</p>	<p>۵. برو به کار خود برس .</p>
<p>ولی خداوند لازم می داند.</p>	<p>۶. لازم نیست ما را امر به معروف کنید.</p>
<p>صاحب مملکت امر به معروف را واجب کرده است. صاحب مملکت این قانون شرعی را ابلاغ کرده.</p>	<p>۷. مملکت صاحب دارد.</p>
<p>گناه شخصی هم مخالفت با خداست و باید ترک شود. ضمناً گناه وقتی علنی باشد، دیگر شخصی نیست.</p>	<p>۸. گناه من یک مسئله شخصی است.</p>
<p>اما خدا دوست ندارد شما چنین کاری بکنید. پاداش و جزاء دست خداست. رضایت مخلوق را بر خالق ترجیح ندهید.</p>	<p>۹. دوست دارم چنین کنم ، خانواده ام اینگونه دوست دارد.</p>
<p>بله قلب آدم مهم است ولی گناه، قلب آدم را آلوده میکند. از کوزه همان برون تراود که در اوست. ظاهر، تجلی باطن است. قرآن علاوه بر دل پاک (ایمان) ، عمل صالح را هم از ما خواسته است.</p>	<p>۱۰. قلب باید پاک باشد.</p>
<p>هرکس خطا می کند نیازمند نصیحت است.</p>	<p>۱۱. نیازی به نصیحت ندارم .</p>

<p>خطای دیگران مجوز گناه شما نیست. خودتان را با افراد بهتر از خودتان مقایسه کنید. چون دیگران گناه میکنند، شما هم باید گناه کنید؟! ملاک درستی و غلطی کارها، فراوانی و کثرت افراد نیست. ملاک، فقط دستورات خداست.</p>	<p>۱۲. دیگران بدتر از ما هستند. ببین همه دارند همین کار را میکنند.</p>
<p>چرا به دستور پروردگارم تعصب نداشته باشم؟ غیرت دینی نشانه مومن است.</p>	<p>۱۳. تعصب نداشته باش و خشک مقدس نباش!</p>
<p>ولی همیشه امکان بازگشت وجود دارد و مهم اینست که هنوز زنده ای و فرصت انتخاب داری. ماهی را هرگاه از آب بگیری، تازه است. عادت غلط را باید ترک کرد. بخاطر عادت اشتباه شما، جامعه نباید آلوده بشه.</p>	<p>۱۴. ما گرفتار شده ایم و آب از سرمان گذشته. ترک عادت موجب مرض است.</p>
<p>اطاعت از دستورات خدا و انجام واجبات، تندروی است؟ ملاک اعتدال، اسلام است؛ نه سلايق مردم. شاید شما دچار تفریط و کندروی شده اید که به این فریضه اهمیت لازم را نمی دهید.</p>	<p>۱۵. افراطی نباش و تندروی نکن، آدم نباید جو گیر باشد.</p>
<p>زمانی که گناه در حضور دیگران انجام شود، آنجا ملا عام است و همه حق اعتراض و وظیفه تذکر دارند.</p>	<p>۱۶. چهاردیواری اختیاری است.</p>
<p>طبق شرع و قانون اساسی، هر جا که در منظر دید عموم باشد، مثل خودرو و قسمتهای مشترک ساختمانها، حریم خصوصی نیست و باید همه قوانین شرع و قانون رعایت شود.</p>	<p>۱۷. داخل خودرو یا ملک خودم هر کار بخواهم میکنم.</p>

<p>۱۸. بروید جلوی دزدی‌ها و اختلاس‌ها و قاچاق‌ها و فحشا و... را بگیرید!</p> <p>بله آنها را نیز باید نهی کرد. اما آنها هم روزی تخم مرغ دزد بودند و با چند تذکر ساده هدایت می شدند اما من و شما تذکر ندادیم. فرافکنی نکنید و گناه خود را پشت گناه دیگران پنهان نکنید. قرآن میفرماید: ذره ای کار نیک و ذره ای کار بد ، بی پاسخ نخواهد ماند. پس خودتان را با افراد بهتر از خود مقایسه کنید.</p>	
<p>۱۹. اصلا من مسلمان نیستم.</p> <p>اصلا به دین شما کار ندارم؛ این کار غلط است و در مکان عمومی نباید انجام شود. هر دینی دارید، قانون مملکت را باید رعایت کنید. مخلوق خدا که هستید. به زودی باید در محضر او جواب بدهید.</p>	
<p>۲۰. اصلا من به این حرفها و قیامت و قرآن و خدا اعتقاد و باور ندارم. اینها را علما از خودشان ساخته اند.</p> <p>چه باور داشته باشید چه نداشته باشید، قبر و برزخ و حساب و کتاب هست و به زودی باید جواب اعمالتان را بدهید. ضمنا من اصلا کار به آخرت ندارم. مردم جامعه، امنیت روانی می خواهند و شما با این گناه، آسایش و آزادی را از همشهریانتان سلب کردید.</p>	
<p>۲۱. من جهنم خودم را می روم و شما هم بهشت خودت را برو! کسی را به زور نبرید بهشت.</p> <p>من هم اگر به شما تذکر ندهم، شریک گناهتان می شود. این شما هستید که دارید با گناهتان، مردم را اهل جهنم می کنید. برای بهشت رفتن باید واجبات دین از جمله امر به معروف و نهی از منکر را انجام داد.</p>	
<p>۲۲. مگر من به عبادات تو گیر میدهم و از کارهایت ایراد می گیرم؟ تو هم کاری به کار من نداشته باش و سلیقه خودت را به دیگران تحمیل نکن!</p> <p>ملاک درستی و غلطی، سلیقه من و شما نیست. ملاک ، حرف خداست. درست و غلط (معروف و منکر) را قرآن و اهل بیت(ع) مشخص کرده اند و تشخیص آن با مراجع تقلید است.</p>	

<p>نه؛ اما این هم یکی از مشکلات است و باید رفع شود.</p>	<p>۲۳. الان همه مشکلات حل شده و فقط همین گناه من مانده؟</p>
<p>اگر هیچکس هم نگاه نکند (گوش نکند)، کار شما گناه است و باید ترک شود. حضور در این جمع (مهمانی یا جلسه یا...) حق من است و شما دارید گناه می کنید. اگر کسی در اتوبوس یا تاکسی سیگار بکشد، همه باید بینی خود را بگیرند؟ یا او باید سیگار را خاموش کند؟ اگر کسی در خیابان، بوق ممتد خودروی خود را به صدا درآورد، همه باید گوشه‌هایشان را بگیرند یا او باید دست از بوق بردارد؟</p>	<p>۲۴. تو اگر خیلی ناراحتی گوش نکن (مثلا به تهمت) ! تو نگاه نکن (مثلا به بی حجابی) ! تو در این مراسم شرکت نکن!</p>



درس هشتم

فنون خطابه و تبلیغ

اهداف درس:

انتظار می رود پس از فراگیری این درس، نتایج ذیل برای خواننده محترم حاصل گردد:

۱. با مهارت های عمومی و تخصصی تبلیغ و تدریس آشنا گردد
۲. روش های موثر در ارتقای کیفیت آموزش یا سخنرانی خویش را ارتقا بخشد

مهارت های کلاسداری

(این بخش ویژه دوره های تربیت مربی است)

روش امر به معروف و نهی از منکر

معنویت

مؤثرترین مربی در روح و جان متربیان خویش، با معنویت ترین آنها است. پس :

- ۱- توکل بر خداوند و توسل به معصومین علیهم السلام را فراموش نکنیم.
- ۲- با مخاطبین خویش، رابطه معنوی و روحی داشته باشیم. لازمه این رابطه معنوی، نگرش به آنان به عنوان بندگان خداست.
- ۳- با نام خدا و ذکر یک خطبه زیبا، آیات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر، یا روایتی که کمتر شنیده شده است؛ درس را شروع کنیم و بعد از آن، حمد خدا و درود بر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله و ائمه معصومین علیهم السلام را فراموش نکنیم.
- ۴- پیش از هر دوره کلاسداری - در ماه رمضان یا تابستان - دو رکعت نماز بخوانیم و از خدا بخواهیم که ما را در تدریس و هدایت مخاطبین موفق بدارد.
- ۵- حتی الامکان با وضو و طهارت وارد کلاس شویم.
- ۶- تبلیغ و ترویج امر به معروف و نهی از منکر را یک وظیفه شرعی بدانیم؛ نه یک شغل معمولی و به کار خویش بعنوان یک کار معنوی، ایمان و اعتقاد قلبی داشته باشیم.
- ۷- از تفاسیر آیات، و نیز احادیث صحیح و معتبری - گاهی با اشاره به سندهای آن ها - در تدریس خود استفاده کنیم.
- ۸- مناسب است کلاس را با دعا به پایان برسانیم.



محبوبیت

امام علی (علیه السلام) می فرمایند: ثلاث یوجبن المحبۃ؛ حسن الخلق و حسن الرفق و التواضع.^۱

سه خصلت موجب محبت می شود: خوشخویی، مهربانی و فروتنی.

محبوبیت استاد نزد متربیان، اولین شرط تاثیرگذاری بر آنان است. وجود علاقه و محبت میان استاد و شاگرد نیز تا حد زیادی به میزان رعایت عدل و انصاف از طرف مربی بستگی دارد.

۱- تفاوت‌های فردی ایشان، احتمال حضور مذاهب مختلف، رشته های متفاوت دانشگاهی و سطوح علمی حوزوی را در کلاس فراموش نکنیم.

۲- از بکارگیری کلمه «من» در حد امکان خودداری کنیم.

۳- به مخاطبان بها بدهیم و جایگاه علمی ایشان را برای خودشان یادآوری کنیم.

۴- تلاش کنیم بیش از مدرس بودن، یک مربی دلسوزی باشیم.

۵- در مقابل مخاطبین خویش از زحمات اساتید خود و از فعالیت دیگران قدردانی و تشکر کنیم.

۶- هرگز رفتار غلط یا جدال علمی مخاطبان را به منزله توهین به استاد خود تلقی نکنیم.

۷- زود عصبانی نشویم و بطور کلی از عصبانیت پرهیز کنیم.

۸- در هنگام نام بردن شخصیتهای اسلامی و دینی، تکریم و تعظیم ایشان را فراموش نکنیم.

۱. غررالحکم ص ۲۵۵

آمادگی روحی

روش امر به معروف و نهی از منکر

امام علی (علیه السلام): کن لینا من غیر ضعف و شدیداً من غیر عنف.^۱
نرم خو باش بدون ضعف و قاطع باش بدون زور گوئی.

به تجربه ثابت شده است که انتقال پیامهای تربیتی، خصوصاً هنگامی که مقارن با تدریس یک بحث فقهی سنگین مانند امر به معروف و نهی از منکر باشد، نیازمند انرژی و روحیه بالائی است. چنانچه استاد با روحیه خوب خود بتواند روحیه مخاطب را حفظ کرده و حتی تقویت نماید، بیشتر می تواند بر آنان تاثیر گذارد؛ پس:

- ۱- کاملاً بر بحث خود مسلط باشید تا با نشاط روحی و عاطفی تدریس کنید.
- ۲- با خوشرویی و نرمخویی تدریس کنید و چهره بشاش داشته باشید.
- ۳- سعی کنید برای ایجاد آمادگی روحی بیشتر در مخاطبان و جذابیت درس، احساسات و عواطف را برانگیزانید.
- ۴- در تدریس شور داشته باشید تا بتوانید شور آفرینی کنید. اگر می خواهید چنین باشید باید به گفته های خود ایمان داشته باشید.
- ۵- تا می توانید هنگام تدریس جوش نزنید و حرص نخورید؛ اما سکون و ثبات بیش از حد نیز خوب نیست. مخاطب باید دغدغه شما را درباره مطلبی که بیان می کنید، حس کند. مربی خوب، نباید یک دستگاه ضبط و پخش صوت باشد.
- ۶- موضوع بحث شما (فریضه امر به معروف و نهی از منکر)، چالشی و پرحاشیه است. در برابر تندی ها و شبهات مخاطبان، باید خونسرد باشید؛ البته طوری رفتار نکنید که شاگردان احساس کنند مورد توجه شما نیستند.

۱. غرالحکم ص ۴۴۴



کیفیت آموزش

امام سجاد(علیه السلام): فاذا احسنت فی تعلیم الناس . . . زادک الله من فضله.^۲

اگر مردم را خوب آموزش دهی، خداوند از فضل خود بر [دانش] تو بیفزاید .

دنایای امروز آموزش، دنیای اصول، روشها و قالبهای آموزشی است . اگر مربی آموزش لازم را ندیده و از توان بالایی در این زمینه برخوردار نباشد، تدریس او حالتی خشک و خسته کننده به خود خواهد گرفت و مخاطبان، به آن علاقه چندانی از خود نشان نمی دهند . پس برای بالا بردن کیفیت آموزش خود و موفقیت بیشتر در آن لازم است که:

- ۱- در افزایش آگاهیها و محتوای علمی و درسی خود بکوشیم.
- ۲- از روشهای نوین تدریس، آگاهی کامل داشته و توان بکارگیری آنها را در خود ایجاد کنیم.
- ۳- از محفوظات خوب و زیادی بهره مند باشیم تا بتوانیم در هنگام تدریس از آنها استفاده کنیم.
- ۴- برای هر درس، مطالب نو و تازه و مثال های متفاوت و متنوع داشته باشیم.
- ۵- از تجربیات درسی و تدریس دیگران بی بهره نمانیم.
- ۶- معمولاً هنرمندی استاد در جلسه اول تدریس مشخص می شود؛ پس روی جلسه اول فکر و مطالعه بیشتری داشته باشیم و آن را دست کم نگیریم.
- ۷- از دسته بندی کردن مطالب - که در تفهیم مطالب نقش زیادی دارد - و داشتن ابتکار و خلاقیت در ارائه آنها غافل نمانیم.
- ۸- داشتن مطالعه همیشگی و نوشتن رئوس مطالب بر روی یک کاغذ به صورت دسته بندی شده و تدریس از روی آن را فراموش نکنیم.

۲ . رساله حقوق امام سجاد(ع)

۹- همراه داشتن جزوه و متن درسی و برقرار نمودن ارتباط بین درسها و نکات تربیتی را از یاد نبریم.

۱۰- از محسوسات، بیشتر از معقولات استفاده کنیم؛ مگر در موارد نیاز و ضروری البته مخاطب باید با همان معقولات اندک بیان شده، از سطح بالای علم استاد، مطمئن گردد.

۱۱- در هنگام تدریس از موضوع درس و بحث خارج نشویم و خلاصه و جمع بندی و نتیجه درس را در آخر کلاس بیان کنیم.

اخلاق

قرآن کریم می فرماید: فَمَا رَحْمَةٌ مِنْ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ^۱

به سبب رحمت خداست که با آنها نرم خوی و مهربان گشتی و اگر تند خو و سخت دل بودی، از گرد تو پراکنده می شدند .

رفتار استاد برای مربیان، الگوی عملی است . استاد در عمل نمودن به گفته های خود، نحوه برخورد با دیگران، سخن گفتن و حتی طرز نشستن، راه رفتن و پوشیدن لباس می تواند برای شاگردان خود الگو باشد.

به ویژه آنکه مردم از امر به معروف و ناهی از منکر انتظار بیشتری دارند؛ چه رسد به کسی که در مقام تدریس امر به معروف و نهی از منکر بر آمده باشد . پس سعی کنیم:

۱- در ایامی که برای تدریس فریضتین، کلاس خواهیم داشت، به نوافل و ادعیه و تهذیب بپردازیم.

۲- خودمان امر به معروف و ناهی از منکر باشیم. اگر حقیقتا به تذکر لسانی و سایر مراحل فریضتین، عامل نیستیم، وقت مخاطبان را هدر ندهیم و تدریس را

۱ . سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۵۹

به شخص دیگری بسپاریم که به گفته های خویش در کلاس، ایمان دارد و عمل می کند.

۳- خوش رو، خوش اخلاق، نرمخو، دارای اخلاص، تقوا و تواضع باشیم و از غرور بپرهیزیم.

۴- از فضل فروشی، خود بزرگ بینی، خود کم بینی و آزرده شدن از نقد و ایراد دیگران بشدت پرهیز کنیم.

۵- اشتباهات خود را توجیه نکنیم و ضمن اعتراف به آنها در رفع آنها بکوشیم.

۶- از تعصب بی جا اجتناب ورزیده و شهادت در گفتن کلمه «نمی دانم» را در خود تقویت کنیم.

وقار مربی

امام علی (علیه السلام): وقار الحلم زینة العلم^۲

متانت بردباری زیور دانش است .

از آنجا که رفتار مربی نشانگر شخصیت اوست و کودکان و نوجوانان دائما تحت تاثیر رفتارهای باطنی و ظاهری مربیان می باشند، شایسته است:

۱- داشتن «تیک» و عادات نامطلوب مانند بازی کردن با دکمه لباس یا موی سر و صورت، زینده یک مربی نیست.

۲- آراستگی ظاهر را رعایت کنید و اموری از قبیل شانه کردن موها، تمیز بودن لباسها، پاره نبودن لباسها و جورابها، واکس زدن کفشها و نظیف بودن بدن را فراموش نکنید . ژولیدگی و نامرتب بودن، نشانه تقوا و زهد نیست.

۳- از بوی خوش - در صورتی که مفسده ای ایجاد نکند - استفاده کنید.

۲ . غر الحکم روایت ۱۰۰۷۳

۴- یقه و دکمه های خود را پیش از تدریس در آینه ببینید.

۵- با چیزهایی که ممکن است تمرکز حواس مخاطبان شما را از بین ببرد بازی نکنید؛ مانند بازی با ماژیک، گچ، تخته، خودکار، تسبیح، عمامه، عینک، بینی، گوش و... .

۶- اگر گچ یا ماژیک از دست شما روی زمین افتاد، آن را بردارید.

۷- در صورت امکان، گاهی برای اشراف بیشتر بر کلاس و تنوع در حرکات، چند قدمی در بین شاگردان راه بروید.

۸- اگر جراحت یا بیماری ظاهری دارید، در ابتدای درس درباره آن توضیح دهید تا ذهن شاگردان را در طول تدریس به خود مشغول نکند. اگر به هر دلیل موجه یا غیرموجه با تاخیر به کلاس رسیدید، توضیح کوتاه و عذرخواهی ساده شما، مخاطب را با شما صمیمی تر خواهد کرد.

تواضع

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله): من تواضع لله رفعه الله و من تکبر وضعه الله^۱

هر کس برای خدا فروتنی کند، خداوند او را بالا می برد و هر کس تکبر کند، خداوند او را پست می گرداند .

بزرگی و عظمت مربی ثمره تواضع و خلوص اوست، از این رو:

۱- به شاگردان خود اجازه سخن گفتن و سؤال کردن بدهید.

۲- سوال ایشان را زمانی قطع کنید که یا نامرتبب باشد، یا بیش از حد طولانی باشد؛ یا پاسخش در ادامه محتوای شما موجود باشد. سایر مخاطبان، برخورد شما با شخص پرسشگر را قضاوت خواهند نمود.

۱ . بحارالانوار ج ۱۶ ص ۲۶۵

رعایت شخصیت متریان

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله): لیس منا من لم یرحم صغیرنا و لم یوقر کبیرنا^۲ کسی که به کودکان ما رحم نکند و بزرگسالان ما را احترام نگذارد از ما نیست . یکی از اصول تربیتی اسلام، احترام به شخصیت و کرامت انسانی افراد است . پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) به همه مؤمنین اعم از کودکان و بزرگسالان، زنان و مردان و روستائیان و غیر آنان، شخصیت می داد و به آنها احترام می گذاشت؛ پس:

۱- رعایت حقوق دیگران بویژه معلمان و مدرسان دیگر فراموش نشود . از زمان تدریس خویش، تخطی نکنیم. احتمال دارد مخاطبان شما، انتقادی به سایر اساتید داشته باشند و در حضور شما مطرح کنند. دقت شود که فضای غیبت و سوءاستفاده برای ایشان باز نگردد.

آنکه عیب دگران پیش تو آورد و شمرد

به یقین، عیب تو نزد دگران خواهد برد

۲- به شخصیت افراد احترام گذاشته و از تحقیر آنان پرهیز شود. به همه شاگردان بطور یکسان نگاه شود . این قاعده فقط در موارد ضروری قابل استثناء است.

۳- سعی کنیم در کلاس، رقابت علمی سالم و مختصر ایجاد کنیم.

۴- از گفتن کلمات و جملات رکیک و خارج از ادب و نزاکت و زنی استاد، پرهیز کنیم.

نکات ویژه

۱- در تدریس خود به این آمار توجه داشته باشید که گفته اند: ۷۵ درصد یادگیری از طریق چشم و ۱۳ درصد از طریق گوش و ۱۲ درصد از طریق بقیه

۲ . همان ج ۷۲ ص ۳۷

حواس انجام می گیرد.

۲- گاهی می توانیم با صلوات یا طرح سؤال یا لحظاتی سکوت به کلاس تمرکز بدهیم، این روش از چند بار گچ روی تخته یا میز زدن بهتر است.

۳- برای پاسخگویی به سؤالات، جوابهای قانع کننده ای داشته باشید و پاسخ سؤالات را با کلماتی مانند «ظاهرا»، «فکر می کنم»، «تقریبا» و «احتیاطا» ندهید.

۴- هرگز مطالب مشکوک و ظنی را بصورت قطعی بیان نکنید و درباره مطالبی که نسبت به آن آگاهی ندارید، سخنی نگویید. مخصوصا اگر این مطالب، ناگهانی به ذهن شما خطور کند.

۵- حتما پس از پایان یافتن درس، لحظاتی درنگ و تامل کنید. شاید شاگردان، سؤال یا کاری داشته باشند.

۶- اگر خودتان شبیه یا سؤالی مطرح می کنید، در نهایت مراقب باشید آن را بی جواب نگذارید. مسئولیت شرعی القای شبهه به عهده شما خواهد بود.

۷- در هنگام سؤال کردن، از جاهای مختلف کلاس، درس را بپرسید. نگاهتان را بین مخاطبان تقسیم کنید و حتی انتهای کلاس را بیشتر مورد خطاب قرار دهید. ضمنا این کار را از یک مکان بخصوص انجام ندهید.

۸- اگر جواب سؤالی را به بعد موکول می کنید؛ آن را یادداشت نمایید و جوابش را در جلسات بعد بدهید.

۹- گاهی یک مکث کوتاه و نگاه به اطراف کلاس جهت جلب توجه شاگردان ضروری است.

شیوه استفاده از تخته سیاه یا تخته وایت برد

قال علی (علیه السلام): کتاب المرء معیار فضله و مسبار نبهه.^۱

۱ . معجم الفاظ غر الحکم صفحه ۹۶۰



نوشتار هر کس معیار فرزانیگی و میزان فرهیختگی اوست .

در استفاده از تخته هنگام تدریس، باید نکاتی را مورد توجه قرار داد . بایسته است نکات زیر مورد توجه قرار گیرد:

۱- سعی کنید در تدریس از «تخته سیاه» یا «وایت برد» یا حتی ویدیوپروژکتور استفاده کنید تا شاگردان درس را بهتر بفهمند.

۲- ابزار و امکانات تدریس مانند: گچ، ماژیک، تخته پاک کن و . . . را پیش از درس فراهم آورید.

۳- فقط مطالب مهم و ضروری را روی تخته بنویسید و سعی کنید مطالب نوشته شده روی تخته را کمتر پاک کنید.

۴- از قسمت بالا و سمت راست تخته شروع به نوشتن کنید، منظم بنویسید و از تمام تخته استفاده کنید.

۵- بسم الله در ابتدای هر کار، رمز عشق به خدا، توکل بر او، استمداد از او و وابستگی به اوست، پس هنگام استفاده از تخته، نوشتن «بسم الله الرحمن الرحیم» را فراموش نکنید.

۶- هنگام نوشتن روی تخته، جلوی مطالب نایستید.

۷- وقتی روی تخته مطلبی می نویسید، هم زمان آن را بخوانید تا همه بشنوند.

۸- موقع نوشتن روی تخته، به شاگردان پشت نکنید، بلکه نیم رخ بایستید و بنویسید.

۹- سعی کنید هنگام نوشتن، لباسها و سر و صورت خود را گچی و یا رنگی نکنید.

۱۰- تخته را از بالا به پایین پاک کنید و با انگشت و دست و مانند آن پاک نکنید . این کار، از وقار استاد در نظر مخاطبان می کاهد و پیامدهای نامناسبی در فراگیری ایشان خواهد داشت.

۱۱- اگر شاگردان شما مطالب روی تخته را در دفترهای خود نوشته اند، در پایان درس تخته را پاک کنید تا برای استاد بعدی آماده باشد. این امر، مدیریت شما در کلاسداری را به مخاطبان می فهماند.

بیان و شیوه انتقال مطالب

یکی از نکات بسیار مهم در کلاسداری، نحوه بیان مطالب و شیوه انتقال آن به مخاطبان است. به کارگیری نکات زیر، مربیان محترم را در انتقال بهتر مطالب یاری خواهد داد.

۱- استفاده از کلمات و جملات زیبا را فراموش نکنید؛ مثلاً به جای «کور»، کلمه «نابینا» و یا «روشندل» را به کار برید.

۲- کلمات و جملات را رسا و روان بیان کنید و در حد مقدور صدا و لهجه خاص و محلی نداشته باشید.

۳- از خطی زیبا و یا حداقل خط خوانا، همراه با بیانی صحیح و زیبا برخوردار باشید.

۴- مختصر و مفید بگوئید و گفتار خود را به شهوت کلام معروف نکنید. توضیحات و اضافات و استخدام کلمات و جملات مترادف، مخاطب را خسته می کند.

۵- تکیه کلام هایی مانند به اصطلاح، به قول معروف، عرض کنم به حضور شما و... نداشته باشید.

۶- طوری تدریس کنید که شاگردان با استعداد بیسندند و شاگردان کم استعداد بفهمند.

۷- طوری سخن بگوئید و تدریس کنید که مخاطبان نسبت به فریضه امر به معروف و نهی از منکر، احساس مسئولیت بیش از پیش کنند و خود را در فراموشی این فریضه بین مردم، سهیم بدانند. سپس ایشان را با راه حل ها و طریقه جبران این کاستی، آشنا کنید.



۸- گاهی مطالب خود را در قالبهای هنری، مانند طراحی، طنز، تئاتر، بیان خاطره و ... تدریس کنید.

۹- متناسب و هماهنگ با موضوع، سر و دست خود را حرکت دهید و حالت آن موضوع را به خود بگیرید.

۱۰- درس را پیش از تدریس تمرین کنید. برای این کار می توانید از فرصت طی مسیر از منزل تا محل درس استفاده کنید.

حفظ تعادل

در اسلام به میانه روی و اعتدال بسیار سفارش شده است. یکی از مواردی که باید در آن میانه روی و اعتدال رعایت شود، مسئله محبت و توجه به شاگردان در کلاس است. پس به موارد زیر توجه کنید:

۱- در کلاسداری نه آنقدر محبت کنید که شاگردان سوء استفاده کنند و شما را دست بیاندازند و نه آن قدر بی مهری کنید که از اطراف شما بگریزند.

۲- بیش از اندازه، از یک مخاطب تمجید و تعریف نکنید؛ زیرا ممکن است موجب غرور او و یا حسادت سایرین دیگر شود.

۳- گاهی می توانید با نگاه کردن به مخاطب خاطی، ناراحتی خود را نشان دهید و نیازی به تنبیه بیشتر نیست.

۴- اقتدار مربی در کلاس مهمتر از سکوت شاگردان است.

۵- پیش از آغاز تدریس، با پرسش از مسئولین مربوطه، شناختی اجمالی از وضعیت و موقعیت و سطح معلومات شاگردان بدست آورید.

نظم و رعایت زمان

اما علی (علیه السلام): اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله

و نظم امرکم.^۱

شما و همه فرزندان و کسانم و هر کسی را که نوشته ام به او رسد، سفارش می‌کنم به تقوای الهی و نظم داشتن در کارتان.

۱- درس خود را با توجه به تعداد جلسات و زمان پیش بینی شده زمان بندی کنید تا در پایان دوره کم یا زیاد نیاورید.

۲- برای در نظر داشتن وقت، به همراه خود ساعت داشته باشید.

۳- وقتی خودتان در اواخر درس اعلام می‌کنید که وقت درس تمام شده است، دیگر آن را ادامه ندهید، مگر اینکه با مشورت و موافقت خود شاگردان باشد.

۴- بی‌نظمی استاد، شاگردان را نیز بی‌نظم می‌کند. به این نکته کاملاً توجه کنید.

۵- به اقتضای جلسه، هر ۱۵ یا ۲۰ دقیقه یکبار، با نکات لطیف و مطالب جالب، مخاطب را به لبخند، اعجاب یا تحسین وادار کنید. این عمل، کلاس شما را از خشکی و یکنواختی خارج می‌کند.

مکان تدریس

امام حسن (علیه السلام): من ادام الاختلاف الی المسجد اصاب احدی ثمان: آیه محکمۀ و ابا مستفادا و علما مستطرفا.

کسیکه به مسجد رفت و آمد داشته باشد به یکی از نعمتهای هشتگانه دسترسی پیدا خواهد کرد:

الف - نشانه های استوار و محکم (در امور دینی خود)

ب - دوستان سودمند

۱ . نهج البلاغه نامه ۴۷



ج - معلومات و دانش تازه و شگفت انگیز.

فضای تدریس یکی از مهمترین اموری است که مربی باید در هنگام تدریس به آن توجه داشته باشد، پس:

۱- مکان تدریس (کلاس) دارای نور و روشنایی مناسب باشد؛ نه کم، نه زیاد و آزار دهنده.

۲- کلاس در جایی آرام برگزار شود و از شلوغی، محل تجمع افراد، محل تفریح مردم و جاهای پر سر و صدا دور باشد.

۳- در صورت امکان، شاگردان پشت به درب کلاس باشند؛ زیرا اگر درب در مقابل دانش آموزان باشد، با ورود هر فرد به کلاس تمرکز دانش آموزان از بین می رود.

۴- مکان تدریس دارای «تخته ی گچی» و یا «وایت برد» باشد.

۵- در ابتدای شروع کلاس، به کسانی که دیر به کلاس می آیند، بطور غیرمستقیم تذکر داده شود.

۶- ناهماهنگیهای موجود بین خود و مسئولین جلسه در مورد محل اجرای کلاس را طوری برای مخاطبین و مستمعین مطرح نکنید که باعث دلسردی آنان شود.

خصوصیات فردی در سخن

امام علی (علیه السلام): لاتفعل ما یضع قدرک.^۲

کاری که مقام تو را پست می گرداند انجام نده .

خصوصیات فردی مربی به ویژه در موارد حساسی مثل کلاس مورد نظر مخاطبان می باشد، پس:

۱- سعی کنید شخصیت علمی و اجتماعی خود را نزد متبریان سبک نکنید.

۲ . غرالحکم ص ۶۱۹

- ۲- در موارد لزوم با برخی از مخاطبان در مورد خصوصیات فردی و علمی خود صحبت داشته باشید.
- ۳- مواظب باشید که مخاطبان، شما را دست نیندازند و بازیچه آنان قرار نگیرید.
- ۴- وقتی کاری را از ایشان می‌خواهید، آن را پیگیری کنید تا حتماً انجام شود.
- ۵- نام خانوادگی خود و برخی مراتب علمی خویش را بدون اغراق و صمیمانه به متربیان بگویید.
- ۶- توجه کنید مقررات خشک و افراطی را در کلاس وضع نکنید.
- ۷- تدریس نیازمند تقویت جسمانی است، آن را فراموش نکنید و بین هر دو جلسه تدریس، چیزی بخورید و یا بنوشید تا به خاطر ضعف دچار مشکل نشوید.
- ۸- در برخوردها و عکس‌العملها انعطاف داشته باشید.
- ۹- در تدریس از گروه‌گرایی و خطبازی (آبی / قرمز و...) خودداری کنید.



درس نهم

قوانین و مقررات

اهداف درس:

انتظار می رود پس از فراگیری این درس، نتایج ذیل برای خواننده محترم حاصل گردد:

۱. آشنایی اجمالی با مهمترین مواد قانونی مرتبط با فعالیت های امر به معروف و نهی از منکر

۲. امکان تبیین اصل هشتم قانون اساسی پیرامون فریضتین

۳. توان تشریح قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر

جایگاه اصل هشتم قانون اساسی (امر به معروف و نهی از منکر)

قانون اساسی به عنوان مهم ترین منبع حقوق اساسی هر کشوری می باشد و مبتنی بر یک سری اصول و معیارهای خاص ملت و اجتماع مختص خود است که با در نظر گرفتن ارزش های خاص جامعه خود، تهیه و تنظیم می شود. لذا اصول مختلف آن هم نتیجه منطقی همان معیارها و ارزش های زیربنایی جامعه هدف می باشد. در قانون اساسی به امور کلی و مسائل اساسی پرداخته می شود و در قوانین عادی، نحوه اجرای امور اساسی بیان می گردد؛ بنابراین تمام اصول قانونی اساسی مهم بوده و باید اجرا شوند.

از دیگر ویژگی های قانون اساسی این است که باید با مبانی اعتقادی یک جامعه همخوانی داشته باشد؛ در صورت عدم تطابق با مبانی اعتقادی مردم، بدون شک قابلیت اجرا پیدا نخواهد کرد. بنابراین واضع قانون نیز با توجه به این مهم، مبادرت به وضع قانونی می کند که با اعتقاد و باورهای مردم هماهنگ باشد.

از ویژگی های دیگر قانون اساسی این است که حدود و حقوق اشخاص حقیقی و حقوقی جامعه را مشخص می کند؛ یعنی تبیین حق و تکلیف و تعیین حدود و ثغور اشخاص جامعه، وظیفه قانون اساسی است و نمی توان بیش از آن از مردم تکلیف خواست و یا آن ها را آزاد و رها نمود. طبعاً حق اشخاص نیز به همان میزان مورد احترام و اعتماد مراجع قانونی است و از این رهگذر حدود وظایف و اختیارات حکومت و دولت نیز توسط قانون اساسی مشخص می گردد.

بر این اساس، اصل هشتم قانون اساسی اشعار می دارد: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند. وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». اصل هشتم قانون اساسی امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یک تکلیف همگانی مقرر نموده و شهروندان را در مقابل رفتار یکدیگر مسئول و ناظر قرار داده است (نظارت همگانی). بدون شک این تکلیف مستلزم پیش بینی حمایت های قانونی لازم از افرادی است که مبادرت به انجام این وظیفه قانونی و شرعی می نمایند. به عبارت دیگر چنان چه اجتماع از منابع و کارکردهای مثبت این نهاد، بهره مند می شود، علی القاعده قانون باید تدابیری را اتخاذ نماید تا کسانی که متحمل آسیبها و مخاطرات مربوط به انجام این وظیفه سنگین می شوند، از

حمایت‌های لازم برخوردار گردند.

قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر

آرشیابی با تورهش

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر حسن روحانی

رئیس محترم جمهوری اسلامی ایران در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر که با عنوان طرح دوفوریتی به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، با تصویب در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۳ و تأیید شورای محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ می‌گردد.

علی لاریجانی

رونوشت :

معاونت محترم نظارت جهت استحضار و اقدام

قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر

ماده ۱- در این قانون، معروف و منکر عبارتند از هر گونه فعل، قول و یا ترک فعل و قولی که به عنوان احکام اولی و یا ثانوی در شرع مقدس و یا قوانین، مورد امر قرار گرفته و یا منع شده باشد.

تبصره - در احکام حکومتی، نظر مقام ولی فقیه ملاک عمل خواهد بود.

ماده ۲- امر به معروف و نهی از منکر، دعوت و واداشتن دیگران به معروف و نهی و بازداشتن از منکر است.

ماده ۳- امر به معروف و نهی از منکر در این قانون ناظر به رفتاری است که علنی بوده و بدون تجسس مشخص باشد.

ماده ۴- مراتب امر به معروف و نهی از منکر، قلبی، زبانی، نوشتاری و عملی است که مراتب زبانی و نوشتاری آن وظیفه آحاد مردم و دولت است و مرتبه عملی آن در موارد و حدودی که قوانین مقرر کرده تنها وظیفه دولت است.

ماده ۵- در اجرای امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان متعرض حیثیت، جان،

مال ، مسکن ، شغل و حریم خصوصی و حقوق اشخاص گردید ؛ مگر در مواردی که قانون تجویز کند .

تبصره - اماکنی که بدون تجسس در معرض دید عموم قرار می گیرند ، مانند قسمت های مشترک آپارتمان ها ، هتل ها ، بیمارستان ها و نیز وسایل نقلیه مشمول حریم خصوصی نیست .

ماده ۶- هیچ شخص یا گروهی حق ندارد به عنوان امر به معروف و نهی از منکر به اعمال مجرمانه از قبیل توهین ، افترا ، ضرب ، جرح و قتل مبادرت نماید . مرتکب طبق قانون مجازات اسلامی ، مجازات می شود .

ماده ۷- مجازات اشخاصی که مبادرت به اعمال مجرمانه نسبت به امر به معروف و ناهی از منکر نمایند ، قابل تخفیف و یا تعلیق نیست و صدور حکم مجازات قابل تعویق نمی باشد .

تبصره - چنانچه مجنی علیه یا اولیای دم از حق خود گذشت نمایند ، جنبه عمومی جرم حسب مورد مطابق ماده ۶۱۴ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم - تعزیرات و مجازات های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵.۳۰۲) و تبصره ماده (۲۸۶) از کتاب دوم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲۰۲۰۱ رسیدگی میشود .

ماده ۸- مردم از حق دعوت به خیر، نصیحت ، ارشاد در مورد عملکرد دولت برخوردارند و در چارچوب شرع و قوانین می توانند نسبت به مقامات ، مسئولان ، مدیران و کارکنان تمامی اجزای حاکمیت و قوای سه گانه اعم از وزارتخانه ها، سازمان ها ، مؤسسات ، شرکت های دولتی ، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی ، نهادهای انقلاب اسلامی ، نیروهای مسلح و کلیه دستگاه هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است ، امر به معروف و نهی از منکر کنند .

ماده ۹- اشخاص حقیقی یا حقوقی حق ندارند در برابر اجرای امر به معروف و نهی از منکر مانع ایجاد کنند . ایجاد هر نوع مانع و مزاحمت که به موجب قانون جرم شناخته شده است ، علاوه بر مجازات مقرر ، موجب محکومیت به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه هفت می گردد. در مورد اشخاص حقوقی ، افرادی که با سوء استفاده از قدرت یا اختیارات قانونی و اداری از طریق تهدید ، اخطار ، توبیخ ، کسر حقوق یا مزایا ، انفصال موقت یا دائم ، تغییر محل خدمت ، تنزل مقام ، لغو مجوز فعالیت ، محرومیت از سایر حقوق و امتیازات ، مانع اقامه امر به معروف و نهی از منکر شوند ، علاوه بر محکومیت اداری به موجب قانون رسیدگی

به تخلفات اداری، حسب مورد به مجازات بند (پ) ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی محکوم می شوند .

تبصره - وجوه حاصل از اجرای این ماده پس از واریز به خزانه کل کشور با پیش بینی در بودجه سالانه، صددرصد در اختیار ستاد قرار می گیرد .

ماده ۱۰- وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان بسیج مستضعفین، شهرداری ها و سایر نهادها و دستگاه های فرهنگی مکلفند شرایط اقامه امر به معروف و نهی از منکر و بالابردن سطح آگاهی های عمومی در این خصوص را از طریق آموزش و اطلاع رسانی فراهم کنند .

ماده ۱۱- قوه قضائیه مکلف است به منظور تسریع در رسیدگی به جرائم موضوع این قانون شعب و ویژه های را اختصاص دهد.

تبصره - آمران به معروف و ناهیان از منکر مشمول حمایت های قضائی موضوع ماده (۴) قانون حمایت قضائی از بسیج مصوب ۱۳۷۱۰۱۰۰۱ مجلس شورای اسلامی می گردند .

ماده ۱۲- وزارت امور خارجه، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و سایر دستگاه های ذی ربط موظفند اتباع خارجی را قبل و حین ورود به کشور نسبت به قوانین و مقررات و رعایت شئون اسلامی آگاه کنند .

ماده ۱۳- در مواردی که نسبت به امر به معروف و ناهی از منکر جنایتی واقع شود و جانی شناسایی نشود و یا در صورت شناسایی به علت عدم تمکن مالی ناتوان از پرداخت دیه در مهلت مقرر باشد، در صورت تقاضای دیه از سوی مجنی علیه یا اولیای دم حسب مورد، پس از صدور حکم قطعی از سوی مرجع صالح قضایی، دیه از محل تبصره ماده (۹) این قانون پرداخت میشود .

تبصره - هرگاه جانی شناسایی شود یا تمکن مالی پیدا کند، ستاد می تواند در صورت اذن مجنی علیه یا ولی وی حسب مورد نسبت به وصول دیه و خسارات مربوطه از طریق محاکم قضائی اقدام نماید . ماده ۱۴- سازمان های مردم نهادی که اساسنامه آن ها در زمینه امر به معروف و نهی از منکر به ثبت رسیده، می توانند مطابق ماده (۶۶) قانون آئین دادرسی کیفری و تبصره های آن اقدام کنند .

ماده ۱۵- هرگاه به فردی که در مقام اجرای امر به معروف و نهی از منکر موضوع این قانون اقدام می کند، آسیب جسمی یا جانی وارد شود، حسب مورد آسیب

جسمی و جانی مزبور منطبق با قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۱/۱۰/۰۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام و آیین نامه اجرائی آن احراز و تعیین می شود .

تبصره - احراز شهادت یا جانبازی با پیشنهاد کمیته کشوری متشکل از: نمایندگان قوه قضائیه ، نیروی انتظامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، بنیاد شهید و امور ایثارگران و ستاد، با تشخیص دادگاه صلاحیت دار صورت می گیرد .

ماده ۱۶- ستاد امر به معروف و نهی از منکر که در این قانون ستاد نامیده می شود ، عهده دار وظایف زیر است :

۱- تعیین سیاست ها و خط مشیهای اساسی در زمینه ترویج و اجرای امر به معروف و نهی از منکر و پیشنهاد آن به مبادی ذی ربط

۲- تبادل اطلاعات و نظرات برای شکل گیری سیاست های مربوط به امر به معروف و نهی از منکر

۳- آسیب شناسی و ریشه یابی علل ترک معروف و ارتکاب منکر

۴- تعیین الگوهای رفتاری

۵- زمینه سازی جهت مشارکت همه جانبه آحاد مردم و دستگاه های اداری و رسانه های عمومی در امور مربوط به فریضه امر به معروف و نهی از منکر

۶- رصد اقدامات انجام شده در اجرای این قانون و انعکاس آن به مراجع ذی ربط

۷- تدوین راهبردهای آموزشی برای سطوح مختلف جامعه

۸- آموزش و پژوهش و تحقیق در زمینه امر به معروف و نهی از منکر و ترویج و گسترش فرهنگ آن

۹- شناسایی ظرفیتهای و کمک به تشکیل جمعیتها و تشکلهای مردمی فعال

۱۰- حمایت همه جانبه از اقدامات قانونی آمران به معروف و ناهیان از منکر

۱۱- پیگیری مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در ارتباط با تکالیف ستاد در خصوص راه کارهای اجرائی فرهنگ عفاف و حجاب

۱۲- ارائه گزارش سالانه به مقام معظم رهبری و قوای سه گانه و مردم

تبصره ۱- وزارت کشور پس از کسب نظر مشورتی ستاد ، نسبت به صدور مجوز برای سازمان های مردم نهادی که در زمینه امر به معروف و نهی از منکر قصد فعالیت دارند ، اقدام مینماید .

تبصره ۲- ستاد های استانی و شهرستانی می توانند در خواست اشخاص حقیقی و حقوقی برای تجمع و راهپیمایی در موضوعات مرتبط با امر به معروف و نهی از

منکر را بررسی و در صورت تأیید، نظر مشورتی خود را جهت صدور مجوز حسب مورد به استانداری، فرمانداری یا بخشداری ارسال کنند.

تبصره ۳- هرگاه مسئولان ذی ربط با تشخیص مراجع قضایی بدون عذر موجه از صدور مجوز موضوع تبصره های (۱) و (۲) استنکاف نمایند، مستوجب مجازات موضوع ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم - تعزیرات و مجازات های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵.۳.۲) می باشند.

تبصره ۴- وظایف ستاد، نافی مسئولیت های وزرا، مسئولان دستگاه های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری، رؤسای قوای سه گانه و مراجع قضایی و ضابطان دادگستری در ارتباط با آن چه در این قانون مقرر شده، نمی باشد.

ماده ۱۷- سازمان بسیج مستضعفین موظف است با به کارگیری آحاد بسیجیان در چارچوب قوانین نسبت به فرهنگ سازی و اجرای امر به معروف و نهی از منکر در مرتبه زبانی اقدام کند.

تبصره ۱- مفاد این ماده نافی مسئولیت ضابطان قضایی بسیج در مواردی که در قانون پیش بینی شده است، نمی باشد.

تبصره ۲- تبصره (۳) ماده (۱) قانون حمایت قضایی از بسیج مصوب ۱۳۷۱.۱۰.۱ به شرح زیر اصلاح می شود:

تبصره ۳- ستاد امر به معروف و نهی از منکر با همکاری سازمان بسیج مستضعفین برای مرتبه عملی امر به معروف و نهی از منکر موضوع ماده (۴) قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر برای افراد مورد نیاز از سازمان بسیج مستضعفین به عنوان ضابطان امر به معروف و نهی از منکر دوره آموزشی برگزار کند.

ماده ۱۸- دستگاه های اجرائی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶.۷.۸ و مؤسسات و شرکت های خصوصی و مراکز خدمات عمومی و اماکن عمومی و واحدهای صنفی موظف به رعایت این قانون می باشند.

ماده ۱۹- اعضای ستاد امر به معروف و نهی از منکر به شرح زیر است:

۱- یکی از ائمه جمعه موقت شهر تهران به انتخاب شورای سیاست گذاری ائمه جمعه به عنوان رئیس ستاد

۲- وزیر کشور

۳- وزیر اطلاعات

۴- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

- ۵- وزیر آموزش و پرورش
 - ۶- وزیر علوم، تحقیقات و فناوری
 - ۷- وزیر صنعت، معدن و تجارت
 - ۸- دو نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به پیشنهاد کمیسیون فرهنگی و انتخاب مجلس به عنوان ناظر
 - ۹- نماینده تام الاختیار رئیس قوه قضائیه
 - ۱۰- رئیس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران
 - ۱۱- رئیس سازمان تبلیغات اسلامی
 - ۱۲- فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران
 - ۱۳- رئیس سازمان بسیج
 - ۱۴- دبیر ستاد ائمه جمعه
 - ۱۵- دو نفر مجتهد به انتخاب شورای عالی حوزه های علمیه
 - ۱۶- یک نفر مجتهد به انتخاب شورای عالی حوزه های علمیه خواهران
 - ۱۷- دبیر ستاد به انتخاب رئیس ستاد
- تبصره ۱- اشخاص دیگر نمیتوانند به جای اعضای ستاد در جلسات شرکت کنند .
- تبصره ۲- مصوبات ستاد توسط رئیس، جهت اجرا به مبادی ذی ربط ابلاغ می شود و در چارچوب این قانون لازم الاجرا است .
- ماده ۲۰- ستادهای استانی و شهرستانی وظایف محوله در چارچوب این قانون را زیر نظر ستاد انجام می دهند.
- اعضای ستاد استان عبارت است از :
- ۱- امام جمعه مرکز استان به عنوان رئیس ستاد
 - ۲- استاندار
 - ۳- مدیر کل اطلاعات استان
 - ۴- مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی
 - ۵- مدیر کل آموزش و پرورش
 - ۶- رئیس یکی از دانشگاه های استان با انتخاب رئیس ستاد
 - ۷- رئیس سازمان صنعت ، معدن و تجارت استان
 - ۸- دو نفر از نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجمع نمایندگان استان به عنوان ناظر
 - ۹- دادستان مرکز استان

- ۱۰- مدیر کل سازمان تبلیغات اسلامی استان
- ۱۱- رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی استان
- ۱۲- مدیر کل صدا و سیما استان
- ۱۳- فرمانده ناجا در استان
- ۱۴- فرمانده ارشد سپاه در استان
- ۱۵- دبیر ستاد ائمه جمعه استان
- ۱۶- یک نفر از مدیران مدارس علمیه استان به انتخاب شورای حوزه های علمیه استان
- ۱۷- مدیر مدارس علمیه خواهران در استان
- ۱۸- دبیر ستاد به انتخاب رئیس ستاد تبصره- ستاد استان مسئولیت ستاد شهرستان مرکز استان را نیز عهده دار است .

اعضای ستاد شهرستان عبارتند از:

- ۱- امام جمعه شهرستان به عنوان رئیس ستاد شهرستان
- ۲- فرماندار
- ۳- رئیس اداره اطلاعات شهرستان
- ۴- مدیر آموزش و پرورش شهرستان
- ۵- رئیس یکی از دانشگاههای شهرستان به انتخاب رئیس ستاد شهرستان در صورت وجود
- ۶- مدیر اداره صنعت، معدن و تجارت شهرستان
- ۷- رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان
- ۸- نماینده یا نمایندگان شهرستان در مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر
- ۹- دادستان شهرستان
- ۱۰- رئیس واحد خبر در شهرستان
- ۱۱- رئیس اداره تبلیغات اسلامی
- ۱۲- فرمانده انتظامی شهرستان
- ۱۳- فرمانده سپاه
- ۱۴- یک نفر از مدیران مدارس علمیه شهرستان به انتخاب ستاد شهرستان در صورت وجود
- ۱۵- مدیر یکی از مدارس علمیه خواهران شهرستان به انتخاب رئیس ستاد

شهرستان در صورت وجود

۱۶- دبیر ستاد به انتخاب رئیس ستاد

تبصره ۱- هریک از اعضای ستادهای مذکور باید شخصا در جلسات حضور پیدا کنند .

تبصره ۲- مصوبات ستاد در چارچوب اختیارات موضوع این قانون توسط رئیس جهت اجرا به مبادی ذی ربط ابلاغ می شود که برای آنها لازم الاجرا است .

تبصره ۳- جلسات ستادهای موضوع این ماده و ماده (۲۰) این قانون با حضور اکثریت مطلق اعضا رسمیت می یابد و مصوبات آن منوط به رأی اکثریت مطلق حاضران است .

ماده ۲۱- دستگاه های اجرایی موضوع این قانون موظفند گزارش عملکرد خود را در مورد چگونگی اجرای این قانون حداقل شش ماه یکبار به ستاد ارائه دهند .

ماده ۲۲- ستاد موظف است گزارش عملکرد سالانه خود را در هفته احیای امر به معروف و نهی از منکر به کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید .

ماده ۲۳- علاوه بر استفاده از ردیف بودجه ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر جدول شماره (۱۷) - « کمک به اشخاص حقوقی غیردولتی موضوع جزء (۳) ردیف ۵۴۰۰۰۰ جدول شماره (۹) » به دولت اجازه داده می شود از بودجه فرهنگی دستگاه های اجرائی ذی ربط موضوع این قانون به امر به معروف و نهی از منکر اختصاص دهد .

ماده ۲۴ - دستورالعمل اجرائی این قانون توسط ستاد، حداکثر ظرف مدت سه ماه پس از لازم الاجرا شدن این قانون تصویب و ابلاغ می شود . قانون فوق مشتمل بر بیست و چهار ماده و نوزده تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و سوم فروردین ماه یک هزار و سیصد و نود و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۴۰۲۰۲ به تأیید شورای نگهبان رسید .

چکیده

* اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد: در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»

* قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مشتمل بر بیست و چهار ماده و نوزده تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و سوم فروردین ماه یک هزار و سیصد و نود و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۱۳۹۴۰۲۰۲ به تأیید شورای نگهبان رسیده و لازم الاجراست.



پرسش‌های درس نهم :

- ۱- اصل هشتم قانون اساسی را بنویسید.
- ۲- به موجب ماده ۱ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، معروف و منکر شامل چه مواردی می‌شود؟ در احکام حکومتی چگونه؟
- ۳- به موجب ماده ۵ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، حریم خصوصی را تعریف کنید و بنویسید شامل چه مواردی می‌شود؟
- ۴- به موجب ماده ۱۰ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، کدام نهادها موظف به آموزش و ترویج امر به معروف و نهی از منکر می‌باشند؟

بیشتر بدانید

درس نهم

قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵ به‌منظور آگاهی بیشتر عزیزان با قوانین و مقررات مرتبط، قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز تقدیم حضور مخاطبان گرامی می‌شود.

ماده واحده: از تاریخ تصویب این قانون، کلیه محاکم عمومی، انقلاب و نظامی دادسراها و ضابطان قوه قضائیه مکلفند در انجام وظایف قانونی خویش موارد ذیل را به‌دقت رعایت و اجرا کنند. متخلفین به مجازات مندرج در قوانین موضوعه محکوم خواهند شد:

۱. کشف و تعقیب جرایم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه سلاخی شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافه و بدون ضرورت اجتناب شود.
۲. محکومیت‌ها باید برطبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانون و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبودن قانون) قطعی نگردیده اصل بر برائت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.
۳. محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و متشکی عنهم را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آنان فراهم آورند.
۴. با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرایم و مطلعان از وقایع و کلا در اجرای وظایف محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.

۵. اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاب می‌نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرره پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.

۶. در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایدای افراد نظیر بستن چشم و سایر اعضاء، تحقیر و استخفاف به آنان، اجتناب گردد.

۷. بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یانشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلا اقدام‌های خلاف قانون خودداری ورزند.

۸. بازرسی‌ها و معاینات محلی جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد.

۹. هرگونه شکنجه متهم به‌منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذشده بدین‌وسیله حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

۱۰. تحقیقات و بازجویی‌ها باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی، قانونی و آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت‌گیرد و با کسانی‌که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاق آن متوسط شده‌اند، براساس قانون برخورد جدی صورت‌گیرد.

۱۱. پرسش‌ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوای در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداخت به موضوعات غیرمؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد. پاسخ‌ها به‌همان کیفیت اظهارشده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهارکننده خوانده شود و افراد باسواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبیه تحریف یا القاء ایجاد نگردد.

۱۲. محاکم و دادرها بر بازداشتگاه‌های نیروهای ضابط یا دستگاه‌هایی که به‌موجب قوانین خاص وظایف آنان را انجام می‌دهند و نحوه رفتار مأموران و متصدیان مربوط با متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را مورد تقدیر و تشویق قراردهند و با متخلفان برخورد قانونی شود.

۱۳. از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیاء ضبطی و توقیفی متهمان، اجتناب

نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادسراها نسبت به اموال و اشیاء تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آن‌ها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است در حفظ و مراقبت از آن‌ها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آن‌ها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.

۱۴. رئیس قوه قضائیه موظف است هیأتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاه‌هایی که به‌نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند، موظفند با این هیأت همکاری لازم را معمول دارند. آن هیأت وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر سعی در اصلاح روش‌ها و انطباق آن‌ها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضائیه گزارش نماید.



منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. الامالی شیخ صدوق
۴. مستدرک الوسائل و مستنبط الوسائل، حسین بن محمدتقی نوری
۵. بحارالانوار، علامه محمدباقر مجلسی
۶. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، عبدالواحد بن محمد تمیمی
۷. تفسیر روایی البرهان فی تفسیر القرآن، علامه سید هاشم بحرانی
۸. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، شیخ صدوق(ره)
۹. کتاب المکاسب، شیخ مرتضی انصاری
۱۰. رساله حقوق امام سجاد(ع)
۱۱. وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، شیخ حر عاملی
۲۱. عیون اخبار الرضا(ع) ، شیخ صدوق
۳۱. صحیفه نور ، امام سید روح الله موسوی خمینی
۴۱. تحریرالوسیله، امام سید روح الله موسوی خمینی
۵۱. پایگاه اینترنتی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه ای
۶۱. رساله اجوبه الاستفتائات حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای
۷۱. رساله آموزشی آیت الله العظمی سید علی خامنه ای
۸۱. میزان الحکمه، آیت الله محمد محمدی ری شهری
۹۱. توضیح المسائل جامع آیت الله العظمی سیستانی
۱۰۲. استفتائات آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی
۱۲. استفتائات حضرت آیت الله العظمی محمدتقی بهجت
۲۲. استفتائات حضرت آیت الله العظمی محقق کابلی
۳۲. مجمع المسائل آیت الله العظمی سید محمدرضا گلپایگانی

۴۲. مجموعه آثار آیت الله شهید مرتضی مطهری
۵۲. صراه النجات آیت الله العظمی هاشمی شاهرودی
۶۲. سلوک عاشورایی آیت الله العظمی مجتبی تهرانی
۷۲. کفایه الاصول، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی
۸۲. استفتائات جدید آیت الله العظمی ملکی تبریزی
۹۲. الوجیز فی الفقه الاسلامی، آیت الله سید محمد تقی مدرس
۰۳. رساله جامع احکام و استفتائات امر به معروف و نهی از منکر علی تقوی
۱۳. اعلام الدین فی صفات المومنین
۲۳. مقتل الحسین، موفق بن احمد خوارزمی
۳۳. مشکات الانوار فی غرر الاخبار، علی بن حسن بن فضل طبرسی
۳۴. مشکات هدایت، آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی
۳۵. کافی محمد بن یعقوب کلینی دارالکتب الاسلامیه تهران ۱۳۶۵
۳۶. کفایه الاحکام، محمد باقر بن محمد مومن سبزواری
۳۷. منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، علامه حلی
۳۸. اوائل المقالات، محمد بن محمد بن نعمان شیخ مفید
۳۹. الاقتصاد، ابو جعفر محمد بن حسن شیخ طوسی
۴۰. مصباح الفقاهه، السید ابوالقاسم الخویی
۴۱. تهذیب الاحکام تحقیق خراسان، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی
۴۲. التفسیر الکبیر، فخرالدین رازی
۴۳. جواهر الکلام، علامه شیخ محمد حسن نجفی
۴۴. النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، محمد بن حسن طوسی
۴۵. اصول فقه محمد رضا مظفر
۴۶. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله جاودان
۴۷. درس خارج فقه آیت الله علیرضا اعرافی
۴۸. المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی
۴۹. العین، خلیل بن احمد عمر بن تمیم ابو عبدالرحمن فراهیدی
۵۰. مصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر الرافعی، احمد بن محمد بن علی الفیومی
۵۱. معجم الفاظ غرر الحکم و درر الکلم
۵۲. قاموس قرآن، علی اکبر قرشی بنایی
۵۳. لغتنامه دهخدا، علی اکبر دهخدا